

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۲۳ *

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - قرائت پیشنهاد تشکیل کمیونی برای رسیدگی به عملیات میسیون امریکائی
- ۳ - طرح گزارش نمایندگی آقایان : سید محمد طباطبائی - محمد بهادری یمین اسفندیاری و رحمانقلی خلعت بری
- ۴ - بقیه شور و تصویب برنامه دولت
- ۵ - تقدیم لایحه سه دوازدهم از طرف آقای وزیر دارائی
- ۶ - قرائت طرح مربوط به اجرای مراسم سوگند از طرف آقایان وزیران
- ۷ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای عامری (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه را آقای جواد مسعودی (منشی) قرائت نمودند *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

یمین اسفندیاری - راجع به گرگان دوسه کلمه عرض

دارم .

۲ - قرائت پیشنهاد تشکیل کمیونی برای رسیدگی به عملیات میسیون امریکائی

نایب رئیس - آقای دکتر اعتبار

دکتر اعتبار - بنده در خصوص عرایض که در روز سه

شنبه هفته قبل عرض کردم پیشنهادی تهیه شده است که عرض میکنم :

مجلس شورای ملی - نظر باینکه نسبت به اقدامات

نایب رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای یمین

اسفندیاری در صورت مجلس نظری دارید؟

یمین اسفندیاری - نه قربان قبل از دستور عرضی

داشتیم .

نایب رئیس - در صورت مجلس آقایان فرمایشی ندارند؟

(گفته نشد) خیر) صورت مجلس تصویب شد . عده از آقایان

اجازه خواسته اند قبل از دستور صحبت کنند .

جمعیت از نمایندگان - دستور . دستور

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح نوزدهمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نایب رئیس - آقایان غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه : آقایان : حسن کفائی - مزید قوامی - تهرانچی - ذوالقدر - کاظمی

آقایان مستشاران امریکائی عموماً اظهار نگرانی میشود و ملت ایران از صحت و سقم این مذاکرات بی اطلاع است امضاء کنندگان ذیل موضوع را از نقطه نظر حفظ مصالح کشور مورد دقت دانسته و پیشنهاد مینمایند که برای بررسی موضوع کمیسیون مخصوصی از شعب انتخاب شده و کمیسیون مذکور موظف است گزارش خود را حداکثر تا ۱۵ اردیبهشت سال جاری با اطلاع مجلس برساند. رفیع - دولت آبادی - آشتیانی - شجاع - فرخ - دکتر آقایان - سیف پور - امینی - دکتر معاون - دکتر عبده - اردلان - صمصام - ذوالفقاری - دکتر اعتبار - منصف - تولیت - غفاری - ظفری تیمورتاش - طوسی - حسن اکبر

دکتر طاهری - رجوع شود بکمیسیون مبتکرات

نایب رئیس - آقای فاطمی .

فاطمی - اولاً خواستم يك نکته را عرض کنم مذاکرانی که در اینجا میشود راجع به برنامه و راجع بمیسیون امریکائی شاید يك سوءتفاهم در خارج کرده باشد که مجلس شورای ملی با میسیون امریکائی مخالف است در صورتیکه گمان میکنم اکثریت آقایان نمایندگان مخالفتی با میسیون امریکائی ندارند اگر نظری هست راجع بنیواقصی است که در کارها هست خود بنده هم شاید آنرا در موقع خودش تذکر بدهم بنده از آقایانی که پیشنهاد داده اند تقاضا میکنم تأمل بفرمایند رأی اعتماد که بدولت داده شد بعد این پیشنهاد را بفرستند بکمیسیون مبتکرات همانطوری که آقای دکتر طاهری فرمودند یا هر کمیسیون دیگری که آقایان صلاح میدانند و در آنجا مطالعاتی بشود و يك گزارش مشروحی برای مجلس شورای ملی تقدیم بشود. (صحیح است)

دکتر اعتبار - بنده هم موافقم .

جمعی از نمایندگان - دستور - دستور .

نایب رئیس - چند فقره گزارش از اعتبار نامه های آقایان نمایندگان تهیه شده اگر آقایان اجازه میفرمایند قرائت شود پیشنهادی هم در این زمینه آقای امینی کرده اند خوانده شود :

چون تکلیف عده از آقایان نمایندگان محترم بواسطه مطرح نشدن اعتبارنامه های آنها نامعلوم است پیشنهاد می کنم قبل از ورود بدستور اعتبارنامه ها مطرح شود .

جمعی از نمایندگان - پیشنهاد لازم ندارد .

[۳ - طرح گزارش نمایندگان آقایان : سید محمد طباطبائی - محمد بهادری - یمن اسفندیاری و رحمن قلی خلعت بری]

نایب رئیس - آقای فاطمی

(گزارش شعبه پنجم راجع بنمایندگی آقای محمد طباطبائی از سبزواری آقای فاطمی بشرح ذیل قرائت کردند)

گزارش شعبه پنجم به مجلس شورای ملی

انتخابات سبزواری برای چهاردهمین دوره تقنینیه مجلس از تاریخ ۱۳/ مرداد/ ۲۲ شروع و در تاریخ ۱۰ دیماه/ ۲۲ خاتمه یافته است . نظر بوصول شکایات بسیاری و آمدن عده از اهالی محل بمنظور شکایت پرونده مزبور مورد توجه شعبه واقع پس از رسیدگی در چند جلسه خلاصه جریان انتخابات سبزواری و فهرست شکایات و دلائل آن و نظر شعبه برابر محتویات پرونده بطوری است که ذیلأ بعرض میرسد :

در تاریخ ۱۳ مرداد/ ۲۲ از طرف فرمانداری از طبقات شش گانه و معتمدین محل برای انتخاب اعضاء انجمن نظارت دعوت بعمل آمده اعضاء انجمن اصلی طبق مقررات تعیین و پس از انتخاب هیئت رئیسه انجمن های فرعی را برای بخشهای تابعه تشکیل داده اند و مقرر بوده است در روز ۱۴ شهریور ماه/ ۲۲ نشر تعرفه و اخذ آراء بعمل آید نظر بتصادف با ماه رمضان بروز نهم مهر ماه موکول گردیده است در روز مزبور فرماندار سبزواری باز عده دیگری را برای تشکیل انجمن دیگری مجدداً دعوت نموده و انجمن دیگری تشکیل داده است . ضمن تلگراف شماره ۳۱۶۱ مورخ دهم مهر ماه تشکیل انجمن جدید را بوزارت کشور اطلاع داده و برای بخشهای فرعی هم انجمن های تازه نیز تعیین شده است . وزارت کشور ضمن تلگراف ۳۱۸۰ مورخ ۱۴ مهر ماه دستور داده است از تشکیل انجمن جدید خودداری شود تا برای تحقیق از چگونگی بازرس فرستاده شود . فرماندار محل

باستناد امر شفاهی جناب آقای استاندار که بسبزواری شخصاً مسافرت نموده بودند متعذر گردیده و در تلگراف خود اشعار داشته است که اعضاء انجمن اصلی از انجام وظیفه خود مستنکف و بعضی مستعفی گردیده اند در صورتیکه در پرونده آثاری از استعفای اعضاء انجمن دیده نمیشود و ضیاء الحق حکیمی رئیس انجمن در همان روز نهم مهر ماه که مقرر بوده انجمن را تشکیل و اخذ آراء بعمل آورد از تشکیل انجمن جدید شکایت نموده که تلگراف نامبرده در پرونده بایگانی است . بهر صورت انجمن جدید تشکیل یافته انجمن های فرعی را هم تغییر داده و انجمنهای دیگری تعیین و شروع بکار نموده اند . شکایاتی بطور استمرار و مکرر متوالیاً ضمن تلگرافات و نامه های مشروح از بدو شروع به انتخابات تا آخر هفته اول افتتاح مجلس رسیده و حتی هنوز هم تلگرافات له و علیه ادامه دارد . امهار و امضاء های عده شکایت کننده کان بیش از سه هزار است و چند نفری هم که بنام نماینده گی اهالی به تهران آمده بودند برای توضیح شکایات در شعبه حاضر و اصول شکایات اجمالاً بقرار ذیل است :

۱ - انجمن اولیه قانونی بوده کسی استعفا نداده و استنکاف نکرده و بر فرض استنکاف و استعفا از اعضاء علی البدل باید دعوت شود و با فرض استعفا اعضاء اصلی و علی البدل انجمن اصلی چون انجمن های فرعی در موقع خود تشکیل شده و قانونی بوده و کسی ادعای استعفای انجمنهای فرعی را نکرده است انحلال انجمنهای فرعی هم بکلی بی مورد بوده است و باید تشکیل انجمن جدید بدستور وزارت کشور باشد و بالعکس وزارت کشور بعدم تشکیل انجمن جدید دستور داده است . چون منظور فرمانداری بوسیله انجمنهای اولیه عملی نبوده انجمن اصلی و انجمن های فرعی را منحل کرده است . وحیدی نائب رئیس انجمن اصلی در شعبه حاضر و اظهار داشت در روز نهم مهر ماه که برای انجام وظیفه و اخذ آراء بمحل انجمن رفته بود مأمورین شهر بانی نامبرده را راه نداده اند .

۲ - انجمن ثانوی از عده ای بیسواد و بعضی از محکومین

جزائی تشکیل شده .

۳ - پنج نفر از اشخاص مؤثر آنکه بعضی نائب رئیس انجمن اصلی و بعضی منشی و نائب رئیس انجمن های فرعی بوده اند توقیف و تا ختم انتخابات زندانی و پس از صدور اعتبارنامه آزاد شده اند .

۴ - انجمن قبل از انقضاء موعد قانونی وبدون رسیدگی بشکایات منحل شده .

۵ - درخواست نموده بودند کلیه پرونده های شهر بانی سبزواری که مبنی بر توقیف جمعی و پرونده دیوان کیفر که مبنی بر شکایت از مأمورین است و دفاتر انجمن و کلیه اوراق مربوطه بانتخابات سبزواری خواسته شود و در شعبه رسیدگی گردد .

۶ - در بخش کوه میش - ششتمد - چون بخشداری آنجا برای جعل و تعویض آراء حاضر نبوده بخشداری مزبور منفضل گردیده و بجای او بخشداری بخش (داورزن) که در بخش مزبور از عهده دستورات بر آمده و آراء بخش خود را عوض کرده برقرار گردیده است و نسبت بهر يك از بخشهای ششتمد - جغتای - داور زن شرح عوض کردن آراء و جزئیات و خصوصیات هر يك از بخشها را و طرز عملیات مأمورین و مداخله و تهدید و تعویض را تشریح نموده اند که حاجتی بذکر خصوصیات نیست .

۷ - انتخاب شده کان در محل معروفیت نداشته اند و مردم مایل بوده اند از اهالی محل خود نماینده گانی انتخاب نمایند . هر چند شکایات بیش از میزان معمولی وعده کثیری شکایت نموده بودند و دلائلی برای اثبات شکایات خود ذکر نموده بودند ولی چون ممکن بود شکایات شکایات بر اثر دسته بندی و تحریک اشخاصی باشد که از انتخاب محروم شده اند . لذا بدلائلی که در پرونده بایگانی بود و شکایات را تأیید مینمود توجه گردید .

اینک دلائلی که مبنی بر مداخله مأمورین سبزواری و مشعل بر صحت قسمتی از شکایات است و از مقامات رسمی دولتی از قبیل نخست وزیری - وزارت کشور - وزارت جنگ و وزارت

دربار - ژاندارمری کل - شهر بانی صادر شده است بطور فهرست بعرض میرسد :

۱- نامه محرمانه و مستقیم شهر بانی کل کشور بامضاء سر تیپ خمرو پناه شماره ۶۰۷۴ مورخ ۲۲/۵/۳ که مبنی بر مداخله ژاندارمری سبزوار در امر انتخابات است و بوزارت کشور گزارش گردیده است .

۲- نامه وزارت کشور به اداره کل ژاندارمری مبنی بر مداخله ژاندارمری سبزوار در امر انتخابات و دستور رفع مداخله .

۳- تلگراف شماره ۱۰۵۱۶ مورخ ۲۲/۶/۱۹ بامضاء سر تیپ سطوتی به ژاندارمری مشهد مشعر بر مداخله سروان ضرابی در انتخابات سبزوار و دستور جلوگیری از عملیات سروان نامبرده .

۴- تلگراف شماره ۳۶۸۰ مورخ ۲۲/۷/۱۶ وزارت کشور مبنی بر اینکه انجمن جدید تشکیل نشود تا بازرس فرستاده شود .

۵- تلگراف دیگر وزارت کشور شماره ۳۷۱۱ عطف به تلگراف فوق که تا دستور مجدد و اعزام بازرس از هر گونه اقدامی فرماندار سبزوار خود داری نماید ولی مع الوصف فرماندار انجمن جدید را تشکیل داده است و وزارت کشور هم بازرس اعزام نکرده است .

۶- نامه شماره ۴۵۶۰ مورخ ۵ آبان ۲۲ وزارت کشور بوزارت جنگ مبنی بر درخواست اطلاع از اقدامی که از طرف وزارت جنگ برای رفع مداخله مأمورین نظام وظیفه در امر انتخابات بعمل آمده است .

۷- تلگراف شماره ۴۸۱۵ مورخ ۲۶ مهر ماه ۲۲ دفتر مخصوص شاهنشاهی بفرمانداری سبزوار مبنی بر توصیه در آزادی انتخابات و منع مداخله شیبانی عضو دربار .

۸- نامه شماره ۱۵۸۹۳ مورخ ۲۳ آبان ۲۲ نخست وزیر بامضای شاهنشاهی مبنی بر اینکه از طرف استاندار انگلیس هم مداخله ای در امر انتخابات سبزوار بعمل آمده و تمهیداتی در انجمن نظامی داده شده و ضمناً اظهار شده است

که از طرف نخست وزیر بوزارت کشور دستور اعزام بازرس داده شده .

۹- نامه شماره ۶۶۰۰ مورخ ۶ دیماه ۲۲ وزارت کشور باداره کل ژاندارمری مبنی بر مداخله و اعمال نفوذ ژاندارمری سبزوار در امر انتخابات و تعقیب مأمورین متخلف .

از نامه مزبور که فقط چهار روز پیشتر بخاتمه انتخابات سبزوار نبوده است و در تهران صادر شده است و مدت کافی نبوده تا دستور جلوگیری از اعمال نفوذ تعقیب مأمورین مشهد و سبزوار برسد بخوبی روشن میگردد که مداخله ژاندارمری در انتخابات در جریان بوده و محرز میگردد که نامه های قبلی مقامات مربوطه مبنی بر جلوگیری از مأمورین یا صورت سازی بوده یا اینکه اگر حقیقت داشته در سبزوار اثری نبخشیده که تا ختم انتخابات چنین نامه هائی صادر میگردد .

۱۰- تلگراف شماره ۶۶۷۳ مورخ ۱۰ دیماه ۱۳۲۲ وزارت کشور مبنی بر دستور توقیف انتخابات سبزوار بفرمانداری سبزوار : تاریخ تلگراف مزبور درست مصادف با تاریخ ختم انتخابات سبزوار است که معلوم میشود یا اینکه وزارت کشور از جریان انتخابات سبزوار بی اطلاع بوده و مستقلاً فرماندار محل انتخابات را جریان میداده است و یا اینکه وزارت کشور اطلاع از جریان مزبور داشته است ولی میخواسته است خود را بی اطلاع جلوه دهد .

۱۱- تلگراف شماره ۱۳۴۹ مورخ ۱۹ دیماه ۲۲ وزارت کشور بفرمانداری سبزوار مبنی بر استیضاح از اینکه چرا دستور توقیف انتخابات را بمورد اجرا نگذاشته است این تلگراف هم نه روز بعد از خاتمه انتخابات بوده است .

۱۲- نامه شماره ۴۵۴۹ مورخ ۱۹ دیماه ۲۲ وزارت دربار بوزارت کشور مبنی بر دستور منع مداخله مأمورین در انتخابات و آزادی انتخابات سبزوار و جلوگیری از مأمورین این نامه هم نه روز بعد از خاتمه انتخابات بوده است .

۱۳- نامه وزیر جنگ بامضاء سر تیپ انفازئی شماره ۵۹۳۲۹ مورخ ۲۲ دیماه ۲۲ مبنی بر دستور رسیدگی به شکایت اخلال در امنیت و اختلال نظم و نظام وظیفه سبزوار .

۱۴- تلگراف شماره ۲۲۷۲ مورخ اول بهمن ماه ۲۲ وزارت کشور پاسخ باهالی سبزوار که از توقیف جمعی از اعضای انجمن و مداخله مأمورین نظامی و ژاندارمری شکایت نموده اند و به آنان پاسخ داده است برای آزادی توقیف شده گان اقدام شده .

۱۵- نامه شماره ۲۱۱۹۱ مورخ ۲۹ دیماه ۲۲ نخست وزیر بوزارت کشور مبنی بر مداخله مأمورین در امر انتخابات سبزوار و توقیف عده و استعمال از چگونگی موضوع و جواب وزارت کشور در ذیل همان نامه مبنی بر اینکه اخیراً توقیف شده گان آزاد شده اند .

۱۶- نامه ۷۳۲۰ مورخ ۲ بهمن ۲۲ وزارت کشور بمقام نخست وزیر مبنی بر توقیف وحیدی سلیمان صبوری علوی و غیره و رفع توقیف و مبنی بر اینکه شهر بانی محل تحت عنوان و اتهام دخالت در امور سیاسی آنها را توقیف نموده است . نظر باینکه ۱۶ نامه و تلگرافات فوق که از مقامات رسمی دولتی صادر شده حاکی و مشعر بر مداخله مأمورین نظام و ژاندارمری در امر انتخابات و توقیف جمعی است و از بایگانی شدن اوراقی که مشعر بر توقیف آنهاست در این پرونده انتخابات معلوم میشود برای امر انتخابات توقیف شده اند با انجمنهای انتخابی وابسته بوده اند و بحکایات تاریخ نامه ها و تلگرافات یاد شده از ابتدا تا انتهای انتخابات مداخله مأمورین دولتی مسلم است و با جریان مزبور شکایات متوالی اهالی تأیید میگردد .

و نظر باینکه شکایت عمده شاکیان مبنی بر جعل و تعویض و اعمال نفوذ مأمورین دولت مربوط به بخشهای داورزن - جغتای - ششتمد از حوزه های فرعی سبزوار بوده و در صورت مجلس ختم انتخابات هم که از طرف اعضای انجمن اصلی تنظیم شده است بسوء جریان بخش ششتمد - داورزن اشاره شده و بشکایت موسوی رئیس انجمن فرعی و سه نفر اعضای انجمن دیگر اشاره شده و تغییر بخشدار ششتمد و تعیین بخشدار داورزن بجای مشارالیه نیز در صورت مجلس انجمن تصدیق شده و شکایات اهالی و سایر دلایل رانیز در این بخشهای بیشتر تأیید و اثبات مینماید و بازداشت جمعی کسب دخالت در کار

انتخابات داشته و بعضی عضو انجمن بوده اند مسلم بود در نظر اکثریت اعضاء شعبه قدر مسلم آراء بخشهای ششتمد و جغتای و داورزن باطل و بی اعتبار و غیر قانونی تشخیص گردیده و چون با احراز صحت انتخابات شهر سبزوار و بخشهای حومه سبزوار و بام و صفی آباد و سرولایت آقای سید محمد طباطبائی از ۶۴۷۴ آراء مأخوذه در این قسمتهای اخیر الذکر دارای ۳۷۲۲ رأی میباشد و از این آراء حائز اکثریت بوده اند . لذا گزارش نمایندگی ایشان بشرح فوق بعرض رسید و شعبه به اکثریت نمایندگی ایشان را تصدیق مینماید .

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد در این موضوع رسیده ..

نقابت - بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس - بفرمائید .

نقابت - در موقعی که هر کدام از آقایان نواب رئیس و همینطور رئیس اصلی مجلس آن بالا نشریف دارند گویا يك قدری توجه کامل بمقررات نظامنامه نمیدرمانند و وقتی يك گزارشی مبنی بر تخریب انتخابات يك صندوق یا نقص انتخابات يك محلی است بر طبق ماده ۵ نظامنامه میافتد به جلسه بعد بعلاوه بنده شخصاً هم مخاف هستم و توضیحاتم را در جلسه بعد عرض میکنم .

نایب رئیس - میماند برای جلسه بعد - آقای دکتر کشاورز .

دکتر کشاورز - بنده پیشنهادی داشتم دیگر مورد ندارد ولی مخالف راپرت شعبه هستم .

اسکندری - بنده هم مخالف هستم .

نایب رئیس - یکفر از آقایان پیشنهاد کرده بودند که این موضوع از دستور خارج شود ولی مورد نداشت این است که میماند برای جلسه بعد آقای ملک مدنی هم مخالفید ؟

ملک مدنی - بنده میخواستم عرض کنم که خوب است آئین نامه را توجه بفرمایند همانطوریکه اظهار شد این گزارش باید طبع و توزیع شود و در جلسه بعد مطرح شود .

هاشمی - يك عده اجازه خواستند بنده خواستم مخالف و موافق فاکر شود که اسامیشان معلوم شود .

دشمنی - آقایانی که مخالفند اسامیشان را بخوانند که معلوم بشوند کیست .

نایب رئیس - آقایان دکتر کشاورز و نقابت واسکندری مخالفند میماند برای جلسه بعد . گزارش دیگر هست از طرف شعبه چهارم چون مخبر غایب است یکی از منشی ها آقای فرهودی تشریف بیاورند بخوانند .

(آقای فرهودی گزارش شعبه چهارم را راجع به نمایندگی آقای محمد بهادری بشرح ذیل خواندند)
انتخابات حوزه انتخابیه ارسباران بموجب دستور وزارت کشور در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۲۲ شروع انجمن طبق مقررات لازمه تشکیل و آگهی های لازمه منتشر گردیده که از دوم شهریور ماه از وزارت کشور دستوری دایر بر توقیف انتخابات رسیده و در ششم شهریور شکایاتی از سوء جریانات انتخابات بوزارت کشور رسیده و درخواست اعزام بازرس مخصوص نموده اند در دوازده بهمن ماه موقعی که کفیل استانداری آنجا انتخابات را بجریان میگذارد شکایات دیگری بوزارت کشور رسیده است مبنی بر اینکه بخشدار برخلاف بی طرفی به نفع شخص غیر محلی اعمال نظر مینماید وزارت کشور مجدداً به توقیف انتخابات امر میدهد اهالی و انجمن غیر قانونی بودن این توقیف و لزوم جریان امر را بوزارت کشور تذکر داده و از روز نهم اسفند ماه اخذ آراء مینمایند در خلال این احوال عده معدودی بوزارت کشور شکایت میکنند و برای سومین دفعه نیز جریان انتخابات توقیف و اهالی و انجمن غیر قانونی بودن این توقیف را بوزارت کشور تذکر داده بقرائت آراء شروع نموده و بالنتیجه آقای محمد بهادری با اکثریت ۱۲۹۴۳ رأی از کلیه ۲۱۳۷۲ رأی به نمایندگی چهاردهمین دوره قانونگذاری انتخاب و در مدت مقرر قانونی انجمن شکایات واصله را دریافت و رسیدگی نموده چون شکایات را غیر وارد دانسته بنام آقای محمد بهادری استوارنامه صادر کرده است شعبه چهارم نیز بازرسیدگی بمحتویات پرونده جریان انتخابات و نظر انجمن را صحیح دانسته و صحت انتخابات حوزه

ارسباران و نمایندگی محمد بهادری را تصدیق و اینک گزارش آنرا بعرض مجلس شورای ملی میرساند مخبر شعبه چهارم **نایب رئیس** - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود بانتخاب آقای محمد بهادری از ارسباران موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد آقای امینی بفرمائید .

آقای امینی گزارش شعبه دوم راجع به نمایندگی آقای اسدالله یمین اسفندیاری را از بابل بشروح ذیل قرائت کردند) گزارش از شعبه دوم به مجلس شورای ملی

گزارش انتخابات بابل مربوط با آقای اسدالله یمین اسفندیاری جریان انتخابات بابل بشرحی است که ذیلاً بعرض میرسد :

انجمن نظارت انتخابات روز چهارشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۲۲ تشکیل و از روز ۱۸ آبان ۱۳۲۲ بتوزیع تعرفه و اخذ رأی اقدام کرده است . در نتیجه آقای یمین اسفندیاری با اکثریت ۱۷۹۷۰ از ۳۷۲۵۴ رأی بسمت نمایندگی دوره چهاردهم قانون گذاری از بابل انتخاب شدند .

انجمن نظارت در مدت مقرر طبق قانون انتخابات به شکایات واصله رسیدگی نموده و چون اعتراضات را وارد ندانسته است اعتبارنامه بنام آقای اسدالله یمین اسفندیاری صادر کرده است .

شعبه دوم با دقت کامل به پرونده رسیدگی و شکایات واصله را مورد بررسی قرار داده است و چون اعتراضات را غیر وارد تشخیص داد صحت انتخاب ایشان را تصدیق مینماید . **نایب رئیس** - رأی گرفته میشود بانتخاب آقای یمین اسفندیاری .

شریعت زاده - مخالفم آقای **نایب رئیس** - آقای شریعت زاده مخالفند میماند بجلسه آتی . گزارش شعبه دوم راجع به نمایندگی رحمن قلی خلعت بری از بابل قرائت میشود .

(آقای امینی بشرح ذیل قرائت نمودند) گزارش از شعبه دوم به مجلس شورای ملی

گزارش انتخابات بابل مربوط به آقای رحمانقلی خلعت بری پیرو گزارش شماره ۱۲ مربوط بانتخاب آقای اسدالله یمین اسفندیاری از بابل آقای رحمانقلی خلعت بری با اکثریت ۱۰۹۳۶ رأی از ۳۷۲۵۴ رأی بسمت نمایندگی بابل انتخاب شده اند .

شعبه دوم با دقت کامل در پرونده و رسیدگی بشکایات واصله ، صحت انتخاب ایشان را تصدیق مینماید .

شریعت زاده - بنده مخالفم

نایب رئیس - میماند برای جلسه آتی

[۴ - بقیه شور و تصویب برنامه دولت]

نایب رئیس - برنامه دولت مطرح است آقای مظفرزاده **مظفر زاده** - بنده در یکی از جلساتی که در کاخ وزارت امور خارجه از نمایندگان دعوت شد و در آنجا به تنهایی با کمال صراحت با آقای نخست وزیر عرض کردم که ملت ایران امروز زیر بار مفاسد و فجایع اداری کمر خن کرده و از مجلس دوره چهاردهم استمداد میکند تصور می کردم عقیده مجلس چهاردهم این است که برای رفع این بد بختی ها و بحرانیها يك دولت کافی لایقی زوی کار بیاید و مردم را از این وضعیت فعلی نجات بدهد متأسفانه دولتی را که بعداً ایشان معرفی کردند کمی پیر تر از دولت قبل بنظر بنده میرسد و بعد که يك کمی بوضعیت موافقین و اکثریتی که تشخیص کرده اند مراجعه کردم معلوم شد که بنده در تشخیص خودم اشتباه کرده بودم و آقایان موافقین که گویا اکثریتی تشکیل داده اند با همین دولتی که ایشان معرفی کرده اند موافقت دارند به بینیم حالا استدلال آقایان موافقین در تصویب این دولت چیست ؟ يك منطق آنها این است که باید از بحران جلوگیری کرد حالا به بینیم این بحران را کی بوجود آورد ؟ و چرا بوجود آمد ؟ اگر آقایان نمایندگان محترم خاطر شان فراموش کار نباشد قبل از رسمی شدن مجلس شورای ملی در آن جلسات معارفه که ما داشتیم اکثر همین آقایان موافقین قیام میکردند و نسبت به بد بختی اوضاع فریاد میکردند و نسبت بدولت شکایت

داشتند و حالا می بینیم همان هیئت دولت سابق روی کار آمد و اکثریتش همان اشخاصی هستند که بودند همان آقایان مخالفین پریروز امروز بعنوان اینکه میخواهند بحران رفع شود ، میخواهند با آنها رأی بدهند . بنده از يك شخصیتی که پرورش یافته دوره مشروطیت و آزادی ایران است آقای کاظمی در اینجا کله میکنم ایشان پس از اینکه دو ساعت بدبختی مملکت را تشریح کردند آن چیزهایی را هم که نباید بگویند گفتند بعد اظهار کردند که من بهمین دولت رأی میدهم این چه استدلالی است آقا ؟ مگر از واقعه شهریور تا کنون اکثریت همین دولت زمامدار امور نبوده اند ؟ مگر تغییری در اینها پیدا شده است ؟ من از آقایان موافقین دولت سؤال میکنم آقایان حقیقه و جداناً شما ایمان و اعتقاد دارید که آقای وزیر جنگ امروز غارتگری های امثال سرباز ایران را حفظ خواهند کرد این اختلافی که در ارتش هست جلوگیری میکنند ؟ (گفته شد خیر) این اختلافی که نظام وظیفه این مملکت تولید کرده است جلوگیری خواهند کرد من خبر دارم که تمام مساعده را که در کیلان بتوتونکارها داده اند این آقایان نظام وظیفه ها مثل مرغی که دانه جمع میکنند همه را برچینند آنوقت شاید مجبور بشویم برای برگ توتون در این مملکت زراعتی برویم از جای دیگر برگ توتون بخریم آقای اردلان از وزارت دارائی بوزارت پیشه و هنر رفتند در آنجا چه میخواهند بکنند ؟ این دسته بندیها و این غارتگریهایی که در آن وزارتخانه هست ایشان عهده دار هستند که اصلاح بکنند ؟ امیدام همینطور وزارتخانه های دیگرمان بنده در برنامه دولت وارد نمیشوم زیرا وقتی که صلاحیت افراد دولت و شخصیت آنها را با مقتضیات واضطرار تطبیق نکردم بحث در برنامه دیگر مورد ندارد . برنامه مال يك دولتی است که خودش ایمان و اعتقاد ببرنامه و اصلاحات داشته باشد آقای اردلان در توضیحات پریروز خودشان هم بيك زبانی فرمودند که این برنامه عملی نیست (اردلان نه خیر) با آن اگر و مگرهایی که فرمودید با آن چیزهایی که توضیح دادید از مجموع فهمیده میشد که اعتقادی باجرای

برنامه نیست بنا بر این فقط بگوئیم که اینطور برنامه ها فقط برای حفظ ظاهر و تحکیم موقعیت دولت و نقش بر آب است بنا بر این چه لازم است در اطراف برنامه حرف بزنیم هر وقت يك دولت با ايمان و يك دولت توانائی روی کار آمد برنامه هم ارائه داد آن وقت اگر حرفهائی داریم خواهیم زد. آقای بمقانی تازه تشریف آورده اند بوزارت داد گستری یکی از قضاة عالی رتبه ایرانند و استقلال قضائی خودشان را هم به ثبوت رسانده اند اما ایشان توانائی دارند این قضاة دیمی که در این بیست سال روی آن جریاناتی که ما مسبوق هستیم باین داد گاهها و دادسراها وارد شده اند و اقتضاجاتی بار آورده اند که شرم آور است برای قوه قضائی ایران اینها را اصلاح کنند! این قانون املاک و اگذاری هیئت هائی را مأمور اجرای این کار کرده اند دو سال است گذشته هیچ کاری نکرده اند و نمیکنند (صحیح است) اینها فقط میخواهند معاينه بکنند معاينه تازه اداره املاک و اگذاری در روزنامه میخواهیم که تشکیلات میدهند برای همین املاک زیرا معلوم میشود که عقیده ندارند املاک بمردم اگذار شود باید این قانون را اصلاح کرد باید يك مردمی روی کار بیایند صرفاً از نظر دلسوزی به ملت و وطن کارهائی بکنند که بدرد امروز کشور ما بخورد تعارف را باید کنار بگذاریم دوستی و خاطرخواهی را باید موقوف کنیم آقا (صحیح است) ملت ایران از ما انتظاراتی دارد اگر ما انتظارات او را بر آورده نکنیم مأیوس میشوند و خدای میداند که از این باین برای آتی چه پیش آمد خواهد کرد بنابر این بنده بر ارض خانه میدهم و کسی نیست که ربا دولت موافقت کنم

نایب رئیس - آقای افرویدی

افرویدی - بنده هم مثل اکثر آقایان در زندگانی بکارهای مبتدی هستم (صحیح است) اما در این سه جلسه که برنامه دولت مطرح است اینطور اجتناب میکنم که با آن در نظر منطقی که در مذاکرات با بستی داشته باشیم نداریم، دولتی را نمیتوانیم بپذیریم که در این راه خود را داده است البته (ایشان) در این راه بکمالی که دولت را از دست بر نماند

اقدام بکند و در نقشه گذاشته است که کارهائی را برای آینده صورت دهد آنوقت در موقع طرح این برنامه مسائلی راجع به ده سال ۱۵ سال پیش گفته میشود اینها گمان میکنم که یک قدری از حدود مذاکره و دستور خارج باشد بعد هم عده از آقایان همکاران بعنوان موافق و مخالف صحبت میکنند البته آنکس که موافق است هم از برنامه باید دفاع کند هم از نظر خودش دفاع کند هم جوابی بمخالفین دولت بدهد جوابی که داده نمیشود بجای خود خود آن موافق هم يك بار جدیدی بردوش آن مذاکراتی که شده است میگذارد و مطلب را جنبه منفی میدهد ماده مادر نظامنامه داریم که مخصوصاً اشاره میکند که مذاکرات باید در اطراف موضوع باشد و اگر آن ماده را که ماده ۱۱۰ است رعایت نکنیم کمتر موفق خواهیم شد يك مسئله را بصورت منطقی در بیاوریم و مرتب کنیم و حلای کنیم و بنتیجه برسیم حالا میرویم بسر برنامه بنظر بنده هر دولتی وقتی برنامه خودش را مینویسد قبلاً باید فکر کند که چه منظوری دارد از نوشتن این برنامه و اجرای این برنامه آن منظور هم البته باید متناسب باشد با اوضاع و احوالی که مملکت دچار است. هر دولتی وقتی تشکیل شد يك نظر عمومی با اوضاع مملکت میاندازد و يك هدف و منظوری را برای خودش تشخیص میدهد و بر طبق آن هدف و منظور برنامه مینویسد ببینیم که اساساً برنامه چه جور باید باشد؟ برنامه بنظر بنده نقشه عملی است پیش از اینکه بجای پر گرام فرهنگستان لغت برنامه وضع کند ما میگوئیم دستور عمل یعنی يك مقررات عملی را در نظر بگیریم و آنرا برنامه کار قرار بدهیم نمونه خیلی کلماتش برنامه مدارس است که دروس را در نظر میگیرند و جزئیات آن دروس را معلوم و آنرا تقسیم میکنند بساعت ها و کلاس ها و درس میدهند بنظر بنده با اینکه موافق دولت هستم... آنچه را که دولت آورده کلاً بر برنامه نمیتوان گفت.

اقبال - عده کافی نیست آقا تأمل بفرمائید تبار کافی

شود

(در این موقع عده کافی شد)

افرویدی - در اینجا مذاکره شد از اصلاحات متعددی که دولت میبایستی حقاً در نظر بگیرد شك هم نیست که مملکت ما فعلاً احتیاج دارد برشته های متعددی از اصلاح چه در اشخاص چه در طرز کار اما بنظر بنده مشکل است که با محدود بودن وسائل و با تشکیلات کنونی تمام اصلاحات منظور را یک دفعه شروع بکنیم بنظر بنده بایستی پیش از شروع با اصلاحات زمینه اصلاحات فراهم و حاضر شود یعنی اوضاع و احوال و استعدادی تولید شود که يك قسمت از آن اصلاحات بخودی خود شروع شود و بجز باین ببقدر آن قسمت هم که سهم دولت است دولت اقدام کند ما برای تهیه زمینه اصلاحات دو منظور اساسی را باید داشته باشیم دولت هم از سیاق برنامه اش معلوم است که این دو منظور را داشته است و در برنامه اش تذکر داده است یکی امنیت است یکی هم تولید و توسعه ثروت عمومی البته مملکتی که امنیت آن مرتب نباشد تاجرهای تولید ثروتش آنطور که بایستی کار بکند دیگر زمینه و استعدادی برای سایر اصلاحات باقی نمی ماند و آن مملکت دائماً دچار القای زندگانی است و دیگر به حروف و دروس بعد نمیتواند برسد اینك مسئله امنیت را مورد دقت قرار میدهم انصاف باید داد که امنیت اساساً در ایران موجود است و این را هم که میگویند نیست در نبودش هم نباید مبالغه کرد و بنظر بنده یکی از موجبات عدم امنیت همین است که میگوئیم امنیت نیست یعنی روحیه مردم را خراب میکنیم و آن کسی هم که فکر میکند امنیت هست و زندگانی خودش را مرتب میکند او هم در زندگانی خودش دچار تزلزل و اختلال میشود يك اساس بزرگ امنیت در ایران موجود است و آن عامل معرفت الروحی است که در ایران است مردم ایران طبیعتاً صلح جو و مطیع قانون و عاشق آرامش اند وقتی يك مملکتی مردمش دارای این صفات اخلاقی باشند انصاف باید داد که زمینه حقیقی برای وجود امنیت آماده است اما آنچه برای امنیت در ایران جنبه عملی دارد بنظر بنده مسئله عشایر است عشایر ایران

اکثر آدارای روح و خون ایرانی هستند احساسات و وطن پرستی اینها هم مورد قبول و ستایش عموم است (صحیح است) و اکثریتشان بواسطه جنبه فلاحتی که دارند خودشان بوجود امنیت علاقه مند هستند یکی از آنها عشایر بنی طرف و هویزه است که بنده نماینده شام هستم و اگر فعلاً در مسئله امنیت آقایان اشکالی می بینند یا حرفی می شنوید مربوط باین است که اکثر عشایر راضی نیستند

بعضی از نمایندگان - عده کافی نیست.

(پس از چند دقیقه عده کافی شد)

افرویدی - شکایاتی که عشایر دارند مربوط بگذشته است و بیشتر آنهم راجع است بتصرفات نابجائی که در املاک آنها شده است دولتی که حقیقتاً بوجود امنیت علاقه مند باشد طبعاً میبایستی رویه عادلانه و متینی بگیرد و این شکایات را مرتفع کند يك شکایاتی هم راجع باوضاع فعلیشان دارند و آن این است که وسائل زندگانی در محیط عشایر فعلاً مفقود است مثل اجناس انحصاری دولت قند قماش و غیره و حقاً بایستی گفت که عشایر ایران از آنهایی که در کنار باتلاق هورالعظیم در خاک بنی طرف برنج کاری میکنند تا آنهایی که روی تپه های سرخس و کلات دیم کاری میکنند همه زحمت میکنند همه کار میکنند همه تولید ثروت میکنند مالیات بدولت میدهند ولی خوب انصاف باید داد که در مقابل این زحمات لباس ندارند سلامتی ندارند اساس زندگانی ندارند املاک شان دستخوش تصرفات شده است و نسبت بآینده هم نگران هستند مثلاً همین عشایر بنی طرف پانصد سال وظیفه سرحد داری ایران را انجام دادند پیش از آنکه قشون جدید تشکیل شود این وظیفه را آنها انجام میدادند در موقعی که دولت میخواست خوزستان را امن کند با قوای دولتی کمک کردند الا آن هم به حفظ امنیت آنجا کمک میکنند و امنیت آنجا در حقیقت بعهده خودشان است آقایان این وضعیت آقایان ملاحظه بفرمایند بنده يك قسمت کوچکی را از کاغذی که نوشته اند میخوانم تا روحیه آنها معلوم شود: بطوریکه توانیخ پیشینه و آثار موجوده شاید و گواهی میدهند از این

دشت میشان که از رودخانه کرخه مشروب میشود و عمده زراعت آن شلتوک است تقریباً در پانصد سال قبل صحرائی غیر مسکون ولم یزرع بوده بوسیله آباء واجداد و سلف این فدویان آن زمین لم یزرع رفته رفته آباد و عشایر بنی طرف فعلی را به وجود آورده است. از همان تاریخ تا اوایل سلطنت پهلوی بطور اربابی مطلق کلیه اراضی دشت میشان در تصرف پدران و این فدویان بوده است. در زمان مرحوم شیخ خزعل جابری شیوخ سالیانه مبلغ جزئی بنام تأمین طرق بطور کلی در سال پرداخت مینمایند. در زمان سلطنت پهلوی بواسطه غرض رانی و سوء استفاده مأمورین دولت که بر هر فرد وطن پرست مخفی و پوشیده نیست بویژه برای وکلای صالح این دوره هیچ شبهه و تردیدی ندارد. بدو فدویان را بدون هیچ گناهی و محاکمه از ملک و وطن خود دور ساخته به طهران و کرگان و سایر شهرستانهای ایران تبعید نمودند در این سیزده سال تبعیدی تمام اموال و دارائی واحشام و حتی اطفال خردسال مائل و از هستی ساقط شده ایم در این مدت غیبت فدویان مأمورین دولت هزار نوع و شکل استفاده نامشروع در اراضی ملکی فدویان معمول داشته گاهی بنام خالصجات دولت قلمداد نموده موقعی بطور فروش به اشخاص خارجی که از عراق عرب طرد و به ایران مهاجرت مینمایند بارشوه و تطمیع مأمورین محل زمین آباد رعیت بیچاره به آنها داده پس از مدتی اشخاص خارجی هزار گونه خیانت و فساد در عشایر تولید و به وطن خود معاودت مینمایند. این يك مراسله است كه يك قسمت آنرا خواندم يك مراسله دیگر هم این است که برای اینکه زیاد وقت آقایان را ننگرفته باشم از آنهم يك قسمتش را میخوانم

اینجانبان مشایخ بنی طرف و پدران ما از پانصد سال قبل باین طرف در دشت میشان مشغول زراعت و فلاحت بوده و در زمان شیخ خزعل با گرفتن جزئی مالیات قناعت میشد و پدران و رعایای زحمت کش ماها بازحمت و سختی های زیادی اراضی لم یزرع و بایر را آباد و قابل کشت نموده اند و بعداً در زمان اعلیحضرت شاه سابق املاک ماها را از دستمان گرفته و من غیر حق سالها باداشخص دیگری واگذار و در نتیجه رعایای ما را بدبخت

واز هستی ساقط نموده اند ولی در این موقع امیدواریم كه بامراحم عالیله اعلیحضرت شاهنشاه ایران ارواحنا فداء املاك ما بخود مامسترد گردد پس اگر دولت اصلاحی بکند در وضعیت آنجا و این املاك را بحال اولش برگرداند و اسباب رضایت عمومی عشایر شود يك قسمت عمده از مشکلات امنیت خود بخود حل میشود و دیگر نگرانی از این قسمت باقی نماند امنیت همانطور که همکار محترم من فرمودند بازور و اسلحه درست نمیشود و زور و اسلحه برای راهزنان و آشوبگران است امنیت اساسش عدالت است یکی از طرق عدالت هم رفع مظالم گذشته است این مسئله باین سادگی را بنده نمیدانم چطور است دو سال است دولتهای ما نتوانسته اند حل کنند و اشکالش کجاست؟ عنصری که برای امنیت داخلی لازم است از لحاظ جلوگیری از راهزنان و آشوبگران عنصر قوای انتظامی است که از ارتش و شهرداری و ژاندارمری مرکب است ما الآن مواد و مصالح این عنصر را داریم، ارتش داریم ژاندارمری داریم و سالی يك میلیارد و نیم خرج این دستگاه میشود یعنی مالیاتی را که این مردم میدهند خرج این تشکیلات میشود اینها هم باید بیک صورتی در بیاید که بتواند حقیقه امنیت را حفظ کند بنابراین مادر مسئله امنیت یکی احتیاج داریم باصلاح و تقویت قوای تأمینیه که بتواند وظیفه اش را انجام دهد یکی هم شروع باجرای عدالت حقیقی والا مسئله دیگری در بین نیست. عرض کردم مسئله دیگری که باید مورد توجه باشد و زمینه برای اصلاحات فراهم بکند استفاده حداکثر از قوای صنعتی و کشاورزی مملکت است یعنی ما واقعاً به تولید و توسعه ثروت عمومی آنطوری که باید خدمت کنیم و علاقه بخرج بدهیم و زمینه را برای کار و فعالیت افراد حاضر کنیم کارخانه جانی در ایران هست که از حداکثر قوای مولده اش استفاده نمیشود مزارعی هست که آنطوری که باید زراعت نمیشود آبهای هست که بجای اینكه بمصرف زراعت برسد نمیرسد و هدر میرود اگر دولت بتواند این چرخهای تولیدی را بکار بیندازد ثروت عمومی توسعه پیدا میکند بنده به آقایان قول میدهم که در نتیجه يك قسمت زیادی از این عدم رضایت هائی که هست خود

بخود از بین میرود و يك زمینه های صحیحی برای اصلاحات فراهم و آماده میشود، يك نکته هم هست و آن این است که حاصل این ثروت چه آبهائی که حالا تولید میشود یا بعد تولید بشود بایستی عادلانه میان تولید کنندگان ثروت قسمت بشود، بزرگترین طبقه مولدین ثروت ایران زارعین هستند اگر ملت ایران ثروتی داشته است و دارد بایستی تصدیق کرد که در نتیجه و زحمت زارعین است آقای ضیاءالملک در جلسه گذشته فرمودند که ما نمیخواهیم دولت بزراعین کمک بکند فقط انتظار داریم مأمورین دولت بدهیات نروند البته مأمور متعددی و متجاوز نباید بدهیات برود ولی بعقیده بنده باید مأمور فرهنگ و بهداشت مخصوصاً بدهیات برود ولی این فقر و تنگدستی که ما در دهات می بینیم بنظر بنده يك قسمتش از عدم توجه مالکین است. تقسیم محصول بین زارع و مالک در ایران هنوز بیک صورت عادلانه و صحیحی در نیامده، بنده انتظار دارم که دولت مخصوصاً آقای مقامی که مرد عادل هستند يك قانونی تهیه کنند و تکلیف تقسیم حاصل بین مالک و زارع معلوم باشد (بعضی از نمایندگان - معلوم است آقا) مطابق يك اصولی و عادلانه باید باشد و زارع واقعاً از آنچه که زحمت میکشد و تولید میکند برای وسایل زندگی کایش بیشتر استفاده کند، يك عملی هم مجلس باید دقت و همت کند و آن این است که در قوانینی كه تصویب میشود بیشتر هم خود را صرف توسعه خرده مالک بکند چون این مسئله یکی از مواد مرام مشروطه خواهان اولیه این کشور است ما سیزده دوره است مجلس داریم حالا وارد مجلس چهاردهم شده ایم و هنوز يك قدم عملی صحیح برای توسعه خرده مالک در ایران بر داشته نشده است بالاخره با توجه بزحمت حقیقی زارعین و سهم بزرگ آنها در تولید ثروت باید در تأمین زندگانی صحیح برای آنها از حاصل دسترنج خودشان دوره چهاردهم اقدام کند و همت کند که پایه های عدالت اجتماعی را کار بگذارد و بعد البته دوره های دیگر این پایه ها را بالا ببرند و عدالت حقیقی هم برقرار میشود. راجع بمستشاران آمریکائی که فعلاً عهده دار امور مالی

و اقتصادی ما هستند مذاکرانی اینجا شد ولی بنظر بنده اگر بخاطر بیابوریم بتصدیق همه آقای دکتر میلیسپو در آن دفعه خدماتی عالی به ایران کرد و با چه طرز نامناسبی از ایران رفت متوجه میشویم که در این مرتبه بحقیقت قضایا و مسائل باید توجه بکنیم، در مسئله مستشار بنظر بنده بایستی درست دقت کرد به مفهوم مستشار در همین مجلس یاد می آید که مرحوم مدرس در قسمت راجع بمستشارهای خارجی گفت که ما معلم میخواهیم اما حاکم و فرمانده نمیخواهیم مستشار هم میباید طرز کار را بهمانشان بدهد و البته مسائل اقتصادی و روشهای جدیدی که در دنیا پیدا شده است وجود مستشار را الزام میکند بنا بر این متد کار را مستشار باید برای ما معلوم کند اما عامل اجرای این متد خود ایرانیها باید باشند یکی از چرخ های سنگینی که ملت ایران از دسترنج خودش پرداخته است پولی است که برای اعزام محصل باروپا داده است و پولی که برای تاسیس دانشگاه پرداخته شده است نتیجه این اعزام محصل و تاسیس دانشگاه این شده است که عده ای از جوانان که تخصص در رشته های مختلف دارند فارغ التحصیل شده اند و اکثرشان هم در وزارتخانه ها تجارب عملی فرا گرفته اند از آن مقدماتی هم که آقای اردلان وزیر پیشه و هنر فرمودند گذشته اند یعنی طی مراحل هم کرده اند کار را باید بدست این اشخاص داد البته مستشار يك فکری میدهد و طرح کاری را معلوم میکند اما عوامل کار باید ایرانیها باشند و خدمات حساس باید بدست این طبقه باشد تا هم ما از وجود مستشاران استفاده بکنیم و هم آنها در پیش بردن نقشه و فکر خودشان موفق بشوند و الا اگر تمام جزئیات کارها را خودشان بخواهند در دست بگیرند نتیجه این میشود که عوض شصت تاشصت نابایستی بیاورند و در نتیجه افراد جوان و تحصیل کرده از خدمت در دوائر مالی و اقتصادی دوری میکنند و بطوری که الآن معلوم است اوضاع مالی و اقتصادی ما میافتد بدست يك عده مترجم پس آقایان مستشاران يك قدری باید طرز کار خودشان را اصلاح بکنند والا حقیقت مطلب این است که در مجلس هیچ روح محالفتی بمستشاران آمریکائی

نیست مثلاً یکی از خدمات میسیون مالی طرح قانون مالیات بر درآمد بود که پیشنهاد کردند و مجلس هم تصویب کرد و حالا موقع اجرای این قانون است و باید از بروز هر پیش آمدی که مانع اجرای این قانون بشود جلوگیری کنیم. حالا دقتی هم در خود برنامه کنیم. در سیاست خارجی خوشبختانه سیاست خارجی ما روشن است دولت هم يك فرمولی در برنامه گذاشته است که این روشنائی را حفظ خواهد کرد ولی اینجا دو نکته را باید تذکر بدهم یکی اینکه قرار دادهایم که ما داریم اجرای واقعاً باید دو جانبه باشد دولت کاملاً مراقبت بکند که اجرای قراردادهای طرفه نباشد یکی هم اینکه حالا که تأیید شده است و تصدیق شده است و مسلم شده است که دولت ایران در راه پیروزی متفقین خودش چه زحماتی کشیده است از حالا مطالعه بشود که آن سهم پیروزی ایران هم در موقع خودش جبران و تأمین بشود. در قسمت سیاست داخلی هم مطالب قسمت بندی شده است: تهیه وسایل تأمین خواربار و حوائج ضروری مردم و سعی در تعدیل قیمت ها. بنده خواستم از آقایان وزراء خواهش کنم نقشه خودشان را برای اینکار بگویند چون يك وقت است که عبارتی نوشته میشود بدون اینکه واقعاً در اجرای قبلاً فکری شده باشد ولی يك وقت هم هست که نسبت بآن فکر شده است و سنجیده شده است و نقشه هست و اجرا میشود چون این مسئله الآن مورد توجه عمومی است و بستگی به حیات مردم دارد بنده بی میل نیستم اگر دولت نقشه ای دارد و اصول آنرا در اینجا بگوید و مطلب از این صورت کلی بیرون بیاید. قسمت تأمین حد اقل مایحتاج زندگی برای افراد کارگر و برزگر اینهم بنظر بنده بیک ماده برنامه بیشتر شبیه است تا بیک ماده برنامه خوب است دولت جزئیاتی که برای اینکار در نظر گرفته بفرمایند (يك نفر از نمایندگان - آقا شما موافقید یا مخالف؟) خوب نواقصی دارند که باید عرض کنیم. در قسمت تجدید نظر در قانون تقسیمات کشوری و شهرداری ها مطلب اساسی میخواستم عرض کنم که آن ساده کردن تشکیلات است. در آبادی های

کوچک ما می بینیم که تمام وزارتخانه ها نماینده دارند تمام ادارات کل هم نماینده دارند وزارت کشور بخشدار دارد آمار هم نماینده دارد، وزارت دارائی دارد، گمرک هم دارد، فرهنگ دارد، ژاندارمری دارد، کلاستر مرز در نقاط سرحدی هست بطوری که عده این مأمورین و اعضا و اجزاء آنها غالباً بیش از عده مردمی هستند که آنجا ساکنند و حقوق مأمورین هم کافی نیست و باین جهت مزاحم مردم هستند بنظر بنده باید در این نقاط کوچک مشاغل را ادغام کرد و مشاغل مختلف را بدو سه نفر داد و حقوق کافی بآنها داد که وظایف خودشان را بخوبی انجام بدهند. ماده پنج برنامه از مواردی است که اولین دفعه است به مجلس شورای ملی آمده و مطرح شده است و آن راجع به تنظیم نقشه های چند ساله است که بسیار ماده صحیحی است ولی بنده در برنامه فرهنگ دو نکته را خواستم تذکر بدهم یکی اینکه برنامه تعلیمات عمومی تنها شامل اطفال دبستانی نباید باشد برنامه فرهنگ عمومی باید شامل تمام طبقات جامعه باشد بطوری که همه در يك ردیف بتوانند در سطح فرهنگیشان ترقی کنند بعد هم در ضمن اجرای این برنامه که برای تمام طبقات خواهد بود سعی بشود که ایمان و عقاید مذهبی و احساسات مذهبی بیدار بشود برای اینکه با این تزلزلی که در عقاید مذهبی رخ داده است بیشتر گرفتاریهای اداری و قضائی ما ناشی از این است که عقاید مذهبی مردم متزلزل شده و اصول پاك ایمانی از بین رفته است و يك وجدانی هم جایش را نگرفته است این است که مردم از حیث عقاید و احساسات دچار سرگردانی شده اند مابجای این یاسبان و ژاندارمیکه عده کافی نداریم خوبست يك پلیسهای اخلاقی بگذاریم که مردم خودشان خودشان را اداره کنند. آمار اجماع آقایان وزراء: بنظر بنده در انتخاب آقایان وزراء مثل سایر کارها میبایستی از يك اصول و قواعدی پیروی بشود در کشور های دیگر دموکراسی يك سوابق و سنت هائی بوجود آمده است که این سوابق و سنت ها جانشین اصول شده است اما در ایران متأسفانه هنوز آن ورزش در کار باندازم کافی نیست و هنوز

ما اصولی را نداریم که يك رئیس الوزرائی موافق با آن اصول و زرایش را انتخاب کند ناچار اصل تشبث پیش می آید و این هم البته اصل صحیحی نیست يك رفیق ظریفی بنده دارم چند سال پیش میگفت که در ایران ترقی در مقامات تناسب معکوس دارد با مقدار معلومات و اطلاعات مثلاً ورود بخدمت دولتی مطابق قانون استخدام با تصدیق سه ساله متوسطه است برای وکیل شدن که طبقه بالاتر است از ادارات دولتی خط و سواد فارسی مطابق قانون انتخابات کافی است و برای میزان معلومات وزارت قانون ساکت است و معلوم نکرده است که چه حدود معلومات و اطلاعاتی را باید از وزیر انتظار داشت اینجا آنچه که بنده راجع به برنامه گفتم تذکر يك نواقصی بود اما تذکر دیگری هم در قسمت آقایان وزراء دارم و آن تذکر زواید است و آن راجع با آقایان وزراء مشاور است وزیر مشاور بنظر بنده همان انگشت ششمی است که شیخ سعدی فرموده و در این دو ساله خزانه ایران دچار این انگشت ششم شده است هر روزی حقوقش و اتومبیل و سایر لوازمش در سال بیست و پنج هزار تومان لااقل خواهد شد و دو وزیر مشاور سالی پنجاه هزار تومان خرجش است بنده هر چه واقعاً در قانون اساسی دقت کردم که خودم برای خودم يك راه حلی پیدا کنم برای انتخاب آقایان وزراء مشاور مجوزی ندیدم (افخمی موافق هم هستید؟) بلی ولی با وزیر مشاور مخالف هستم.

بعضی از نمایندگان - اگر وزیر مشاور باشد رأی نخواهید داد.

فرهودی - اصل ۶۲ متمم قانون اساسی میگوید که عده وزراء بموجب قانون معین میشود من از آقای نخست وزیر میپرسم آن قانونی که اجازه تأسیس وزارت مشاور را داده و ایشان بموجب آن وزراء مشاور را انتخاب کردند چیست؟

در دوره دیکناتوری هم که معروف این است که بقوانین توجه نمیشد هر وقت میخواستند يك وزارتخانه جدیدی تأسیس کنند قانونش بمجلس می آمد وزارت اقتصاد خواستند

تشکیل بدهند قانونش بمجلس آمد بعد خواستند همان وزارتخانه را تقسیم کنند باز قانونش بمجلس آمد در دوره دموکراسی هم این اصل رعایت شد خواستند وزارت بازرگانی و پیشه و هنر را یکی بکنند قانونش بمجلس آمد اما نسبت بوزرای مشاور ما هیچ قانونی نداریم و این روحاً مخالف قانون اساسی است اصل ۶۱ قانون اساسی برای وزراء دو جور مسئولیت قائل شده است یکی مسئولیت مختصه بامور خودشان یکی مسئولیت مشترك در امور عمومی بنده میپرسم مسئولیت اختصاصی وزیران مشاور چیست؟ باز اصل ۶۹ قانون اساسی راجع بمحاکمه وزراء:

در آخر ماده میگوید مگر وقتی که بموجب قانون اتمام و اقامه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارجه باشد پس معلوم میشود مطابق قانون اساسی هر وزیری میباید يك دستگاهی یعنی اداراتی وزارتخانه ای تحت نظر داشته باشد که وقتی در مسائل راجع بآن دستگاه مورد اتهام واقع شد بشود تعقیبش کرد و مجازاتش کرد و این اصل را ماده اول قانون محاکمه وزراء توضیح داده است و میگوید هر وزیری که در امور تحت اداره خود متهم شد، پس در هر حال قانون اساسی ما در مقابل عنوان وزارت يك مسئولیتی را قائل شده بلکه دو مسئولیت قائل شده مسئولیت مختصه و مسئولیت مشترک و این حقوقی را هم که ملت ایران میدهد از خزانه باین آقایان سالی پنجاه هزار تومان اینهم البته در مقابل يك کار و مسئولیتی باشد بنده هر چه دقت میکنم می بینم آقایان وزراء مشاور هیچ مسئولیتی و کاری ندارند و حقوقی هم که میخواهند بگیرند از لحاظ قانونی اشکال دارد (بوشهری) نفرمودید رأی موافق خواهید داد یا مخالف؟ در موقع رأی دادن يك پیشنهادی خواهم کرد البته اگر آن پیشنهاد قبول شد رأی موافق خواهم داد والا رأی مخالف.

نایب رئیس - آقای ملک مدنی.
ملک مدنی - بنده با آقایان بشارت میدهم که خیلی مختصر صحبت میکنم برای اینکه چندین جلسه است که در

اطراف مصائب و بدبختی‌هایی که در این مملکت هست مذاکره کافی شده است معایب و نواقصی هم که در کشور مشهود است و عامه انتظار دارند برای اصلاح و بهبود حال عمومی قدم برداشته شود با اطلاع همه رسیده است ولی بنظر بنده جهت و سبب این بختی‌ها و گرفتاری‌ها که در این دو ساله توفیق پیدا شده است ... (عده کافی نبود و پس از چند دقیقه تأمل عده کافی شد) بنده خواستم خواهش کنم قبل از اینکه وارد صحبت بشوم اگر آقایان منشی‌ها اسامی اینتهائی را که بیرون هستند یادداشت کنند و با اطلاع آقایان برسانند که همه خیال نکنند همه اعضاء مجلس اشخاصی هستند که بیرون میروند و علاقه بکار ندارند باید بدانند که آقایان موظف هستند در روزهای جلسه اینجا باشند و خلاف وظیفه‌شان رفتار میکنند بیرون میروند بنده اینجا صریح عرض میکنم. عرض کنم در این چند جلسه مذاکره زیاد شد ولی جهت و سبب این بدبختی‌هایی که هست و همه از آن اطلاع دارند عرض کنم بعد از شهر بورماه که آن قضایا واقع شد جامعه ایرانی مخصوصاً طبقه روشنفکر کشور متوجه شدند که چرا يك همچو پیش آمدی شد و دولت‌هایی که متکی بافرادهستند اینها همیشه ممکن است دستخوش اشتباه واقع شوند که آن اشتباهات برای کشور يك موقع ممکن است ضرر و زیان بزرگی وارد آورد. باید دولت متکی بملت و مجلس و نمایندگان باشد که در مواقعی که مشکلاتی پیش میآید با مجلس شورای ملی که مرکز صلاحیت داری است که قضایای این مملکت را که پیش میآید بین خود تابع فکر افراد نشود تصمیمانی اتخاذ بکند که برای کشور يك وقتی زیان بزرگی وارد نکند که قابل جبران نباشد خوشبختانه بعد از آنکه این پیش آمد شد مجلس و افکار عمومی توجه پیدا کردند که آن اشتباه باید اصلاح شود و آن اشتباه خوشبختانه اصلاح شد و آن مناسبی است که همیشه با حسن تفاهم و مناسبات بین ما و دولتمند شوروی و بریتانیای کبیر بود بوسیله آن عهدنامه که در مجلس شورای ملی منعقد شد با حسن تفاهم بتمام معنی برقرار شد ملت و

جامعه ایرانی نشان داد که این پیش آمد مربوط بافکار عمومی نبوده است بلکه يك پیش آمدی بوده که مایه تأسف هم بوده البته برای بدست آوردن يك حکومت ملی و برقرار کردن يك دولتی که متکی بملت باشد يك مبارزه شروع شد و بنده اینجا تصدیق می‌کنم که مبارزه را اول مطبوعات و جراید شروع کردند و انصافاً این طبقه که یکی از ارکان اساسی مشروطیت هستند برای بدست آوردن حکومت ملی و برقرار کردن حکومتی که ملت و جامعه از آن راضی باشند شروع بمبارزه کردند و الا آن هم مشغول مبارزه هستند و بعقیده بنده وظایف خودشان را بطوری که شایسته بود انجام دادند ولی دولتهائی که در این دو سال و نیم آمده است متأسفانه این وظیفه را انجام نداده است یا اینکه نخواسته‌اند تمکین حکومت ملی بشوند و افکار عمومی را رعایت کنند و احترام کنند همانطوری که اصول حکومت دموکراسی است که دولت‌ها باید متکی به مجلس شورای ملی باشند متأسفانه در این مدت دولتها توجه باین نکته نکرده‌اند دلیلش هم این است که يك افکاری که مخالف قوانین حکومت ملی بوده است آن افکار و آن ایادی و دستهایی که در کار بود بتمام معنی شروع بکار کرد و برای اینکه مجدداً وضعیت گذشته را برقرار کند از هر اقدامی مضایقه نکردند علت و جهت این ناامنی و این ضعف و این عدم انتظاماتی که در کشور پیدا شده است و سوء جریانی که در امور اداری ما هست بنده عقیده‌ام این است که میخواهند اینقدر زحمت و سختی برای مملکت پیدا نشود تا مردم تمایل پیدا کنند که وضع گذشته وضع خوبی بوده است و مردم از آن راضی بوده‌اند و حال آنکه اینطور نیست این ناامنی این وضعیتی که در ایران پیدا شده است مصنوعی است حکومت باید با ملت باشد ملت باید حکومت بکند امنیت برقرار کند امنیتی که در سایه عدالت و قانون نباشد آن امنیت نیست امنیت وقتی است که هم در ده آسایش داشته باشند و هم در خانه‌شان آسایش داشته باشند این يك چیزی است که پیش همه مسلم شده است در این جلسات متعدد صحبت شد از ارتش بنده از اشخاصی هستم که از روز اول (سوابق

مذاکراتم موجود است) طرفداری از ارتش کردم عقیده‌ام این است که همه نمایندگان از ارتش طرفداری میکنند تردیدی هم نیست برای چه؟ برای اینکه آقا ارتش ما يك ارتش وظیفه است برادر و پسرهای ما در این ارتش دارند خدمت میکنند بعلاوه هر شخص وطن پرستی معتقد است که مملکتی که میخواهد برقرار باشد باید يك ارتش قوی و مقتدری داشته باشد ولی ارتش باید انگاش به ملت باشد ارتش نباید تحت تأثیر دیگری باشد بنده صریح اینجا عرض میکنم که بگوش افراد سرباز و افسران عالی و دانی برسد مجلس و نمایندگان و افراد عمومی طرفدار این ارتش هستند و شکایتی هم از ارتش ندارند ولی میخواهد که این ارتش بتمام معنی ملی باشد و وظایف خودش را انجام بدهد. چرا ارتش ما امروز موفق نمیشود هیچ نقطه را امنیت بدهد دوازده هزار نفر سرباز در فارس دارید پشت شهر شیراز را غارت میکنند سرباز پایش را بیرون نمیکند جلوی گیری کند اینها يك مسائلی است که همه میدانند و نمی‌خواهند امنیت برقرار شود من قسم خورده‌ام بقرآن که بر خلاف مصالح مملکت اقدامی نکنم و خیانت میدانم اگر این مطالب و این قضایا را اینجا نگویم اینها يك مسائلی است که هر کدام شما که قسم خورده‌اید اگر وظیفه‌تان را انجام ندهید بنده عرض میکنم که ... (فاطمی - خائند) قصور کرده‌اید، حقایق را بگوئید تا درست بشود مطالب را ما مالی نکنید بیاری بهر جهت نگذرانید، تمام مصائبی که در این مملکت ایجاد شده است و در این دو سال و نیم ما موفقیت پیدا نکردیم برای این بود که ما محافظه کاری کردیم ما هنوز هم تابع آن جریانات گذشته هستیم یعنی نمیخواهیم بگوئیم ما مردمی هستیم که باید حکومت را بدست ملت بدهیم و ملت و نمایندگان جاید حاکم باشند (صحیح است) اینها يك مسائلی است که همه مردم از نمایندگان دوره چهاردهم انتظار دارند آقا باید کینه مطالب و رئیس مطالب گفته شود

بالاخره والله کسی با سرباز و نظامی مخالف نیست چرا باید سوء تفاهم شود هیچ فاصله بین ما و ارتش نیست ولی حرف اینجا است

که ما میگوئیم ارتش باید ارتشی باشد که مال ملت باشد ارتشی باشد که اگر فداکاری کرد و کشته شد روح جامعه و ملت برای او غمناک باشد این عقیده و رویه همه ماها است که در زندگانی داریم ما عدلیه که میخواهیم عدلیه باید باشد که تحت تأثیر هیچ نوع عواملی واقع نشود ما عدلیه نمیخواهیم که پرونده‌هایی باشد و از جریان خارج کند و یکدانه آنها بجریان نیفتد (صحیح است) چرا قضایای ۱۷ آذر را معلوم نمیکند باید قضایای ۱۷ آذر معلوم شود چرا خانه ملت را توهین بهش کردند کی باعث بود؟ باید معلوم شود. شما آقای عمقانی مرد وطن پرستی هستید و شما هم بنده خودم اعتقاد دارم و احترام میگذارم اگر شما آن پرونده‌ها را بیرون آورید و بجریان انداختید مسبب آنرا بجای معرفی کردید آنوقت شما مرد امین و خوبی هستید اگر نکردید شما هم مثل سایرین هستید بنده صریح عرض میکنم مثل آنهایی هستید که آمدند ما ست مالی کردند (ضیاءالملک و کلای دوره سیزدهم در شرکت داشته‌اند) هر کسی بوده است باشد آقای ضیاءالملک اگر و کیلی هم شرکت داشته است سلب مصونیت ازش بکنند تا ما يك قدمی برداریم می‌گفته میشود اصلاحات اصلاحات اینها است آقا بالاخره اگر میخواهید بکنید و الا يك مشت شکایت به مجلس میرسد و مجلس باید تصمیم بگیرد شما حاکم بروضعت هستید بنده اینجا این مطالب را عرض میکنم برای اینکه يك قدری خاتمه بعراضم بدهم عرض کنم آقای ساعد نخست وزیر و شما وزرائی که اینجا نشستید اگر شما در خودتان این قدرت را می‌بینید که متکی به ملت باشد و تحت تأثیر هیچگونه عواملی واقع نشوید مجلس و اکثریت از شما حمایت و طرفداری میکنند بروید و وظایف خودتان را تعقیب کنید اگر نمیتوانید اسم خودتان را بدنام نکنید بروید کنار و بگذارید دولتی بیاید که بتواند افکار ملت و بیات مجلس شورای ملی را برقرار کند این عقیده تمام است (صحیح است)

نایب رئیس - آقای سید ضیاءالدین طباطبائی؛
سید ضیاءالدین طباطبائی - بنده اسم خودم را جزو

باطمین موافق با مخالف نوشته بودم و خیال مذاکره هم نداشتم لیکن جریان مذاکرات مجلس بنده را مجبور کرد که از یکی از آقایان همکاران خودم خواهش کنم که نوبت خودشان را به بنده بدهند ایشان هم اینکار را کردند و نهایت تشکر را دارم قبل از اینکه وارد مذاکره شوم و در اصل موضوع صحبت کنم اجازه میخواهم یک عرضی بکنم (دکتر مصدق - بلندتر بفرومائید) موقعش میرسد نزدیکتر بنشینید عرض شود هر یک از آقایان نمایندگان حق دارند صحبت کنند یک ساعت ۱۰ ساعت ۲۰ ساعت حق اینها است برای این هم بمجلس شورای ملی آمده اند ولی مذاکرات یک اصولی دارد یک صحبت امروز میشود یک صحبت دیگر بعد از چهل و هشت ساعت این معنی ندارد آقایان نمایندگان اگر حاضر بشوند صبح جلسه تشکیل بدهند عصر جلسه تشکیل بدهند شب جلسه تشکیل بدهند سه چهار ساعت جلسه تشکیل بدهند حق دارند صحبت کنند ولی اگر بنا بشود همانطور که عرض کردم هفته که هفت روز است جلسه تشکیل دهند به تشخیص بنده با اصول پارلمانی خصوصاً در مقتضیات فعلی ایران مناسب نیست بنا بر این از آقایان استدعا میکنم (بنده مانع نظراً اکثریت نیستیم) که اگر مذاکراتی که شده است یا بشود کافی ندانند و هر یک از آقایان بخواهند باز هم صحبت کنند جلسات را بیشتر و زودتر تشکیل دهند. در جلساتی که در مجلس شورای ملی یعنی جلسات خصوصی راجع بانظار اعتماد آقای رئیس الوزراء صحبت شد بنده شکر میکنم و همینطور در کمیسیونهایی که کردند بنده باز شکر میکنم ولی پس از آنکه رأی اکثریت را شنیدم و بخود من هم عقیده دیگری نداشتم نظری نداشتم که پیشنهاد کنم وظیفه خودم دانستم که تابع اکثریت باشم زیرا معتقد هستم که یک یک جنبه مثبت با یک جنبه منفی نسبت به قضایا باید داشته باشد امتیاز نمیتواند باشد اگر موافق است دلایل برای موافقت خود را بفرمایند اگر مخالف است باید دلایلی برای مخالفت خود را بفرماید و بنده هم به آنجا که

اکثریت مجلس شورای ملی را شنیدم تابع اکثریت شدم و امیدوار بودم در یک چند جلسه تکلیف دولت روشن شود و در اول امر هم همانطور که عرض کردم خیال صحبت کردن را نداشتم لیکن پس از جریانهائی که پیش آمد نمیتوانستم رویه سکوت را اختیار کنم این است که عرایض خودم را عرض میکنم حکمیت عرایض بنده بانظر آقایان نمایندگان است (دکتر کشاورز - بعنوان مخالف یا موافق؟) صبر کنید گوش کنید من بعنوان موافق صحبت میکنم و بنابر این لازم میدانم قبل از هر چیز دلایل موافقت خود را با کابینه آقای ساعد بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم من با کابینه آقای ساعد موافق هستم برای اینکه خود را موظف میدانم رأی اکثریت مجلس شورای ملی را محترم بشمارم اکثریت مجلس شورای ملی تقریباً یک ماه قبل آقای ساعد را نامزد ریاست وزرائی کرده است و تا اندازه که من اطلاع دارم اکنون هم در رأی اکثریت مجلس شورای ملی تغییر حاصل نشده است یکی از اصول حکومت ملی احترام اقلیت نسبت برأی اکثریت است و این برای من دلیل کافی است که برای شخص خود رأی اکثریت را واجب الرعایه بدانم. دلیل دوم موافقت من با کابینه آقای ساعد از این است که تا درجه که من مستحضر هستم اکثریت مجلس شورای ملی شخص دیگری را که نسبت به آقای ساعد مزایای قطعی داشته باشد برای ریاست وزراء فعلاً در نظر ندارد از طرف دیگر شنیده میشود که آقای ساعد در صورتیکه به کابینه فعلی ایشان رأی اعتماد داده نشود حاضر نخواهند بود کابینه دیگری تشکیل بدهند و در واقع هم شاید آقای ساعد خورسند شوند اگر بار این مسئولیت سنگین از دوش ایشان برداشته شود در اینصورت اگر بکابینه آقای ساعد رأی اعتماد داده نشود معلوم نیست کی مجلس شورای ملی موافق گردد شخص دیگری را برای ریاست وزرائی نامزد بکنند و صرف نظر از اینکه معلوم نیست در چه تاریخ چنین نامزدی تعیین شود بهیچوجه محرز نیست که این شخص ثانوی و تفریقه معلوم شد من ابائی نسبت به آقای ساعد داشته باشم و بنده میگویم که

این شخص ثانوی کابینه را که به مجلس شورای ملی معرفی بکند بهتر از کابینه فعلی باشد اگر کابینه ثانوی بهتر از کابینه آقای ساعد نبود مجلس شورای ملی طبیعتاً ناچار خواهد بود از دادن رأی اعتماد بآن کابینه نیز خود داری نماید با در نظر داشتن این مقدمات اگر بکابینه آقای ساعد رأی اعتماد داده نشود ممکن است بحران کابینه مدتها ادامه پیدا کند. در این موقع بانزلال امنیت و وضعیت خواربار و ترانکه مصائب و بیچارگی مردم و صدها دردهای متراکم باید از بحران جلوگیری شود و مسئولینی برای سرنوشت مردم در پیشگاه مجلس شورای ملی تعیین کرد. بنابر این بکابینه رأی خواهم داد برای اینکه مبادا بحران باندازه ادامه پیدا کند که اصل حیات حکومت ملی ایران در معرض مخاطره واقع شود من امیدوار هستم تمام آقایان نمایندگان این یک نکته را مورد توجه خاصی قرار دهند. ممکن است پرسیده شود چرا وضعیت ما فعلاً طوری است که باید بکابینه آقای ساعد رأی اعتماد بدهیم و با این که در انتظار یک بحران بسیار طولانی باشیم که ممکن است برای حیات دموکراسی ایران مهلک باشد آقایان نمایندگان محترم بهتر از من میدانند که هر رژیمی فقط در صورتی ممکن است بطرز صحیح کار بکند که موجبات کار آن رژیم فراهم باشد. اصل و اساس رژیم حکومت ملی وجود احزاب قوی است که نمایندگان آن احزاب در مجلس شورای ملی تشکیل اکثریت و اقلیت بدهند اگر چنین احزاب و چنین اکثریت و اقلیتی در ایران و مجلس شورای ملی امروزه وجود داشت البته کار ما نسبتاً سهل و آسان میگردید زیرا سقوط کابینه فقط در صورتی ممکن بود که یکی از احزاب و یا بعضی از اعضای آن که تشکیل اکثریت را می دادند از اکثریت جدا شده و به اقلیت ملحق شوند و بنابر این تشکیل اکثریت جدیدی را بدهند در اینصورت لازم بود که ما مدت مدیدی مواجه با بحران بشویم و گذشته از آن قبلاً اطلاع داشتیم رئیس الوزرای بعدی چه کسی خواهد بود در صورتیکه اگر امروز این هیئت فعلی رأی اعتماد باینها داده نشود گمان نمیکنم در مجلس

شورای ملی کسی باشد که بتواند بطور قطع ادعا کند که رئیس الوزرای آینده چه کسی خواهد بود یا وزرای آن چه کسانی خواهند بود (صحیح است) و بنا بر این دادن رأی منفی در آن صورت برای ما بمراتب سهل تر از امروز است. بدبختانه وضعیت امروزه مملکت ما همین است که آقایان ملاحظه میفرمایند با وضعیت فعلی من گمان نمیکنم آقایان نمایندگان محترم که طبعاً مصالح عالی کشور را در نظر دارند ناچار باشند مماشات نمایند مماشات و مدارا کردن در این مورد بالخصوص این مفهوم را دارد که مابکابینه آقای ساعد رأی اعتماد بدهیم و با ایشان تشریک مساعی بکنیم یعنی برنامه معینی را با ایشان پیشنهاد و از کابینه ایشان تقاضای اجرای آنرا داشته باشیم. اگر برنامه پیشنهاد شده از طرف کابینه آقای ساعد اجرا شد چه بهتر و گرنه آنوقت ما باید با کابینه ایشان در هر لحظه که میل داریم مخالفت کنیم. پس وظیفه من اکنون این است که نظریات خود را شرح دهم و از کابینه آقای ساعد تقاضای اجرای آنرا بنمایم. من از آقایان نمایندگان محترم اجازه میخواهم توضیح دهم که عوام فریب نیستیم و عوام فریبی نمیکنم برای من ممکن بود امروز از فرصت استفاده و یاه سوء استفاده کنم و برنامه را اینچنان تشریح کنم و توجه همه را بیک رشته مسائلی معطوف سازم که اجرای آن برای کابینه آقای ساعد و یا هر کابینه دیگر با وضعیت فعلی امری مجال باشد و یک ماه دیگر برای جلب و جبه برای خود با کابینه مخالفت کنیم من چنین کاری نخواهم کرد و در هیچ مرحله از مراحل زندگانی خود از اغفال عام و بی تکلیفی ملت و مملکت برای خود و جاهتی نخواسته ام بدست آورم آنچه تاکنون عرض کردم بنظر من وظیفه امروز آقایان نمایندگان ملت میباشد و اما راجع بفردها البته من هم امیدوار هستم و امید بسیار دارم که در آئینه نزدیکی موجبات استقرار حکومت ملی بوسیله توسعه مؤسسات مشروطیت و پیدایش احزاب قوی در ایران فراهم گردد اگر در ضمن عرایض خود یک مطالبی آقایان محترم بشنوند و تصور کنند خارج از موضوع است شاید هم

بطور کلی خارج از موضوع باشد ولی در مورد خاص بنده ارتباط با موضوع دارد این شبهات و تصوّرانی که ممکن است در بعضی از اذهان باشد رفع گردد از وقتی که من بایران مراجعت نمودم پیشنهاد های فریبنده بمن شد مقامات رسمی از من تقاضا نمودند بعنوان سفیر کبیر بواشنگتن بروم یا در همین جا با سایر رجال تشکیل شورای عالی بدهم (راجع به این موضوع در موقع خودش عریضی خواهم کرد)

اسکندری - آن مراجع را معرفی بفرمائید.

سید ضیاء الدین - در موقع خودش عرض کردم صحبت خواهم کرد.

امینی - حالا بفرمائید.

سید ضیاء الدین - هر وقت خواستم عرض میکنم.

امینی - اینها بعقیده بنده خارج از موضوع است در برنامه صحبت بفرمائید.

سید ضیاء الدین - اول عرض کردم ولی چون در مورد بنده است اشکال ندارد و داخل در موضوع است.

دکتر کشاورز - اینها خارج از موضوع است.

نایب رئیس - بفرمائید آقا.

سید ضیاء الدین - اجازه بفرمائید تا من توضیحات خودم را بدهم.

جمعی از نمایندگان - بفرمائید. بفرمائید.

سید ضیاء الدین - بله دوستان من بسبب محبت و حسن ظنی که بمن دارند از من تقاضا کردند ریاست مجلس شورای ملی را بعهده بگیرم و با خود را آماده کنم در آتیه نزدیکی مسئولیت ریاست دولت را عهده دار شوم. این توضیحاتی را که میدهم برای این است که میخواهم بگویم بنده نسبت بکابینه نظر شخصی ندارم نمیخواهم وزیر شوم نمیخواهم رئیس الوزراء بشوم و آنچه میگویم عقیده ام است و خواهش میکنم آقای نایب رئیس با آقایان بفرمائید و نظامات مجلس را محترم بشمارند. من تمام این پیشنهاد ها را رد کردم زیرا تصمیم راسخ دارم تمام هم و سعی و کوشش و وقت خود را صرف فراهم نمودن موجبات برقرار داشتن رژیم حکومت ملی در

بدهند من بسهم خودم عرض میکنم در مجلس شورای ملی عقاید مرا اظهار کردم ولی البته تابع اکثریت مجلس هستم در پارلمان انگلستان اگر در اطراف برنامه زیاد صحبت میشود برای آنست که خط مشی دولت را برای چند سال معین میکنند زیرا تمام امور مملکت در تحت تنظیم قوانین و نظاماتی بحال طبیعی جریان دارد در حالتیکه در مملکت ما تمام رشته های زندگی اجتماعی اقتصادی زراعتی مالی بهداری امنیت و حتی خواربار گسسته و هیچیک از چرخها بطرز مطلوبی جریان ندارد بنا بر این در عین اینکه مسائل اساسی و آتی را باید در نظر داشته باشیم ولی فعلا و در حال حاضر يك سلسله مسائل آتی داریم که ممکن است طرح آن مسائل را پیشنهاد و در فاصله دو سه ماه اجرای آنرا تقاضا کنیم. زیرا اصلاحات اساسی آتیه فرع حل این مسائل ضروری آتی و فوری است و بمجرد فراغت و یا اطمینان از تسویه این مسائل فرصت و مجال بحث در مسائل مهم و مابعدی را خواهیم داشت. آقایان نمایندگان بهتر میدانند که وجود و یا سقوط هر کابینه و دولتی بسته به رأی آقایان نمایندگان است و وزراء امروز متوجه این نکته هستند که تنها تکیه گاه آنان مجلس شورای ملی میباشد زیرا مطابق مقررات قانون اساسی فقط در پیشگاه مجلس مسئول شناخته شده و فقط در مقابل این کرسی خطاب است که باید جواب پرسش نمایندگان ملت را بدهند بغیر این رأی اعتمادی اگر امروزه داده شده ممکن است بمجرّد احساس اهمالی از طرف وزراء در ایفای وظایفشان منتج باظهار رأی عدم اعتماد بشود. و چون در بیست و چهار سال پیش هنگامیکه سمت ریاست هیئت اعزامیه فوق العاده ایران را بقفقاز داشتیم مدتی با آقای ساعد همکاری کرده و از نزدیک بروحیات و اخلاق و وطن پرستی ایشان آگاهم امیدوارم که ایشان کوشش خواهند کرد موافق انتظارات مجلس شورای ملی رفتار و فرصت پیدایش سوء تفاهم بین مجلس و دولت را فراهم نیاورند. قبل از آنکه در این موضوع عرضی کرده باشم با احترام برنامه دولت که اشاره راجع سیاست خارجی شده بود اجازه میخواهم عقیده خودم را اظهار کنم. قسمت یکم برنامه دولت که راجع سیاست خارجی

است حقیقه مورد تصویب همه نمایندگان محترم میباشد. ملت ایران و مجلس شورای ملی آرزوی ندارد جز آنکه در روابط سیاسی و تجارتي و فرهنگی ما با کشورهای همجوار و کلیه کشورهای متفق مخصوصاً اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و کشورهای ممالک متحده امریکای شمالی روز بروز بهبودی زیاده تری حاصل شود تا دوستی و صمیمیت واقعی در آتیه بین ما و کشورهای نامبرده برقرار گردد در طی جنگ کنونی ملت ایران تحمل مصائب و دشواریهای بی شماری را نموده است ولی در مقابل دول معظم متفق کمکهای شایان و گرانبهایی بمانده اند. دولت ایران باید از یکطرف نهایت سعی و کوشش را بنماید تا درجه که در قوت و قدرت ایران و ملت ایران است در راه تحصیل پیروزی نهائی متفقین تسهیلات لازمه فراهم بشود و از طرف دیگر دولت باید بمنافع اساسی ایران را برای دول متفق شرح داده و روشن بکند تا در کنفرانس صلح عمومی از لحاظ سیاست خارجی شالوده يك ایرانی که حکم پل ارتباط بین کشورهای معظم متفق را داشته باشد ریخته شود. دشمنان چنین سیاستی در ایران امروز در درجه اول آتیهائی هستند که برای حفظ منافع خصوصی از سیاست يك جانبه پیروی میکنند و کفر چنین اشخاص بعقیده من باید سخت ترین مجازات ها باشد. قسمت دوم برنامه دولت که راجع سیاست داخلی است بسیار مفصل است و در موقع مطالعه آن چنانچه عرض کردم برای من تردید پیدا شد که آیا امروز با وضعیت داخلی ایران و وضعیت بین المللی دولت قادر با اجرای این برنامه خواهد بود یا نه. البته اگر دولت در اجرای برنامه خود موفقیت کامل حاصل بکند چه بهتر ولی اگر در حین عمل با شکالات لا ینحلی بر بخورد باید در نظر داشته باشد که ملت ایران انتظار دارد در درجه اول هم سعی و کوشش خود را در راه حفظ جان اهالی این کشور صرف بکند اولاً نان توده ایرانی باید تامین شود. بطوریکه همه آقایان مستحضر هستند محصول سال جاری در بسیاری از نقاط کشور کاملاً رضایت بخش نبوده است مع هذا با وجود خشکسالی ایرانی نباید دیگر از گرسنگی بمیرد در سال گذشته محصولی بدست آمد که زیاده تر از

مخاطره کرده بدفعات شنیده شد که ایرانی برای رفع احتیاجات خود دوا برای مدت سه سال در تمام داخل کشور موجود دارد. فعلاً بطوریکه اخیراً شنیدم در یکی از دهستانهای اطراف مشهد در سال گذشته در حدود شش هزار بچه مبتلا شدند بمرض آبله و بسبب عدم وجود قطره مایه آبله تلف شده اند و در همین طهران در بیمارستانهای دولتی عادی ترین داروها پیدا نمیشود و شاید اگر در تعیین تکلیف دولت تأخیر بیشتری بشود شماره اطفال بدبختی که تلف میشوند بیشتر خواهد شد و ما نمیتوانیم بگوئیم که مسئول نیستیم اگر در تعیین مسئول تأخیر را جایز ندانیم در همین طهران در بیمارستانهای دولتی عادی ترین داروهای لازمه پیدا نمیشود دولت باید در نهایت جدیت تعیین بکند بنگاههای دولتی با دواچانی که متفقین تحویل داده اند چه کرده اند. و باید با اولین وسیله از مصرف و مقدار دواجات گذشته و موجوده بیانیته برای اطلاع مجلس شورای ملی و عامه منتشر و هر اقدامی در این مورد بشود در جراید اعلام دارند. اما مسئله امنیت امنیت جان امنیت مال امنیت عقیده راجع بامنیت جان و مال ناچار هستم راجع بارتش و راجع بشهربانی و ژاندارمری توضیحاتی عرض کنم. ارتش ما در چه حالی است؟ جای نهایت تأسف است که در بر نامه دولت از این مسئله اشاره نشده و حتی اسم ارتش هم ذکر نشده نمیخواهم خیال کنم که سوء نیتی بوده است زیرا در حسن نیت آقای رئیس الوزرا تردیدی ندارم. البته چون وزیرای ایشان محل اعتماد ایشان هستند نسبت بآنها نمیخواهم تصور ناشایسته بکنم و چنانچه در مقدمه عرایض خودم عرض کردم فقط تذکر میدهم و گمان میکنم نظر آقای وزیر جنگ این بوده که در موقع پیشنهاد بودجه وزارت جنگ خواسته اند خاطر نمایندگان ملت را بطور مفصل مستحضر سازند در انتظار مذاکره بودجه وزارت جنگ اجازه میخواهم نظر هیئت دولت را به نکات چندی که همه نمایندگان بآنها بسیار علاقمند هستند جلب نمایم. اولاً افراد ارتش ماچند نفر است آقای وزیر جنگ باید بدانند تا صورت رز افسران

و نفرات ارتش و نقاطی که در آن توقف دارند بعرض مجلس شورای ملی نرسد نباید انتظار پرداخت هزینه را داشته باشند گفته میشود نفرات بالغ بر نود هزار نفر است ولی بعضی ها معتقد هستند شاید پنجاه هزار نفر هم در تحت اختیار وزارت جنگ نداشته باشیم. بیست و چهار سال تمام منابع مالی و اقتصادی این مملکت صرف ارتش شد نتایج آنرا بواسطه عدم لیاقت امراء و افسران عالیرتبه دیدیم اگر بنا هست مجلس شورای ملی بودجه ارتش را تصویب کند باید از تمام جزئیات خاطر نمایندگان ملت را مستحضر سازند. ثانیاً تشکیلات ارتش در چه حالی است فرماندهی باچه مقامی است گفته میشود در ارتش چهار مرکز فرماندهی موجود است اول نسبت داده میشود بمقام سلطنت عظمی از انکاء به تصویب نامه مجلس شورای ملی راجع باعطاء اختیارات و فرماندهی کل قوا باعلیه حضرت شاه سابق دیگری رئیس ستاد ارتش سومی وزیر جنگ چهارمی مستشاران امریکائی در نتیجه این تشتت يك وضع هرج و مرجی در ارتش پیش آمد که منجر بوقایع بسیار ناگواری شد که از حوادث شهریور و فرار سر لشکرها و افسران وغیره اشاره نمیکنم لیکن واقعه سمیرم که منجر به لخت کردن هزار نفر افراد ارتش شاهنشاهی و گرفتن ۵۳ متر الیوز و چند عراده توپ و صدها خمپاره و مقدار زیادی فشنگ و مهمات گردید دریافته میشود که فرماندهی کل قوای ارتش ما در چه حالی است آنچه عرض میکنم جنبه منفی ندارد جنبه مثبت دارد برای اینکه راهش را هم عرض میکنم و البته آقایان این را بهتر میدانند آلهائی که در سمیرم بوده اند پنج ماه بالای تپه سنگر بندی کردند استحكامات نظامی ساختند و آن هائی که بآنها حمله کردند و لخت کردند بک عده با چماق بودند که هزار نفر را لخت کردند اینها يك نکاتی است که شاید بعضی ها معتقد نیستند که در مجلس بحث شود ولی باید در مجلس شورای ملی بحث شود و حل شود (صحیح است) اگر ما در اشتباه هستیم و اگر دروغ شنیده ایم رفع اشتباه از ما بشود ولی اگر حقیقت است باید چاره باشد البته خود آقایان بهتر

هیئت وزراء هم انتخاب کنند و تصویب کند عقیده او را انتخاب رئیس ستاد ارتش باید بایشنهاده وزیر جنگ و تصویب هیئت وزراء باشد (صحیح است) فقط رئیس ستاد ارتش در پیشگاه وزیر جنگ مسئول امور فنی ارتش باید شناخته شود و وزیر جنگ هم باید بداند که مسئولیت تمام امور ارتش را در پیشگاه مجلس شورای ملی عهده دار خواهد بود و البته با اصل مسئولیت مشترک وزراء هم نخواهند توانست شانه خود را از زیر بار مسئولیت مشترک وزارت جنگ خالی نمایند در زمان سابق قبل از وقایع شهریور برای این وزارت جنگ یک شورای نظام موجود بود که تمام مسائل فنی و تصمیمات وزارت جنگ با اطلاع و تصویب شورای نظام بود و اقل در صورت ظاهر اگر هم اعلیحضرت وقت میخواستند با اعضای شورای جنگ گفتند اینطور بکنید این کار را بکنید و خود وزیر جنگ و رئیس ستاد هم نمیتوانستند تصمیمی اتخاذ کنند بعد از وقایع شهریور این شورای نظامی الفاشد حالا دیگر هیچ نیست خود وزیر جنگ و رئیس ستاد و بعضی مقامات و حالا هم مستشاران امریکائی هر کدام هر تصمیمی را میخواهند اتخاذ میکنند بنابراین بنده پیشنهاد میکنم برای جلوگیری از این هرج و مرج لازم است شورای عالی جنگ از ده نفر معتمدین افراد و یا افسران ارشد ارتش بنابر موافقت وزارت جنگ و ستاد ارتش تعیین و کلیه مسائل مهم ارتش و نکاتی که در آئین نامه و قوانین مربوطه پیش بینی نشده در آنجا مطرح و تصمیم اتخاذ شود فعلاً در این باب بیش از این تذکره نداده و منتظر اقدامات آقای وزیر جنگ خواهم بود ثالثاً نظام وظیفه در ولایات راجع به سوء سلوک مأمورین نظام وظیفه در ولایات اطلاعات شرمناکی میرسد که حتی از گفتن و بیان آن باید شرمسار بود در این باب به امروز ولی در اولین فرصت توضیحاتی که از این حرکات جلوگیری شود از آقای وزیر جنگ انتظار داریم رابعاً بطوریکه در جریان خوانده شد امسال هشت نفر سر لشکر و دوازده نفر سر تیپ تعیین شد بطوریکه مطلع هستم هفت نفر از این افسران که بدرجه سرتیپی نایل شده اند موافق قانون ترفیع درجات و با سابقه غیر مطلوب صلاحیت رسیدن باین مقام را حائز نبوده اند در حالتیکه صد ها

افسران لایق و درستکار تحصیل کرده سالها در انتظار ترفیع رتبه مانده و نه فقط تا کنون از آنها تشویقی بعمل نیامده بلکه بجرم تحصیل و جوانی و مقرب نبودن از تمام مزایا و ترفیحات محروم مانده اند قانون ترفیع درجات را بر حسب پیشنهاد وزارت جنگ در موقع خود مجلس شورای ملی تصویب کرد سابقاً هم این قانون رعایت میشد ولی اخیراً مراعات نشد نمیخواهم بگویم در مقابل چه خدمتی و آیا لازم بود یا نبود نمیخواهم داخل این بحث بشوم تا این اندازه عرض میکنم که اینطور شده در این جا يك نکته بنظر آمد که خدمت آقای وزیر جنگ عرض میکنم مطابق اطلاعاتی که بنده بدست آورده ام عده افسرانی که ما داریم ۵ هزار نفر هستند از این پنجهزار نفر گویا چهار هزار نفر تحصیل کرده هستند و مدرسه دیده هستند هزار هزار و پانصد تا هم يك اشخاصی هستند که دارای يك تجربیاتی بوده اند و مقامات مهمی داشته اند حالا فرض کنیم این ۵ هزار نفر خیلی خوب مطابق نظام تشکیلات دنیا برای هر سی هزار نفر قشون ما پنجهزار نفر صاحب منصب لازم داریم بنابراین اگر بنا است آقای وزیر جنگ بما صورت بدهند که برای صد یا پنجاه یا سی هزار افراد تصویب بودجه بکنید باید این را در نظر داشته باشند که عده افسران صالحی که صلاحیت سرپرستی این افراد را داشته باشند بما تذکر بدهند زیرا ما نمیتوانیم جوان های مملکت را مرد های آینده ایران را زیر دست هر کسی که مقتضی بدانند تسلیم و اگذار کنیم بنا بر این این نکته را در نظر داشته باشید روزی که بودجه را بما پیشنهاد خواهید فرمود عده و عدد افسران تحصیل کرده که صلاحیت فرماندهی جوان های ایران را خواهند داشت بما صورت بدهید خامساً وسیله های سیاسی و تشکیلات منفی برای حتی تهدید به قتل معلومه مدنی است در ارتش شروع شده آقای وزیر جنگ از من تقاضا فرمودند اسم کسی را ببرم زیرا ایشان مشغول تحقیقاتی هستند من هم در انتظار اقدامات ایشان اسم کسی را ذکر نخواهم کرد ولی تذکر میدهم که دیسایس و دسته بندی های سیاسی در ارتش عواقب وخیمه را برای مرتکبین و محرکین خواهد

داشت و باید آقای وزیر جنگ با سرعت و جدیت باین دیسایس خاتمه بدهند. سادساً قبل از تسلیم بودجه باید آقای وزیر جنگ نظریات خود را راجع بعدد نفرات ارتش که با تصویب رئیس ستاد و شورای نظامی و رعایت خزانه مملکت لازم میدانند پیشنهاد کنند و باید این نکته را در نظر داشته باشند که دلایل قطعی و موجه گفته شود با سابقه بیست و چهار ساله ما حاضر نخواهیم بود تفهیده اعتباراتی برای وزارت جنگ تصویب نمائیم روشن شدن مسئله ارتش تأثیر عظیمی در حل مسئله امنیت داخله خواهد داشت ولی قبل از ارتش موضوع شهر بانی و ژاندارمری و آزادی را باید مورد دقت قرار داد و در این مسائل مخاطب مستقیم من آقای وزیر کشور و غیر مستقیم تمام هیئت وزراء هستند شهر بانی ما در این بیست و چند ساله بغیر از پرونده سازی و دسیسه و جرم و خیانت بر ضد افراد اهالی این مملکت کاری نداشته و اکنون هم از عوامل مؤثر اختلالات و سلب امنیت عموم افراد است در دفتر اداره کل شهر بانی و نگارشات شصت و سه نفر عضو از اداره اطلاعات شهر بانی ۵۷ نفر و از اداره گذر نامه ۳۴ کارمندی موجود است این ۱۵۴ نفر مأمورین جز جاسوسی و دسیسه و تهیه راپرت های جعلی برای تقدیم بدربار و یا پر کردن جیب خودشان و همدستی با دزدان کاری ندارند. در جریان سال گذشته دو هزار تذکره تمدید غیر قانونی پیدا کرده امور تذکره و گذرنامه اتباع داخله باید با اداره سیاسی بوزارت کشور محول شود و جان مردم بدبخت را از شر مأمورین شهر بانی باید نجات داد شهر بانی چه حقی دارد تماس دائمی با دربار داشته و هر روزه راپرت های جعلی را تقدیم مقام سلطنت نماید. بیست و چهار سال این کار شهر بانی بود البته وزراء ما خوب در مقابل شاه سابق مسئولیت هائی داشتند ولی انصاف بدهید دسیسه و تفتین از شهر بانی میشد میرفتند بشاه میگفتند فلان پنج نفر جمع شده اند و بر ضد شما بمب ساخته حرف زده اند بجوی کرده اند دسیسه کرده اند شاه است میترسد آن حکایت خدا بد نده مثنوی را که شنیده اید میگویند میگویند بیچاره هم باورش میشود البته

اگر گفتیم بیچاره نه بیچاره به تمام معنی بلکه بیچاره از حیث عقل و ادراک باورش میشود میگوید بگیرید یکی از کارهای شهر بانی و رؤسای نظمیۀ دائماً این بود که شاه را بترسانند تا شاه محتاج بوجود آنها باشد و از نتیجه این بیست و چهار سال تمام اعضای نظمیۀ کارشان این بود که برای مردم پاپوش بدوزند من نمیخواهم وقت آقایان را راجع باین قضایا زیاد بگیرم و توضیح کنم حالا آن رضا شاه بیچاره رفت و اینجا نیست و این شاه بیچاره و جوان معصوم ما اینجا است این را که میگویم باید آقای وزیر کشور بدانند که اگر اعلیحضرت همایونی اطلاعاتی میخواهند باید از وزرای مسئول بخواهند و الا رئیس شهر بانی نباید شاه کاری داشته باشد تازه اگر کاری هم در شهر میشود اداره سیاسی و وزرای مسئول باید بدانند و بفهمند یا آقای رئیس الوزرا و الا رئیس نظمیۀ در دربار چه کار دارد آقا. **یمین اسفندیاری** - این فرمایش آقا صحیح است ولی نسبت به آقای جهانبانی صدق نمیکند.

سید ضیاءالدین - بنده نسبت باشخاص نمیخواهم صحبت کنم عرض کنم مدار کی..... بنده نمیخواستم این را عرض کنم ولی چون فرمودید ناچارم عرض کنم که مدار کی در دست است که ایشان هم همان رویه رؤسای سابق شهر بانی را ادامه میدهند و بیش از این هم نمیخواهم عرضی کرده باشم **یمین اسفندیاری** - ولی بسر کار خلاف گفته اند

سید ضیاءالدین - شاید همه کاری ممکن است انشاء الله اینطور نباشد. در طهران جان و مال گذشته حتی سیم های تلفن و برق هم امنیت ندارند در طهران در شمیران سیم های برق را می چینند میبرند حالا آقایان نگفتید چطور میفرمائید چطور سیم چراغ برق را پاره میکنند ابتدا جریان را قطع میکنند بعد سیم را پاره میکنند برای اینکه بیاید آدم را بکشد اتفاقاً هم شد موردش را هم عرض میکنم.....

مهندس فریور - بدون قطع جریان هم ممکن است سیم را پاره کرد.

سید ضیاءالدین - آن دیگر تخصص میخواهد بنده که

تخصص ندارم (خنده نمایندگان) موردش را هم عرض میکنم بمن الدوله در شمیران این بیچاره دیوانه شده بود و گفت معلوم میشود که این دزد ها همه جا دست دارند هم در شهر هم در شمیران که حتی کوران الکتریک را هم قطع میکنند تا مردم را بکشند حالا نمیدانم دو بست متر سیصد متر سیمش را دزدیدند و بردند خطر جانی هم برای مردم داشت با این حال در نظمی صد و پنجاه نفر دو بست نفر پشت میز مینشینند . . . و گزارش میدهند که امروز د کتر عبده و د کتر معظمی در فلان کوچه با هم بیج و بیج می کردند سه نسخه هم می نویسند برای این که حضرت تعالی نفر مائید که اینکارها را نمیکند عرض میکنم یکی از این سه نسخه هر روز بوزارت کشور فرستاده میشود یکی برای رئیس الوزراء یکی هم برای اعلیحضرت شاه صحیح است آقای وزیر کشور؟

وزیر کشور - برای بنده میفرستند. (خنده نمایندگان)
سید ضیاءالدین - این بود که بنده عرض کردم شهر بانی امروز هم مثل شهر بانی های گذشته است بنده این راهپورت ها را خوانده ام و دیده ام مثلاً میگویند امروز در فلان کوچه فلانکس فلان حرف را میزد اداره اطلاعات نظمی کارش همین است و جز این کاری ندارد که برود و مراقب باشد شب و روز به بیند کی به کی چه حرفی میزند تا این را بدربار خبر بدهد گمان میکنم برای حضرت تعالی هم میرسد آقای رئیس الوزراء؟
نخست وزیر - بلی

سید ضیاءالدین - از حسن اتفاق نسخه هم برای بنده می رسید و اگر میخواهید مال این ماه را هم خدمتان تقدیم کنم. (خنده نمایندگان)

پیرمیرزا اسفندیاری - جناب عالی چرا قبول میکنید آقای سید ضیاءالدین - اجازه بدهید اینرا بعد عرض میکنم در طهران از جانب و مال گذشته حتی سیم های تلفن و برق امنیت ندارد بهای کلان است سیصد و پنجاه و پنج هزار باید اداره شهر بانی مراقب امنیت عمومی بشود به نظر من پلیس بیفزاید و باید آفاد در دستکاران را که در این برای و نظایف پلیسی با

حقوق کافی انتخاب بشود کار گرامر و ۵ تومان اجرت میگیرد پلیس بدبخت با يك خانواده چگونگی ممکن است با ماهی یکصد تومان زندگانی کند؟ . . .

بنده يك قسمت از عرایض باقی مانده و شاید نیم ساعت یکساعت دیگر هم عرایض طول بکشد این است که بنده پیشنهاد کردم حالا جلسه بعنوان تنفس تعطیل شود و چهار بعد از ظهر مجدداً تشکیل شود (صحیح است) تا سایر آقایان هم مطالب خودشان را بگویند و وقت داشته باشند (صحیح است)

نایب رئیس مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
 (در این موقع يك ساعت و ربع بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و پنج ساعت و نیم بعد از ظهر مجدداً بریاست آقای امیر تیمور نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای آقا سید ضیاءالدین بفرمائید بقیه اظهارات خودتان را بفرمائید

سید ضیاءالدین طباطبائی - علاقه بنده در تعیین تکلیف دولت چنانچه عرض کردم بواسطه حل مسائل ضروری و فوری و آنی است آقای تیمورتاش يك قطعه نان برای بنده فرستاده اند این نان تلخ است خوراکی نیست (تیمورتاش - تلگرافی بود که رسیده بود) بلی بلی بنده یک تقدیری از این نان را خوردم اگر آقایان وزراء و و کلا هم میل داشته باشند بکن است بچشند. سکنه این شهر این نان شان است اگر ما دولت داشته باشیم وزراء را میخواهیم میگوئیم این نان اهالی طهران خوب نیست و اگر تعیین تکلیف هیئت دولت پنج روز ده روز یا یکساعت به تعویق بیفتد من در سهم خودم تشخیص میدهم که من مسئول این نان بد مردم هستم این را بطور حاشیه عرض کردم بنده عرض کردم امنیت عقیده و آزادی سالها بود سکنه این مملکت نه فقط امنیت جان و مال نداشته اند آزادی عقیده و فکر و ایمان هم نداشته اند اینها از آزادی مطبوعات و حریت فکر سیاسی صحبت میکنند آزادی مطبوعات و عقیده را میگویند بشود از آزادی مطبوعات فقط چنانچه از نظر استفاده میکنند ولی از آزادی عقیده تمام سکنه مملکت اکثریت سکنه ایران بالینکه مسلمان هستند در این سالهای اخیر مسلمانان ایران از این

آزادی محروم بوده اند. اقلیت هائی در این مملکت بودند که حق داشتند به کنائس و معابد خودشان بروند ولی مسلمانان را منع میکردند از این که به مسجد بروند و جای تأسف است که فقط از آزادی فکر و آزادی مطبوعات صحبت شد لیکن از آزادی عقیده و ایمان صحبت نشد ما اگر نماینده این ملت هستیم باید آزادی عقیده و آزادی مذهب و ایمان را برای ایرانیان تأمین کنیم ممکن است بعضی ها معتقد باشند که سکنه این مملکت در تشخیصات مذهبی خودشان مواجه با يك خرافاتی هستند این مسئله ممکن است صحیح باشد لیکن بزور سر نیزه و فشار و قدرت نباید آزادی آنها را سلب کرد با دلیل و منطق با استدلال با فرهنگ باید اشتباهات مردم را رفع کرد. مبانی آزادی يك ملتی در قدم اول روی فکر و عقیده است امیدوار هستم نه فقط امیدوار هستم بلکه یقین دارم تمام آقایان نمایندگان محترم بامن همفکر هستند که سکنه این مملکت مخصوصاً اکثریت آن که مسلمان هستند باید دارای آزادی عقیده و مذهب و ایمان خودشان باشند. جای بسی تأسف است که پاره از مطبوعات در محدود کردن این آزادی با حکومت جور و ظلم همقدم بودند با این حال باید آزادی مطبوعات در درجه قصوی تأمین شود و نمایست جرایم مطبوعاتی در حکومت نظامی تعقیب شود. و بنده مخصوصاً توجه نظر آقای رئیس الوزراء و آقای وزیر جنگ را متوجه می سازم که باید محاکمه جرایم مطبوعات را از وظایف حکومت نظامی ندانسته تعجب در این است که قوانین مملکتی اجازه میدهند اگر افراد نظامی مرتکب جرمی شدند بمحاکم غیر نظامی رجوع شود در این صورت من نمیفهمم چگونه نویسندگان و ارباب قلم و ارباب مطبوعات باید محاکمشان در حکومت نظامی بشود انتظار بنده این است که آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت این موضوع را مورد توجه قرار بدهند. گویا هیچکس در ایران از آزادی مطبوعات بقدر من مورد مهاجمه واقع نشده باشد با این حال من یکی از طرق اصلاح امور این مملکت را آزادی مطبوعات میدانم در اوایل ورودم که بعضی جرایم انواع فحش و ناسزا

قرار دادند من یکی از ارباب جرایم پیغام دادم سینه من برای قبول تیرهای تهمت شما آماده است تیرهای خود را پرتاب کنید تا اقلأ تیر اندازی را یاد بگیرید فحش بدهید تا اقلأ جسارت فحش دادن را آزمایش بکنید میگویند فحش بداست و البته هم بد است ولی مادام که در يك مملکت دزدی جنایت و انواع جرم ها مجاز است باید فحش هم مجاز باشد زیرا این تنها وسیله فعلاً بنظر میرسد تا دزدی و جنایت تا حدی محدود بشود کسی باید از فحش بترسد که مرتکب کار بدی شده باشد من چون از گفتار کردار و اعمال خود مطمئن هستم از شنیدن فحش هر اسی ندارم بنا بر این آزادی مطبوعات را بهر قیمتی باشد طرفدار و خواهانم اگر دولت میخواهد فحش دادن را محدود کند قانون هیئت منصفه را راجع بجرم ارباب قلم هر چه زودتر به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. (بعضی از نمایندگان - این قانون هست) اجرا کند (بعضی از نمایندگان - اصلاح هم میخواهد) هم اصلاح کند هم اجرا کند ولی نباید راجع بمحدود بودن مطبوعات اقدامی کند و همچنین باید قیود منافی آزادی را در محدود کردن ارباب جرایم از میان بردارد چون که صحبت از آزادی شد نظر هیئت دولت خصوصاً آقای وزیر کشور را متوجه انتخابات میکنم بقیه انتخاباتی که باقی مانده است باید با آزادی تمام جریان پیدا کند (صحیح است) و به آقایان وزراء اطمینان میدهم که کوچکترین خدشه و اشتباهی اگر از طرف دولت یا مأمورین وی در امر انتخابات بشود در این کرسی از هیئت وزراء پرسش و بازخواست سختی خواهد شد (صحیح است) خواهش دیگری که دارم این است تقاطی که در انتخابات توقیف است فوراً امر بدهند انتخابات شروع بشود (صحیح است) چونکه از اقلیت صحبت شد سزاوار نیست که ثلث سکنه ایران را فراموش کنند و از نظر دور کنند آنها عشایر هستند عشایر بدبخت ما یکی از مهمترین منابع ثروت ایرانند. پشم ما شیر ماروغن ما اسب های ما کوسفند های ما گاو های ما فقط از عشایر ما می آید آقایان که در ایالات و ولایات هستند دیده اند و میدانند که در دهات ایران فلاچین و زارعین در پرورش مواشی اقدام نمیکند هر چه مادر این

رشته ها داریم از عشایر است بدبختانه در این بیست سال نه فقط توجهی بحال عشایر نشد بلکه شدید ترین مصائبی را این مردم بد بخت متحمل شدند (اقبال - گوسفند ها تخت قابو شده اند) مردمی که اجدادشان چندین قرن باخون خود ایران را حفظ کردند ما آنها را از میان بردیم . افسران ارتش شاهنشاهی بزنجای قشقائی حکم دادند شیر خودشان را بدوشند و به سگ های افسران ارتش شاهنشاهی بدهند (قبادیان - در کلهر هم همینطور بود) املاک آنها را گرفتند دارائی آنها را گرفتند و امروز از مسلح شدن آنها نگران هستند . من که به روحیه عشایر ایران واقف هستم جای نگرانی و اندیشه از مسلح شدن آنها نمی بینم و ناراضی نیستم زیرا همین عشایر مسلح هر وقتی که اطمینان پیدا کردند در طهران دولتی هست مجلسی هست که بدرد آنها خواهد رسید آنها مطیع مجلس و مطیع حکومت ملی ایران خواهند بود (صحیح است) کسانی که میخواهند موضوع مسلح شدن عشایر را بهانه برای یک اقداماتی قرار بدهند در اشتباه هستند . و چرا من مسرور هستم از اینکه آنها مسلح هستند زیرا آنها وسیله دیگری برای حفظ نوامیس خود از تعدیات مأمورین ارتش و غیر ارتش ندارند بنده برای حل این قضایا یعنی قضیه عشایر معتمد مجلس شورای ملی و دولت باید توجه خاصی بکنند و تنها طریق آن این است که بعقیده بنده باید یک اداره عشایری در وزارت کشور تأسیس بشود و از نمایندگان تمام عشایر ایران یک شورای ملی عشایر در تهران تشکیل بشود و مداخلات مأمورین ارتش را در امور ایلات و عشایر خاتمه بدهند و در امور عشایر ایران با مطالعه و دقت یک طریق اصلاحی را پیش بکشند و یک کمکی بشود در استقرار امنیت حقیقی این گروه و بنده این اندازه که مطلع هستم خدمت آقایان عرض میکنم که از مسلح شدن عشایر نباید نگران باشند (قبادیان - هشتی شان را دزدیدند) زیرا اینها غیر از حفظ نوامیس خود و اطاعت حکومت مشروطه عادلانه قضدی ندارند (صحیح است)

فاطمی - صحیح نیست آقا اینطور نیست پس این

دزدیهارا کی میکنند ؟

نایب رئیس - بی اجازه نباید صحبت کرد .

سیدضیاءالدین - عرض کنم چرا دزدی میکنند موافق حسابی که بنده خودم پیش خودم کردم اگر یک خانواده ایلاتی امنیت داشته باشد که از پشم خودش از اسب خودش از گاو خودش از گوسفند خودش استفاده کند و کسی مال او را نبرد آنوقت شاید عده دزدها در هر ایلی پنج درصد باشد (فاطمی - این صحیح است) این پنج درصد در غیر عشایر هم هست ما باید بوسیله قوانین و اصلاحات امنیت این نود و پنج درصد عشایر را تأمین کنیم در باب آن پنج درصد دزدها هم بوسیله مجلس شورای عشایر و نظامانی که بعد مقرر خواهند داشت تأمین میکنیم (فاطمی - صحیح است این خوب است) بنا بر این باید دانست که عشایر اگر بعضی افرادشان دزد هستند دزدی پنج نفر یا ده نفر را نمیشود مقیاس قرارداد و یک ایلی را بطور کلی محکوم دانست .

فاطمی - صحیح است این غیر از آن است که اول فرمودید .

سیدضیاءالدین - موضوع دیگری را که بنده میخواستم عرض کنم راجع بمستشاران امریکائی یعنی میسیون مالی امریکائی است در اینجا اجازه میخواهم از آقایان تاریخ پیدایش یعنی آوردن مستشاران را باین مملکت خدمت آقایان عرض کنم زیرا شاید بسیاری از آقایان واقف نباشند چه شد ما مستشار آوردیم ؟ قصدمان از آوردن مستشار چه بود ؟ بنده چون در اوایل مشروطیت نه فقط در جریان بودم بلکه خودم در این باب اظهار عقایدی هم کرده ام مقالاتی هم نوشته ام شاید صلاحیت داشته باشم که برای روشن شدن ذهن آقایان توضیحاتی عرض کنم . مملکت ایران مشروطه شد حکومت ملی تشکیل شد در تمام دوایر ایران یک ورقه و یک مدرکی در دست حکومت ملی نبود تمام اسناد مالیاتی ما در دست مستوفی ها بود مستوفی ها هم این اسناد را قایم کرده بودند و بما نمیدادند یعنی به حکومت ملی امروز فردا پس فردا انقلابات شد چه شد چه شد دولت قادر نبود که برای اداره

امور خود عوایدی جمع کنند زیرا مدار کی نداشت یک وزارت مالیه نبود یک وزارت مالیه تشکیل دادند البته بعضی از مستوفی ها بودند یک اسناد و مدار کی را میدادند بوزارت مالیه ولی اغلب نمیدادند ولایات و ایالات هر کدام یک مستوفی محلی داشت اسناد مالیاتی هم پیش او بود وزیر مالیه که مجلس شورای ملی تعیین کرده بود قادر نبود که برود از او خواش کند و راجع بمالیاتها یک اطلاعات و اسنادی را بدست بیاورد مجلس شورای ملی و حکومت وقت مصمم شد مستشار از خارجه بیاورد اول مستشار مالی که ما بایران آوردیم مسیو بیزو بود یکی از رجال کار آگاه شریف فرانسه آمد بطهران یک دوسالی هم اینجا بود و رفت زیرا شرافت ملی او اجازه نمیداد که در ایران باشد و مصالح ملت را حفظ نکند و چونکه دولت فرانسه در آن زمان با بعضی از دول متفق بود خیال میکرد که یک مستشار عالیتر به فرانسوی در طهران مجبور است نظریات مقامات غیر ایرانی را در اصلاحات امور ایران مورد دقت قرار بدهد فرانسوی رفت از ممالک کوچک هم ما نمیتوانستیم مستشار بیاوریم زیرا مستشار های ملل کوچک تحت تأثیر نفوذ دول قوی در طهران واقع میشدند و مستشاران ممالک کوچک نمیتوانستند طبق النعل بالنعل عقاید خودشان را راجع باصلاحات ایران تطبیق کنند بنابراین پس از مطالعاتی که شد تصمیم گرفته شد از آمریکا مستشار خواسته شود چرا ؟ برای اینکه خیال میکردند و همین طور هم بود ملت امریکا یک ملت بزرگی است یک ملت مستقلی است و دلیل ندارد که مستشار امریکائی بواسطه حریت فکری و سیاسی که دارد در طهران مادامیکه ملت و دولت ایران یک کاری را باو داده اند برخلاف عقیده و مطالب ملت ایران یک اقدامی بکنند یا یک قدمی را برای استرضای مقامات خارجی بردارد این بود که تصمیم گرفته شد مستشار از امریکا بیاورند یعنی علت حقیقی توجه مجلس شورای ملی دوره دوم به مستشاران امریکائی از این جهت بود . مستر شوستر آمد و در حدود توانائی خودش خدمت کرد و حتی در موقعیکه شهر طهران مورد مهاجمه چهل پنجاه هزار نفر

قشون یعنی افراد چریک از شمال و جنوب شده بود و در خزانه یک دینار پول نبود او وسائل تجهیز و تسریع قشونی که از مجاهدین بختیاری و سایر افراد نظامی چریک و مسیو پیرم و جوانهای ارمنی تشکیل شده بود فراهم کرد البته بختیارها و اراننه و سایرین با منتهای رشادت فداکاری کردند آقای اسعد با مرحوم برادرشان مرحوم جعفر قلی خان سردار اسعد و سردار محتشم و غیره و غیره قشون مخالف و قشون ارتجاع را از پشت دروازه های طهران راندند و موافق اطلاعات بنده اگر در آن موقع مستر شوستر در ایران نبود و این کمک را به خزانه مالی ایران نمیکرد شاید وضعیت دیگری پیش می آمد بالاخره مستر شوستر رفت و وقتیکه بنده رئیس الوزرا بودم به مستر گلدمن صحبت کردم به سفارت امریکا دستور دادم که ما یک مستشارانی را از امریکا می خواهیم برای امور اقتصادی و بانک ملی در همان موقعی که از دولت هجدهم برای ژاندارمری مصمم شدم یک عده صاحب منصب استخدا مکنم بعد از رفتن بنده و مواجه شدن مملکت با یک امور اقتصادی غیر مطلوبی سبب شد که دوره چهارم مجلس شورای ملی تصمیم گرفتند که از امریکا مستشارانی بیاورند مستشاران مالیه آمدند د کتر میلیسو و هیئتیی که بود بنده در آن موقع در این مملکت نبودم لیکن آنچه شنیدم مجلس شورای ملی و اکثر مردم از خدمات د کتر میلیسو در آن زمان راضی بودند . د کتر میلیسو از ایران رفت چرا رفت ؟ این یک حقیقتی است که باید بدانیم د کتر میلیسو بواسطه تربیت فکری و اعتمادی که ملت ایران و مجلس شورای ملی ایران باو اظهار کرده بود نخواست در ایران بماند تا در یک جریان هائی که بعقیده او مخالف مصالح اقتصادی یا مالی مملکت است شرکت کنند و گمان میکنم همه آقایان تصدیق خواهند فرمود که اگر د کتر میلیسو حاضر شده بود یک میرزا بنویسی بشود دلیلی نداشت از ایران برود این رفتن او در آن موقع از ایران دلیل علاقمندی او بملت ایران و مصالح ایران بود و بنده گمان میکنم آقایان نمایندگان موافق هستند که از خدمات د کتر میلیسو در آن موقع تقدیر بفرمایند (صحیح

است) اینجا يك نکته مهم دیگر را هم باید عرض کنم زیرا پررئوز صحبت شد آیا ما در ایران اشخاصی داریم که کار امریکائی‌ها را بکنند یا نه؟ آیا رجال لایق و آزموده هستند یا نه؟ این نکته را میخواهم خدمت آقایان توضیح بدهم که در آن زمان (چون بنده حالا تازه آمدم و شاید صلاحیت نداشته باشم) راجع به قضایای چندی چون که مطالعات بسیار عمیقی نکرده‌ام چیزی عرض کنم ولی آن موقع یعنی بیست و هفت هشت سال یا سی سال پیش قصد ما از احضار مستشاران امریکائی دو نظر بود یکی نظر فنی یکی نظر شهامت. یعنی چه؟ شاید ما در آن موقع در ایران داشتیم رجال و اشخاصی که معرفت داشتند میتوانستند کار مالیه یا سایر کارها را هم اداره کنند لیکن حاضر بودند که در يك کرسی بنشینند و در مقابل يك خواهشی بگویند نه. به بینید يك نکته خیلی مهمی است قصد ما این بود که يك اشخاصی باشند که مجلس شورای ملی بآنها هم اعتماد داشته باشد و وقتی که مجلس شورای ملی بآنها يك اجازه و اختیاری میدهم مقید باشند که آن نظر و اختیار را حفظ کنند و اگر وزیری اگر مدیر اداره اگر يك مقام دیگری يك خواهشی يك تکلیفی از او کرد بگوید نه حالا بنده نمیدانم آیا در ایران چنین اشخاصی در مدت‌های اخیر بودند یا نه؟ البته بعقیده بنده در ایران هستند بن-پیرها بین جوانها اشخاصی که بدون شك دارای معرفت هستند و دارای اطلاع هستند دارای بصیرت هستند حالا ما میخواهیم اینها را بیاوریم سر کار موضوع اول این است که ما بآنها اختیار بدهیم یا خیر؟ یعنی زیر بار خواهیم رفت که بآنها يك اختیاری بدهیم یا نه تازه وقتی که ما اختیار دادیم آنها حاضرند که حقوق و صلاحیت و اقتدار و اختیار خودشان را بکار ببرند یا خیر؟ این دو نکته مهم است تا ما این قضیه را حل نکنیم نمیتوانیم مسئله مستشاران خارجی را حل کنیم بنده شخصاً معتقد نیستم که ما باید يك مستشاری اختیار بدهیم ولی باید از فکر يك مستشار و از معلومات و تجربیات او استفاده کنیم لیکن اگر این استفاده فکری وقتی را هم کردیم چه کسی اجرا کننده خواهد بود؟ کی مجری

کار را مجلس شورای ملی کرد البته هر وقتی که در اطراف این موضوع بحث بشود يك مطالعات دقیقتری میشود. ولی آنچه من تشخیص میدهم این است مردم ایران بعد از بیست سال يك حکومت جور و ظلمی چشمشان باز شد نمی فهمیدند کارهای مملکت در چه حال است؟ رشته امور در دست کی است؟ خزانه در چه حالی است؟ بالاخره يك حالت حیرت زدگی بهمه دست داده بود گمان میکنم در آن موقع اگر رجال و کسانی بودند که در خود قدرت و توانائی اصلاح امور مالی ایران را میدیدند و پیش می افتادند و میگفتند ما هم هستیم مجلس شورای ملی هم مجبور نمیشد از امریکا مستشار بیاورد کسی نیامد کسی نگفت پیشنهادی نشده از جوانها نه از پیرها مجلس شورای ملی در این حیرت زدگی تنها راه علاج را در جلب مستشاران امریکائی دانست حالا برویم سر موضوع از اظهاراتی که در چند جلسه اخیر مجلس راجع بهیئت مالی امریکائی در ایران شده است.

شخصاً متأسف هستم و اصولاً با هر گونه آنها می نسبت بهر فردی اگر قبل از رسیدگی کامل در پشت تریبون مجلس اظهار شود مخالفم انتشار این مسائل شاید در جراید مفید و لازم باشد ولی مجلس شورای ملی نباید به عقیده بنده يك کسی را متهم کند و آن کس اجازه داشته باشد فردا پشت کرسی خودش بنشیند. مقام مجلس شورای ملی اقتدار مجلس شورای ملی عظمت مجلس شورای ملی طوری است که چیزی که گفته میشود اگر اکثریت قبول کرد فوری باید ترتیب اثر داده شود و باید مجرم و مسئول را از پشت صندلی که نشسته است برداشت و در انداخت به عقیده من موضوع هیئت مالی امریکائی همانطوریکه نماینده محترم آقای کاظمی پیشنهاد فرمودند از طرف مجلس در کمیسیون مخصوصی مورد بررسی کامل قرار گیرد و از این نقطه نظر آیا اگر بدادن پیشنهاد اکتفا و پس از بررسی کمیسیون و مراجعه به آقای دکتر میلسپو نظریات به عرض مجلس رسیده بود به مراتب بهتر بود حالا آنچه گفته شده گذشته است يك صحبت هائی ما کرده ایم البته باید هم تحقیق کرد چونکه در بعضی جاها نه اینجا بلکه در خارج

بعضی از اشخاص گفته میشود آقای دکتر میلسپو دارای يك سوء نیتی است بنده معتقدم که دکتر میلسپو ممکن است اشتباه کرده باشد خبط کرده باشد غلط هم کرده باشد همه اینها ممکن است ولی سوء نیت غیر معقول است يك امریکائی که در ده سال ۱۵ سال پیش امتحان خدمتگزاری را داده است و حالا در موقع جنگ دعوت ملت ایران را قبول کرده است از مسافت بعدی با تحمل مخاطرات جنگی بایران آمده به خیال خدمت بنده گمان نمیکنم سوء نیتی داشته باشد یا بطوری که میگویند مأموریت خرابی این مملکت را داشته باشد بنده گمان میکنم وظیفه وجدانی ما است که از این شایعات بی‌مأخذ جلو گیری کنیم (صحیح است) اکنون باید تحقیق کرد و رسیدگی نمود فرض کنیم اینها که گفته شد همه اش صحیح است باید دکتر میلسپو را خواست و از او پرسید اظهاراتش را شنید پس از شنیدن اظهارات و توضیحات او البته آنچه مجلس شورای و آقایان نمایندگان تشخیص دادند بنده گمان میکنم اطاعت تصمیمات مجلس را خواهند کرد دکتر میلسپو و میسیون امریکائی تابع تصمیمات مجلس شورای ملی هستند زیرا او مستخدم دولت و ملت ایران است (صحیح است) راجع به اعضای میسیون امریکائی یعنی میسیون دکتر میلسپو هیئت مالی امریکا از دو نوع کارمند تشکیل شده است یکی آن هائی که در امریکا استخدام شده‌اند و یکی آن هائی که در ایران استخدام شده‌اند **مهندس فریور** - آن اولیها برگشته‌اند.

سید ضیاء الدین - شاید. اطلاعات بنده این است که عرض میکنم حتی من شنیده‌ام بعضی از این آقایان در ادارات دولتی امریکا عهده دار مشاغل مهمی بوده‌اند و چون امریکا مایل بوده است بایران اشخاص صلاحیت دار بفرستد از آنها تقاضا نموده از مشاغل خود استعفا داده و بایران بیایند از طرف دیگر من بی نهایت متأسفم که در پشت تریبون مجلس این اظهارات شدو گفتند (در این موقع از روی ورقه خوانده شد) که يك دولت ثالثی در این مملکت باشد از بظر سیاست و يك کارهائی بکند همه متفق بودند آیا این نظر عملی شد

(بعضی از نمایندگان - ابدأ) آیا این مجلس که مستشار را تصویب کرد پرسید از آن دولت که این عده را که میآورید از دولت امریکا می آورید دولت امریکا این شخص را معرفی کرده است ؟ بنده گمان میکنم مجالس شورای ملی هر وقت مستشاری از يك مملکت آورده اند نخواهند از دولت آن مملکت بیاورند اگر هم مراجعه بدولت آن مملکت که مستشار از آنجا خواستند شده باشد فقط از نقطه نظر تحقیقات راجعه بسابقه این شخص بوده است پس ما از دولت امریکا مستشار نخواستیم و نخواهیم خواست ما از ملت امریکا خواستیم و اگر مراجعه هم شده بدولت امریکا فقط برای تشخیص صلاحیت و حسن سابقه و معرفت مستشار است نه اینکه از طرف دولت باشد ما همیشه از ملل میخواهیم منتهی البته چونکه ما در امریکا با در بزرگ با در فرانس نیستیم برای وثیقه و معرفت بهویت آن شخص يك اطلاعاتی را که بطور دوستانه تقاضا می کنیم خواستیم بنده این را توضیح بدهم که ما از هیچ دولتی مستشار نخواسته ایم و حتی یکمرتبه هم که دولت انگلیس متعهد شده بود که بایران مستشار بدهد مستخدم بدهد ما آن قرارداد را هم ملغی کردیم (صحیح است) و یکی از علل الفاء قرارداد ایران و انگلیس همین بود که دولت انگلیس میخواست به ایران مستشار بفرستد (صحیح است) پس ما این مستشارانی را که خواستیم از دولت امریکا نخواستیم بلکه از ملت امریکا خواستیم البته راجع بهویت آنها از دولت امریکا يك تحقیقاتی کردیم و اما اینکه هیئتی که با دقت لازمه انتخاب شده است موفق نگردد طبق انتظارات ما کارهای محوله را انجام بدهد نباید فراموش کرد که در مدت بیست سال سیاست اقتصادی و تجاری و مالی ما کاملاً غلط بوده است و شاید یکی از اسباب استعفا و دوری آقای دکتر میلیسپو در ۱۵ سال قبل پیش بینی از سیاست و رویه دولتهای گذشته بوده است در مدت بیست سال تمام ثروت ملی ایران صرف مخارج غیر منتج و باطلت احوال پرورد و کتیف شد یعنی یا بکلی دور ریخته شد مثلاً درباره راه آهن وقتی که بتاریخ ساختمان راه آهن این دنیا مراجعه بفرمائید ، خواهید دید که يك شر کشانی

تشکیل دادند و يك قرضه هائی کردند و بوسیله قرضه داخلی یا خارجی يك راه آهنهائی کشیده است ما آمدیم از نان مردم از خوراك مردم از چای مردم از قد مردم پنجاه میلیون لیره صرف راه آهن کردیم و امروز هم نمیدانم شاید سالی چندین میلیون تومان خرج نگاهداری آن میکنیم این خودش يك سرمایه است البته لكن سرمایه غیر منتج سرمایه ای که از وجود او ملت یا دولت یا مملکت از نقطه نظر مالی یا اقتصادی نمیتواند استفاده کند در ایران از روی عدم آشنائی اصول اقتصادی و مالی این عمل انجام شد و نتیجه این سیاست غلط بحرانی است که ما امروز مشاهده میکنیم در جنگ هیجده ۱۹۱۴ بنده خوب یادم است بازارهای ایران ملو بود از امتعه تجارتی تجار بطمع نفع یا بامید نفع هر چه میتوانستند مال التجاره آوردند و بازارهای ایران را پر کردند جنگ که شد سه چهار سال هم طول کشید ملت ایران بده يك مشکلاتی که امروز با آن روبرو شده است مواجه نشد (صحیح است) این انحصارات و محدودیتها همه قبل از میسیون امریکائی بوده است و نمیتوان مشکلاتی را که امروز فراهم است تمامش را از میسیون امریکائی دانست قبل از آنها هم بوده است.

روحی - منتها اینها را آوردند اصلاح کنند.

سید ضیاءالدین - حالا عرض میکنم ایران در درجه اول يك کشور کشاورزی است و اگر در بیست سال اخیر نصف پولهای که تلف شد برای توسعه کشاورزی بمصرف رسیده بود ما قطعاً دوچار چنین بحرانی نمیشدیم سیاست غلط ۲۰ سال اخیر بحران فعلی را بوجود آورد و پيش آمدهای جنگ شروع این بحران را تسریع نمود حال بنظر من منطقی نمي آید اگر ما از هیئت مالی امریکائی انتظار داشته باشیم در ظرف یکی دو سال آنها در زمان جنگ غلط های بیست ساله ما را جبران کنند هیچ هیئتی در هیچ نقطه دنیا قادر نخواهند بود چنین امری را انجام بدهد. آقایان نمایندگان نباید فراموش کنند که قبل از آمدن میسیون امریکائی دولت برای پرداخت اضافه حقوق مستخدمین از

ذخیره کشوری استفاده نمود و گویا مبلغ چهل میلیون تومان هم از اعلیحضرت شاه وام گرفت .

بنده در طهران نبودم ولی شنیدم ساعت چهار بعد از نصف شب قشون متفقین وارد ایران شدند و خواص طهران ساعت ۱۰ صبح یعنی دو بظهر مانده مطلع شدند و ظهر در طهران نان نبود من نبودم ولی شنیدم .

مهندس فریور - نه اینطور هم نبود . روز بعدش بود .
طباطبائی - سه روز بعدش نبود بسیار خوب بنده حالا نمیخواهم وارد در جزئیات بشوم که افراد ارتش در گوشه و کنار مملکت افتاده بودند و نان نداشتند بخورند (صحیح است) این ها بود در پست و تلگراف شما که مستشار امریکائی نیست ولی تلگراف از اینجا بقم چهارده روزه و کاغذ پانزده روزه میروند این خرابی در همه جاهست (صحیح است) اگر گفته شود میسیون امریکائی یکی از عوامل خرابی است این يك حرفی است ولی بطور قطع نمیشود گفت میسیون امریکائی عامل تمام خرابی مملکت است (صحیح است) اگر ما يك حقایقی را نگوئیم و کشف نکنیم بخودمان و با فکر عمومی و بصفت قدر شناسی ملت ایران خیانت کرده ایم .

فاطمی - کسی هم این ادعا را نکرده است .

سید ضیاءالدین - بلی حالا توضیح میدهم . در ثانی کارمندان هیئتی که از امریکا بایران آمدند البته بوضعیت اقتصادی و مالی ایران و امروز آشنائی کامل نداشتند و این عدم آشنائی گمان نمیکنم برای آنها تقصیری شناخته شود زیرا بالاخره مجلس و دولت ایران تصمیم گرفتند امور مالی و اقتصادی ایران را با مشورت بایک هیئت خارجی تنظیم و درست بکنند کارمندان بیگانه هیئت باید البته مدتی در ایران بمانند تا آنطوریکه باید و شاید بامور مالی و طرز کارها آشنا بشوند هیئت فعلی اکنون تا اندازه بامور آشنا شده است در اینصورت ما چرا این هیئت را پس فرستیم و هیئت دیگری بیاوریم که تمام کارها را از سر شروع کند تا در حین عمل به چگونگی و معضلات امور آشنا بشود بحرانهای مالی و اقتصادی چیزی نیست که در یکی دو سال مرتفع بشود مگر آقایان

فراموش کرده اند که بحرانهای مالی و اقتصادی در آلمان و انگلستان که ناشی از جنگ گذشته بود سالها بطول انجامید و چون حل نشد بالاخره منجر بجنگ فعلی شد و برای حل این موضوع جنگ دیگری شد نظر باینکه مملکت ایران يك مملکت کشاورزی است امیدوار هستیم بحران ما زودتر خاتمه پیدا کند ولی بالاخره صبر لازم است و اما کارمندی که در ایران برای هیئت مالی امریکائی استخدام شدند باز بدو قسمند یکی کارمندان خارجی و یکی کارمندان داخلی - در انتخاب کارمندان خارجی که در ایران استخدام شدند آقای دکتر میلیسپو قطعاً دچار اشتباهاتی شده اند و اگر عجله نکرده و داوطلبان خارجی را با دقت زیاد تری انتخاب یا آنکه اصولاً همه همکاران خود را از امریکا خواسته بودند بالاتر دید کمتر مواجه با اشکالات میشدند ولی تصور نمیکنم مانعی داشته باشد که بمحض اینکه این نوع کارمندان هم عدم صلاحیت خود را در عمل نشان دادند از مشاغل خود منفصل شوند اما کارمندان ایرانی البته در انتخاب کارمندان ایرانی اشتباهاتی شده است ولی من نمیدانم مسئول این اشتباهات آقای دکتر میلیسپو و یا وزرای وقت بوده اند .

فاطمی - آقا وزراء چه تقصیری دارند ؟

سید ضیاءالدین - حالا عرض میکنم اجازه بدهید من سؤال میکنم حالا تصدیق خواهید کرد يك کمی صبر کنید آیا وزیران وقت ایرانیان لایق و کارشناس و صالحی را بدکتر میلیسپو پیشنهاد کرده و دکتر از استخدام آنها خود داری نمود ؟ بگوئید آیا آقایان وزراء کردید و او امتناع کرد البته او مقصر است ولی اگر ایرانیان لایق را ایرانیان درستکار را ایرانیان کار آگاه را بدکتر میلیسپو معرفی نکرده باشید من نمیدانم آیا تقصیر بدکتر میلیسپو است ؟ یا با بنده .

یکی از نمایندگان - با بیات است (خنده نمایندگان)

سید ضیاءالدین - بلی ؟

دکتر طاهری - هیچ بفرمائید آقا بفرمائید .

و یا آنکه چون وزراء از معرفی چنین اشخاص خود داری

نمودند د کتر ناچار بود هر کسی را که داو طلب همکاری با میسیون شد بپذیرد اگر قبل از ورود هیئت مالی ایرانیان لایقی در نظر گرفته شده بودند البته اشکالات راجع بهمکاران ایرانی میسیون پیش نیامده بود و اما اینکه گفته شد کارمندان خارجی از حیث تعداد زیاد هستند من گمان نمیکنم ما بتوانیم از یکطرف وظایف بسیار دشواری بشخص و یا باشخص و اگذار کرده و از طرف دیگر باین سهولت به نظریه او یا آنهاحتی راجع بتعداد همکاری را که باید داشته باشد اعتراض کنیم. يك شخصى مسئولیتی را بعهده میگیرد باید تا اندازه هم آزادی عمل داشته باشد بالاخره گفته شد مجلس سیزدهم قانوناً حق نداشته است اختیارات معینی را به د کتر میلیسپو تفویض کند من نمیگویم که این اقدامی که شده است خوب است و نمی گویم که بد است داخل در این جزئیات نمی شوم فقط از نظر حقوقی و قانونی يك قضیه را میخواهم حل کنم بنده شخصاً هیچ معتقد نبودم که يك اختیاراتی بمستخدمین خارجی باندازه داده شود که دست و پای دولت یا مجلس یا وکلای ملت را ببندد و این توضیح را که دادم فقط از نقطه نظر حقوقی و قانونی بود.

تا اندازه ای که من اطلاع دارم قانون اساسی ایران اقتباس از قوانین اساسی ممالک دمکراتیک اروپا میباشد اگر مثلاً پارلمان فرانسه میتواند در بدو جنگ اختیارات تامی بدولت فرانسه بدهد بچه دلیل ما نمی توانیم اقدامات متشابهی بکنیم؟
رفع - حق قانونگزاری با مجلس است آقا و قابل انتقال هم نیست.

سید ضیاءالدین - اجازه بدهید آقای قائم مقام برای مزید اطلاع جنابعالی عرض بکنم امروز ملت انگلستان بچرخید ملت آمریکا به روزولت ملت اتحاد ممالک شوروی به کمیسرها اختیار میدهد که در هر موقع هر قانونی را که مربوط بجهان و مال و حیات ملت باشد بنام مصونیت مملکت وضع کند.

فداکار - آنجا روی قانون اساسی خودشان است نه روی قانون اساسی ما.

سید ضیاءالدین - بگذارید حرفم را بزنم توضیح میدهم وقتی در ممالک انگلیس و آمریکا یا سایر ممالک دمکراسی این کار میشود اصولاً یا قانوناً یا حقاً بوده است حالا اگر آقا میخواهید مخترع اصول دمکراسی جدیدی باشید بنده مخالفتی ندارم بلکه دیگران را هم هدایت کنید ولی همانطور که عرض کردم من طرفدار دادن اختیار نیستم و فقط خواستم بگویم که مجلس سیزدهم را نمیتوان متهم کرد که کار خلاف قانون کرده است مجلس فلج شده بود مجلس نمیتوانست کاری بکند کسی هم نبود بین ایرانیها از رجال شما از جوانهای شما از پیرهای شما که بیداد پیشنها د اصلاحاتی بکنند.

ایرج اسکندری - فراوان بود.

سید ضیاءالدین - اجازه بدهید این بود که مجلس کرده و گفت آمریکائیها بیداد آنها هم گفتند ما میائیم کار میکنیم با این شرط پس بنده عرض نمیکنم خوب بود یا بد بود میگویم در موقع استیصال و در موقع فلج شدن کارهای مملکت نمی توان بمجلس سیزدهم ایرادی کرد که کار خلاف قانونی کرده است والا بنده در دوره سیزدهم نبودم علاقه به مدافعه از آن آقایان ندارم ولی میگویم حسن نیت داشته اند و ضمناً هم خواستم يك مسئله حقوقی و قانونی را حل کرده باشم.

آقای هاشمی - الا آن يك یادداشتی به بنده نوشته اند که مجلس سیزدهم حق قانونگزاری را به کسی نداده است و در آنجا تصریح شده است که در حدود قوانین موضوعه کار کند (صحیح است) بسیار خوب پس اگر هم بنده يك توضیحی در این باب دادم خیلی متأسف هستم که آن نماینده محترمی که این جایستاد و بمجلس سیزدهم توهین کرد آقای هاشمی چرا این توضیحش را آنوقت نداد که بنده بحال این موضوع مجبور باشم تا رفع شبهه بکنم در هر حال بعقیده من نمی بایست این هیئت مالی فعلی را بدون اقامه دلیل کافی وقانع کننده از مشاغل معزوله منصرف کرد ما حق نداریم عالترین مصالح کشور را باین ساده گی بمخاطره بیندازیم من گمان میکنم

پس از جنگ آمریکا زباده تر از هر دولتی میتواند احتیاجات مادی و معنوی کشورهای ضعیف را مرتفع بکند بنا بر این باید آقای د کتر میلیسپو رادعوت کرد يك کمسیون در تمام شعب همانطور که آقایان مقتضی میدانند تشکیل بدهند تمام اعتراضات تمام نسبت هائی که بمیسیون مالی داده می شود باید يك بيك تذکر داد و گفت و از او جواب خواست و باید فهمید اصولاً میسیون آمریکائی و د کتر میلیسپو یکی از عوامل وضعیات امروزه است یا خیر؟

د کتر عبده - یکی از عوامل است.

سید ضیاءالدین - بسیار خوب اگر یکی از عوامل است تا چه درجه او مسئول است و تا چه درجه ما شرکت کرده ایم در عدم موفقیت او پس از اینکه این قضایا روشن شد و ما فهمیدیم البته هر تصمیمی را که مجلس شورای ملی مقتضی بداند راجع بمیسیون مالی آمریکائی باید اتخاذ شود والا بنده گمان میکنم با جگر و جنجال و با هیاهو يك میسیون را از ایران طرد کردن شایسته شئون مجلس شورای ملی و ملت ایران نباشد (صحیح است) و بنده عقیده و یقین دارم که هیچيك از نمایندگان دارای این نیت نیستند و آنچه بنده عرض میکنم خیال میکنم نظر آقایان نمایندگان باشد ولی اجازه بدهید اگر بنده دارای يك اطلاعات خارجی باشم و يك وسائلی داشته باشم و محرك گفتار بنده آن وسائل و آن مسموعات باشد بر بنده اعتراض نخواهند نمود (صحیح است) و البته این را هم تشخیص میدهند که در يك موقعی که مردم بدبخت برهنه گرسنه بیچاره و مستأصل هستند و خیال میکنند تمام این بدبختیهای آنها و فلاکت آنها از میسیون آمریکائی است آمدن و مدافعه کردن از میسیون آمریکائی برای بنده البته و جاهتی باقی نمیگذارد این را تشخیص میدهم ولی در عین حال خیال میکنم مصالح ملی و وظیفه من در تنویر فکر آقایان مرا وادار میکند که اندیشه نداشته باشم و آنچه را که معتقد هستم در مجلس شورای ملی و در پیشگاه آقایان عرض کنم (صحیح است) برای این که تصور نشود بنده میخواهم نفهمیده

و نسنجیده از میسیون مالی د کتر میلیسپو يك مدافعتی کرده باشم يك اطلاعاتی دارم که خدمت آقایان عرض میکنم در ایران تقریباً ۲۰ یا ۲۵ تا کارخانه است عددش را درست نمیدانم و این ها مواد خامش را میگیرند بعد میسازند و به مردم میدهند پنبه و پشم را میسازند و بمردم میدهند مصرف مواد خام کارخانهجات در سال بالغ بر ۲۴ هزار تن پنبه و پشم است. و محصول اینها از نظر قیمت بیش از سیصد ملیون تومان میشود.

فاطمی - چهل هزار تن.

سید ضیاءالدین - فعلاً امسال بیست هزار تن پنبه برده و چهار هزار تن پشم سابق را بنده نمیدانم شاید این طور بوده و امسال بدوازده هزار تن رسیده است بنده امسال کوشش کردم... آنچه عرض میکنم از روی يك اطلاعات و مدارك صحیحی است قیمت مواد خام صد ملیون تومان است قیمت ساختنش و به عمل آوردنش هم صد ملیون تومان قیمتی که میباشد قاعده از روی اصول تجارتي بفروش برسد سیصد ملیون تومان است این بدست مردم میرسد چهارصد پانصد ششصد هشتصد نهصد هزار ملیون تومان نمیدانم خدا میداند چقدر میرسد بدست مردم قطعاً این از حسن اداره مأمورین آقای د کتر میلیسپو نبود اگر از حسن اداره بود اینطور نمیشد ولی حالا باید فهمید آیا حقیقه تقصیر با کیست؟

ملك مدنی - تقصیر دولت است آقا که نتوانسته است کار را اداره کند.

خلاصه بنده مطالب زیادی داشتم ولی بنده می بینم که خیلی از آقایان نمایندگان میخواهند صحبت کنند و بنده کوتاه می کنم عرایض خودم را و باین جا ختم می کنم بنده گمان میکنم که هر يك از آقایان نمایندگان وقت و فرصت خواهند داشت در هر موقعی که میخواهند هر موضوعی را در مجلس بدولت تذکر بدهند وزراء را احضار کنند و آنچه لازم است خاطر نشان نمایند بنابراین در این مورد اگر خیال میفرمائید مذاکرانی که شده است کافی است

که هیچ واگر هم کافی نمی دانید آنهم البته بسته بنظر خودتان است بنده با اینکه مذاکراتم کافی نیست راجع بامور ولایات و انجمن های ایالتی و ولایتی راجع باملاک و اگذاری راجع بدادگستری راجع بهزارها بدبختی های دیگر نیز عرایضی دارم که ۵ ساعت و ۱۰ ساعت باید عرض کنم عرض هم میکنم و مسلماً هم یک روزی عرض خواهم کرد ولی فقط از نقطه نظر اینکه خیال میکنم هر چه زودتر تکلیف هیئت دولت روشن بشود در درجه اول میگویم و قطعاً هم امیدوار هستم که تکلیف آقایان روشن بشود آنوقت تکلیف این نان و این بدبختی و فلاکت مردم هم روشن خواهد شد و همانطور که عرض کردم خود آقایان بهتر میدانند مجلس شورای ملی در هر لحظه اختیار و اقتدار دارد که تمام هیئت دولت یا هر یک از وزراء را که بآنها اظهار عدم اعتماد بکنند از کار خارجشان بکنند بنابراین اگر آقایان مقتضی بدانند این قضیه را زودتر روشن کرده باشیم و بکارهای مهمتری بپردازیم و وقتی آقایان در آتیه ملاحظه فرمایند لوایح قانونی راجع باصلاحاتی که منظور نظر بنده است پیشنهاد و تقدیم خواهم کرد و به بنده هم فرصت خواهند داد که دوروز سه روز بیایم این جا صبح و عصر بایستم و صحبت کنم ولی فعلاً قصد بنده از این اظهارات فقط این است که بکارهای فوری و فوئی و آنی بپردازیم و تکلیف دولت را روشن کنیم از این جهت بیش از این دیگر عرضی نمیکنم (آفرین - احسنت)

دکتر مصدق - اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - بفرمائید.

دکتر مصدق - ماده ۱۰۹ نظامنامه را بخوانید.

ماده ۱۰۹ - اگر در ضمن مباحثات و نطق اقترای بهمتی به یکی از نمایندگان زده شود یا عقیده و اظهار او برخلاف واقع جلوه داده شود (دکتر مصدق - منظورم همین قسمت است) و نماینده مذکور برای تبرئه و رفع اشتباه اجازه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد.

بیاورند. مستشار ضامن میخواهد اگر شما يك نوکری بخواهید استخدام کنید از يك شخص مطلعی میپرسید که این اخلاق و احوالش چه جور است کجا بوده و چه میکرده پس از تحصیل این اطلاعات او را استخدام میکنید پس يك مستشاری که شما میخواهید بیاورید و مالیه مملکتانرا بدست او بسپارید که اداره کند این نباید کمتر از يك آدم عادی باشد که هیچکس او را نشناسد و بروند يك شخص غیر معروفی را بیاورند که هیچکس هم ضامن او نباشد بنده این نظریات را در باره دکتر میل سپوعرض نمیکنم چون او شخص معروفی است ولی جواب آقایان را عرض میکنم که میفرمایند مستشار را از دولت نمیخواهند و از ملت میخواهند ملت کیست؟ الا آن يك کسی بخواهد از توی ملت ایران يك مستشار بخواهد خوب این میآید میگردد توی این وزارتخانه توی آن وزارتخانه بالاخره دست یکی را میگیرد و میبرد؟ اینطور که نمیشود. این يك ضامن میخواهد، معرف میخواهد، همینطور که نمیشود بروند بکنفران بیاورند و بگویند این مستشار است آخر ضامن او کیست؟ معرف او کیست؟ هیچکس؟ بنده که این را نمیدانم و معتقدم اگر مستشار میآورند ضامن مستشار همان دولت متبوع اوست بنده با دکتر میل سپو امروز مخالف نیستم بنده با دکتر میل سپو در عصر پهلوی مخالف بودم. در وقتیکه پهلوی در این مملکت همه مردم را غارت کرد و وقتی که پهلوی تمام آن بلیات را بر سر این مردم آورد همان پهلوی که خودش در منزل من با حضور تقی زاده مخبر السلطنه و حسین علاء اقرار کرد که مرا انگلیس ها آوردند و شما در این مجلس گفتید که پهلوی را من آوردم و بشما دادم الحمد لله وزیر و وبال پهلوی را بگردن گرفتید.

سید ضیاء الدین - جنابعالی وزیر خارجه اش بودید.

دکتر مصدق - بین صحبت من حرف نزنید. بلی خیلی متشکرم که امروز در آن جلسه خودتان ثابت کردید که پهلوی به این خوبی را من بشما دادم و امروز معایب پهلوی را مورد مذاکره قرار دادید.

نایب رئیس - آقای دکتر از پائین نوشته اند که این

نایب رئیس - توضیح بفرمائید اما بطور اختصار.

دکتر مصدق - به اختصار نمیشود. چون مربوط به مصلحت کشور است باید به تفصیل صحبت کنم نمیخواهید اصلاً حرف نمیزنم (بطرف صندلی خود حرکت نمودند) (جمعی از نمایندگان - بفرمائید بفرمائید) مجدداً پشت کرسی خطابه حاضر شدند. آقای آقا سید ضیاء الدین تصور کرد که دکتر مصدق در این مجلس نیست خیر من هستم و در مقابل شما می ایستم و مطالب شما را تکذیب میکنم و عقاید شما را رد میکنم. من به قانون اساسی قسم خورده ام که به این مملکت خدمت کنم و خیانت هم نمیکنم و هیچ چیز هم بر خلاف حقیقت نمیگویم. اول اینکه فرمودید در این مملکت کسی نبود که داوطلب کار بشود من داوطلب کار شدم. من حاضر شدم که وزارت مالیه را منظم کنم. من حاضر شدم که اصلاحاتی در امور مالی این کشور بکنم. مجلس چهارم بمن سه ماه مهلت داد که در ظرف این سه ماه تشکیلات مالیه را به معرض آزمایش بگذارم و به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنم متأسفانه دو ماه و ده روز بیشتر طول نکشید که مرا از کار برداشتند و تمام اعمال مرا بکلی از بین بردند و مرا در نزد عموم هموطنانم خجل کردند چرا؟ بجهت اینکه هر مصلحی اول باید خراب کند بعد آباد کند. من خراب کردم ولی مجال آبادی بمن ندادند پس من اول کسی بودم که مقدم برای اصلاحات شدم ولی مجلس چهارم نسبت بمن واقعاً منصفانه رفتار نکرد. این جواب قسمت اول فرمایشات شما. اما قسمت دوم که فرمودید تا کنون کسی مستشار از دولت دیگری نخواست است و مستشار را از ملت می آورند و من اگر عرض کردم از سر هوا آوردند آقا این حرف بنده را خیلی کوچک گرفتند خیر آقا جان مستشار از دولت می آورند مسیو بیزوانسپکتور ژنرال مالیه فرانسه بود و مسیو بیزوا از دولت فرانسه خواستیم و دولت فرانسه او را فرستاد میخواهید تحقیقات بکنید تا حقیقت معلوم بشود و من عقیده ندارم که مستشار را از يك ملتی همینطور ندیده و شناخته

مذاکرات از موضوع خارج و جنبه خصوصی دارد.

دکتر مصدق - بسیار خوب. اگر اجازه نمیدهند پس من صحبت نمیکنم.

دکتر عبده - قبل از شروع بعرض یادداشت هائی که دارم از این جریانی که بین دودرسیاسی که تقریباً در هر جلسه پیش میآید اظهار تأسف میکنم (صحیح است) و بنده که يك جوانی که تازه کار هستم مایل بودم که این دودر بزرگوار نمونه بهتری برای جوانهائی که وارد در صحنه سیاست شده اند باشند و يك اثری از خودشان برای سایرین بعنوان نمونه و سرمشق بگذارند. آقایان مملکت کارهای مهمی در پیش دارد و نمی بایست وقت مجلس صرف این حرفها بشود. بنده نه از این دسته هستم نه از آن دسته ولی واقعاً از این جریانات پی در پی که جنبه شخصی دارد اظهار تأسف میکنم و امیدوارم تکرار نشود (صحیح است)

فریاد - مجلس بی مبارزه نمیشود آقای دکتر عبده

اقبال - این مبارزه نیست آقا مبارزه شخصی و خصوصی است.

دکتر عبده - از روزیکه بنده وارد کاریر سیاسی گردیده و از طهران انتخاب و وارد مجلس شدم بعد از بررسی چند هفته دیدم که بر سر دو راهی عجیبی واقع گردیده ام یا میبایستی همان طوری که عادت ما بوده است سیستم باری بهر جهت و مسامحه و رعایت و دوستی هارا مورد نظر قرار دهم یا میبایستی در رویه سیاسی که اتخاذ میکنم صاف و راست و با صراحت لجه باشم و نظریاتی که داریم بعرض همکاران محترم برسانم بنده رویه ثانی را انتخاب کردم (صحیح است احسنت) و علم قطعی دارم که با اتخاذ این رویه ممکن است مورد کله مندی و شکایت هم واقع بشوم (ابداً ابداً) ولی تصور میکنم مصالح مملکت مافوق شخصیات و مافوق دوستی است. و قتی که اسم جناب آقای ساعد برای نخست وزیری برده شد من اظهار تمایل کردم ولی در فرا کسیون منفردین بوسیله چند نفر از نمایندگان منفرد بعرض ایشان رساندم که ما در صورتی بنظر بنده خودمان باقی خواهیم ماند که دو شرط

رعایت شود یکی اینکه قیافه کابینه تغییر نکند یعنی اکثر کسانی که در کابینه دعوت خواهند کرد از آنهایی نباشد که در طی مدت این دو سال و نیم یا قبلاً متصدی پست وزارت بوده اند عرض دومی هم که بنده داشتم این بود که ما محتاج بوزرائی هستیم که تنها تحت تأثیر مصالح مملکت انتخاب شده باشند بدون اینکه مقاماتی برخلاف قانون اساسی در انتخاب آنها موثر واقع شده باشد و مداخله کرده باشد ما تمهیدات قبلی کابینه را برای اداره امور مملکت انتظار داشتیم و قبلاً کابینه اول آقای ساعد معرفی شد بنده متأسفانه دیدم که جناب آقای ساعد این نظریات بی غرضانه اقلیت مجلس را مراعات نکردند و بهمان جهت هم بنده با کمال صراحت عرض میکنم که با کابینه ایشان مخالف هستم و بنده اگر مخالف هستم بدون منطقی نیست در این جا موافق و مخالف حرفهایی زدند از اوضاع اقتصادی و اجتماعی مملکت شکایت کردند از هرج و مرج اجتماعی که در این کشور حکمفرما است موافقین و مخالفین هر دو بحث کردند و شرح دادند بنده میخواهم عرض بکنم که در این دو سال و نیم بدبختی و بیچارگی اهالی این مملکت را از هر طرف فرا گرفته و احاطه کرده آیا مسئول این بدبختی ها بیچارگی ها فقر و فاقه ناامنی کی است؟ مکر دولتهای گذشته نبودند اگر دولتهای گذشته مسئولیت اوضاع فلاکت بار مملکت ما را داشتند نه تنها شخص نخست وزیر وقت مسئول این هرج و مرج بود بلکه روی اصل مسئولیت مشترک وزراء که در قانون اساسی ما تصریح شده است کلیه آقایان وزیران در این جریان شرکت داشته اند و مسئولند حالا که ما باین نتیجه منطقی میرسیم حالا که وزیرانی را که در کابینه های پیش کم و بیش مداخله داشته اند در ایجاد این هرج و مرج و بدبختی شریک میدانیم نتیجه منطقی این مقدمه این میشود که کابینه ای که اکثر افراد آن از زمامداران گذشته بوده اند و بطور غیر مستقیم موجبات بدبختی ما را فراهم کرده اند سرکار نیاید و بآن اظهار اعتماد نکنیم این عقیده بنده و نتیجه منطقی عرض بنده است این همان موضوعی است که در جلسه خصوصی هم بحث شد وقتی که

هنوز وزراء معین نشده بودند و نظریات زید و عمرو ارسیده بود ما همه همین نظریه را به آقای نخست وزیر اعلام کردیم ولی متأسفانه وزراء معین شدند و طبعاً يك عده راضی هستند و يك عده ناراضی ولی يك عده هم اگر ناراضی هستند از این جهت نیست که نظر خصوصی دارند بلکه معتقدند باین دستگاه زنگ زده هیچ کاری برای این مملکت نمیشود کرد (صحیح است) بنده خیال میکنم که وضعیت بدبختی مملکت ما دیگر بحال اغماض و مسامحه بما نمیدهد ما میبایستی با کمال رشادت عده از زمامداران صالح و فعال را در نظر بگیریم و تا این مملکت را از بدبختی و بیچارگی که در تمام شئون اجتماعی ما حکمفرما شده نجات بدهند آزمایش و امتحان بیش از يك مرتبه معنی ندارد به بخشید خیلی معذرت می خواهم با رجالی که سر کار آمده اند این منظور و این هدف میسر نیست جناب آقای آقا سید ضیاء الدین برای ابراز موافقت خودشان نسبت به دولت دو دلیل اظهار کردند یکی اینکه کسی را برای نخست وزیری در نظر نداریم بنده عقیده مندم این دلیل کافی نباشد برای این که اگر منظور از اداره مملکت همان طرز اداره است که در ظرف این دو سال و نیم داشته ایم بهتر این است که نداشته باشیم و اگر منظور اداره مملکت بمعنائی است که در کشورهای راقیه عمل و اجرا میشود اگر منظور این است که من قول میدهم با این هیئت وزیران مطمئناً و بطور قطع که نخواهیم داشت اما راجع به خطرات ادامه بحران گفتند که اگر ما باین وضع ادامه بدهیم بحران طول خواهد کشید آقایان این وضعی که ما فعلاً داریم تصدیق بفرمائید که از هر بحرانی بدتر است (صحیح است) اگر باور ندارید از خیابان شاه رضا خیابان شاه به اتفاق برویم به جنوب شهر به آن قسمت کودال های انتهای طهران آنوقت خواهید دید که اکثریت مردم تهران مردم ایران مردم شهرستالها در چه بدبختی و بیچارگی بسر میبرند بنده بشخص نخست وزیر اطمینان و اعتماد کامل دارم و ایشان را شخص شریف و با سلامت نفس و پاکدامن میدانم. من به بعضی از وزیران ایشان

که در مواقع مختلفه ابراز شخصیت کرده اند و استقلال خودشان را کاملاً با ثبات رسانده اند معتقدم و میل داشتم که تمام اعضای کابینه ایشان از همان تیپ انتخاب میشدند ولی برای اینکه بی انصافی نکرده باشم این عرض را هم میکنم که در عین حال که عوامل فعالیت در این کابینه وجود ندارد باید این افتخار را هم برای آقای نخست وزیر قائل بشویم که تمام کسانی که در این کابینه شرکت کرده اند مردمانی درست و صحیح العمل هستند اما صحت عمل و سلامت نفس فقط آنهم در این مورد باریک که مملکت ما سر دو راهی خطرناکی است کافی نیست و بنده خیال میکنم این عرض بنده بی مأخذ باشد و تجربه گذشته هم عرایض بنده را تأیید می کند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) آقایان من بدرستی و سلامت نفس خیلی علاقه مند هستم و بیشتر مایل بودم که جناب آقای نخست وزیر که در مدت وزارت خارجه شان خدمات شایانی باین کشور کردند منحصراً در پست خودشان باقی میمانند تا نام ایشان در تاریخ ایران بخوبی ثبت میشد آقای نخست وزیر شما مرد شریفی هستید اما جنابعالی نمیتوانید این بار سنگین را بدوش بگیرید شما هم اگر درست فکر کنید درست دقت کنید شاید قانع بشوید که شما نمیتوانید این بار را به منزل برسانید کما اینکه در حضور چند نفر از نمایندگان فرمودید من خودم رأساً مایل باین کار نیستم من اهالی این کشور را درست نمی شناسم. من اگر عقیده دارم بجنابعالی و اگر میدانم که این بار را تا آخر بمنزل نخواهید رسانید برای این است که طبق نظر خودتان اهالی این کشور را درست نمیشناسید در صورتیکه برای زمامداری قبل از هر چیز میبایستی خوب مردم را شناخت و اگر جنابعالی این کابینه را معرفی کردید برای همین است که مردم را نمیشناسید. اما مخالفت من با برنامه اگر ما کشور پارلمانی بمعنائی داشتیم که در تمام کشورها از آن فهمیده میشود محتاج باین حرفها نبودیم بالاخره هر اکثریتی که سر کار میآید دارای برنامه و دارای مرامی بود و برای نمایندگان مجلس هم کاملاً میسر است که با مطالعه برنامه و مرام آن اکثریت کم و بیش

بخط مشی آن دولت آگاه شود در ایران ما که متأسفانه هنوز حکومت پارلمانی همانطور که آقای آقا سید ضیاء الدین فرمودند کاملاً حکمفرما نیست یعنی متأسفانه ما دارای احزاب قوی نیستیم که در انتخاب نمایندگان مجلس شرکت کنند و انتخاب کنند و بعد دولتی که سر کار میآید از همان نمایندگان باشد تا آن برنامه را بموقع اجرا بگذارد و در برنامه دولت ما باید مسائل مبتلا به روز کاملاً ذکر شود و رویه سیاسی و اقتصادی و اداری آن دولت ضمن برنامه معین می کند اما این جا که این طور نیست ما امروز مسائل مختلفی داریم یکی مسئله مستشاران آمریکائی است بنده به دلایلی که عرض خواهم کرد با آقای آقا سید ضیاء الدین در این مورد موافق نیستم و ایشان فوق العاده هم ارفاق و اغماض بخرج دادند و من امیدوارم که در سایر موارد این قدر ارفاق و اغماض در قضایا نداشته باشند و این دفعه ایشان مقهور احساسات و عواطف شده اند و بنظر من باید در امور مملکت داری و اصول سیاست و اجتماع عواطف و احساسات نقش خیلی کوچکی را بازی کند البته ایرانی مهمان نواز است و کمال تأسف را هم خواهد داشت اگر به بیند که دکتر میلیسپو که در دوره گذشته باین مملکت خدمت کرده است آنطوری که باید با او رفتار نشود و از این مملکت بطرز بدی برود ولی خوب ما بدبختی ها بیچارگی ها را از نزدیک مشاهده میکنیم و نمیتوانیم منکر آن بشویم بنده میخواهم احساسات بخرج بدهم و نظر هم ندارم که راجع بامور مالی و اقتصادی مفصلاً بحث کنم زیرا یادداشت هایی که من دارم خوشبختانه رفقای من قسمت اعظم آنرا بیان کردند و من راجع بآن قسمت ها دیگر اظهار عقیده نمیکنم ولی بیانات ایشان مبنی بر موافقت میلیسپون آمریکائی بنده را وادار کرد که هر چه هست با رقم و عدد و بالاخره با ذکر دلیل مطالب را بعرض آقایان برسانم تا آقایان متوجه باشند که ما صرفاً روی احساسات از آقای دکتر میلیسپو که بکثرت بیگانه است سلب عقیده نمیکنیم ما قبول داریم مثل شما که دکتر میلیسپو سوء نیت ندارد ولی دکتر میلیسپو امروز دکتر میلیسپوی

۲۰ سال پیش نیست. دکتر میلسپو تقریباً ۲۰ سال دارد و قسمت مهم اوقات خودش را در ایران در تب بیماری گذرانده است. دکتر میلسپو دارای همکاران خوب نیست. دکتر میلسپو با برکنار کردن مردمان صحیح العمل و جوانان روشن فکر آنطوریکه باید وظایف سنگینی را که دارد نمیتواند انجام بدهد. دکتر میلسپو روزی باین مملکت آمد که تنها مایک بودجه ۲۰ میلیونی یا ۳۰ میلیونی داشتیم. آنروز هم مسئله خواربار مثل امروز مورد توجه نبود. دکتر میلسپو آمد مالیه کشور را تحت اختیار گرفت و بعداً هم بالاخره بموجب قوانین قسمت خواربار را هم اضافه کردند بطوریکه امروز تمام دستگاه مالی و اقتصادی ما در دست او است مزاج و استعداد او اجازه نمیدهد که این بارسنگین بمنزل برساند اینکه ایشان فرمودند دادن اختیار قانونگزاری بدکتر میلسپو برخلاف قانون اساسی نیست بنده در این بحث حقوقی که آیا مجلس میتواند اختیارات خودش را به هیئت یا شخص دیگری بدهد یا نه وارد نمی شوم. و از این قسمت صرف نظر میکنم ولی در مورد شخص دکتر میلسپو بنده عرض میکنم که این اختیاراتی که داده شده مطابق قانون اساسی نیست مطابق قانون اساسی ما هر روزی نسبت باموریکه مربوط بمشاغل آن وزیر است مسئول است شما آمده اید بموجب دو قانون بدکتر اختیار داده اید و در قانون اخیر که امور مالی و اقتصادی کشور را اداره کند اصلاً برای وزیر دارائی اختیاری قائل نشده اید در قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ که اختیارات مخصوص شخص رئیس مالیه و بموجب قانون استخدام دکتر میلسپو نیز اختیار اداره امور مالی کشور را بدست او سپرده اید و فقط برای وزیر دارائی يك نظارت عالی قائل شده اید و حال آنکه نظارت غیر از اداره است لازمه اداره کردن داشتن حق انعقاد تصمیم است و حال آنکه نظارت بمعنی بازرس و کنترل است بنظر بنده وزیر مسئول در مقابل پارلمان میباشد حق انعقاد تصمیم داشته باشد اگر لول وزیر تنها منحصر شد بنظارت این وزیر نمیتواند مسئول اموریکه مربوط بشخص او و وزارت خواهد بود است و واقع شود بنا بر این با لحاظ این اصل

قانون اساسی و با لحاظ این اختیاراتی که بموجب این قوانین که عرض کردم بشخص دکتر میلسپو داده شده عقیده مندم که باید در این قوانین تجدید نظر کرد و اختیارات ایشان را به موارد معین و خاصی که مصالح کشور اقتضا میکند محدود نمود تصور نفرمائید که صرفاً کلیاتی بعرض میرسانم. خیر من اطلاع دارم که وزیران دارائی ما از وقتی که دکتر میلسپو آمده عملیاتشان منحصر بامضاء کردن اوراقی بوده است که قبلاً بامضای دکتر رسیده است وزیران دارائی شما از موجودی خزانه مطلع نبوده و نیستند (چند نفر از نمایندگان - اسم ببرید کیها بوده اند) خودتان بهتر میدانید با این قوانین ایراد زیادی هم با آقایان وزیران دارائی نمیتوان داشت میخواهم عرض کنم که وزرای شما با این قوانین و با طرز رویه دکتر میلسپو نمیتوانستند موجودی خزانه و مملکت را که يك امر کلی مالی است و مرتبط با سر نوشت دولت و کشور است اطلاع داشته باشند ممکن بود یا ممکن است با این قوانین يك روزی این هیئت دولت یا هیئت دیگری بدون این که قبلاً اطلاعی پیدا کرده باشد باورش کسبستکی خزانه عمومی مواجه شود و چون قبلاً اطلاعی نداشته نمیتواند در صد اتخاذ اقدامات اساسی و احتیاطی بر آید و اگر يك وزیر دارائی پیدا شود و نسبت با اقدامات بدکتر حق اظهار نظر برای خود قائل شود و يك مستشاری را که او معرفی کند پیرسد که این شخصی را که شما معرفی کردید دارای کدام سابقه تحصیلی و اداری است این شخص در کابینه دوم جنابعالی نمیایستی شرکت کند بنده با کمال تأسف باید عرض کنم که این طرز رفتار با مأمورین درست و پاکدامن و باشاهمت ما موجب یأس مردمان پاکدامن و درست این کشور را فراهم خواهد کرد عرض کردم بنده کلیات بخواستم بعرضتان رسانده باشم و برای روشن کردن اذهان فقط چند قسمت را که در وضع مالی و اقتصادی کشور مؤثر است عرض میکنم قانون مالیات بر درآمد از مجلس سیزدهم گذشت و مجلس سیزدهم مقاومتهائی کردند که مفید فایده واقع نشد و بالاخره این قانون گذشت بنده قول دادم که قانون مالیات بر درآمد

سابق مطابق با وضعیت این کشور نبود و متناسب نبود و تفاوت فاحشی بین ثروت اشخاص پیدا شده بود که میبایست از آن مالیات متناسبی گرفته شود ولی قانون مالیات بر درآمد جدید به ترتیبی که گذشت امرتقلب و تزویر و بالاخره اغتشاش را در این کشور تشدید کرده است (صحیح است) در هر حال نتیجه اداره کردن دکتر میلسپو همان است که پریروز آقای کاظمی ضمن آن بیاناتی که کردند واحصائیه اینکه نشان دادند متذکر شدند و معلوم شد که در آمد سال ۱۳۲۲ خیلی از سالهای گذشته کمتر بوده و امسال هم همان طور خواهد بود من نمیخواهم عرض کنم که دکتر میلسپو مواجه با اشکالات نیست البته دکتر میلسپو مواجه با اشکالات هست و این اشکالات منتشر زائیده دوره گذشته است ولی میخواهم يك مقایسه هم بکنیم بین طرز جریان کارهای قبل از آمدن ایشان و طرز عمل و جریان کار امروز وزارت دارائی اگر ما می بینیم که مقدار مالیات های وصول شده کمتر از پیش است اگر ما می بینیم هرج و مرج اقتصادی و مالی در این کشور در اثر اقدامات بیرویه ایشان فزونی یافته باین نتیجه قطعی میرسیم که آقای دکتور در کارهای خودشان دچار اشتباه شده اند و کاری هم برای ما نکرده اند ملاحظه میکنید تقریباً یکسال است که شما قانون مالیات بر درآمد را گذرانیدید و هنوز آئین نامه مربوط بآن قانون نگذشته است و اداره املاک مزدوری که برای ممیزی املاک لازم است درست نشده و هنوز املاکی که باید مطابق این قانون مالیات بدهند ممیزی نگردیده است و حال آنکه شما از يك رشته مالیات ها و درآمدهای حتمی مثل مالیات صدی سه صرف نظر کرده اید و با این ترتیب اگر این کشور خزانه اش تهی شد آنها هم با این مخارج کمر شکن بنده نمیدانم چه باید بکنیم و مسئول این سوء جریان کی است؟ یکی از نمایندگان - وزیر دارائی.

دکتر عبده - و به مردم چه جواب باید داد در قسمت اقتصادی بنده عرض زیادی ندارم همینقدر مطلبی را لازم میدانم بعرض آقایان برسانم و اتفاقاً از طرف رفقای من هم این موضوع

مفضلاً بعرض آقایان رسید مطابق قانون اقتصادی اجازه میفرمائید آقای آقا سید ضیاء الدین.

سید ضیاء الدین - بفرمائید آقا.

دکتر عبده - عرضه و تقاضا میبایستی بدکتر میلسپو یا هر کس که زمامدار امور اقتصادی کشور ما است سعی کند که در داخله کشور مال التجاره زیادی در بازار وجود پیدا کند اگر مقدار کالا در بازار زیاد شد طبعاً قیمت مال التجاره پائین می آید و اگر میزان کالا در بازار کم شد و تقلیل یافت با اینکه تقاضا روز بروز زیاد میشود طبیعی است قیمت کالا بالا میرود و رو با افزایش میگذازد بنده میخواهم عرض بکنم که در اثر سوء سیاست آقای دکتر میلسپو این قانون بدیهی اقتصادی رعایت نشده و قیمت کالا روز بروز و فزونی گذاشته متفقین ما آمدند برای ما سهمیه قائل شدند و بنده درست آن رقمی را که در ششماه دوم سال ۱۹۴۳ متفقین در اختیار ما گذاشتند خدمت تان عرض میکنم جمع کل سهمیه شش ماهه دوم سال گذشته تقریباً ۴۷ هزار تن است از این مقدار فقط ۴ هزار تن استفاده شده است وقتی که شما درست احصائیه کالاهائی که متفقین در اختیار ما گذاشتند نگاه کنید می بینید که از سهمیه شش ماهه دوم سال گذشته در نتیجه فلج بودن دستگاه اقتصادی و عدم لیاقت متصدیان مربوطه نتوانستید سی میلیون کیلو شکر و ده میلیون کیلو چائی و مقدار زیادی کاغذ سیگار و قماش نخ و نخ کلاف و لوازم ساختمانی و غیره وارد کشور کنید حاصل آنکه اگر این کالا ها وارد کشور میشد قطعاً وضع ما غیر از این بود و ما میتوانستیم امروز در مقابل تمام مشکلاتی که داریم تا اندازه در بهبود اوضاع عمومی قدمی برداریم بدتر از همه این است که بدکتر میلسپو نه اجازه میدهد که این کالا ها را بآنها بیاورند نه خودشان اقدامی برای ورود این کالا ها میکنند و امروز که چهار ماه از سال ۱۹۴۴ میگذرد نسبت سهمیه سال مزبور اقدامی نشده و ممکن است ماههای دیگر هم بگذرد و از این مقدار سهمیه ای که در اختیار ما گذاشته اند استفاده نمیشود بنده عقیده مندم که

این عدم استفاده از سهمیه به تنها در ترقی قیمت ها در این کشور مؤثر است مضار دیگر هم دارد و اگر این کالا ها وارد کشور میشد بنسبت خیلی زیادی مالیات و عوارض و کمرک و کرایه راه آهن پرداخته میشد ما هم میتوانستیم این خزانه تهی را با این عواید سر و صوری بدهیم خطر دیگری که ما را تهدید میکند این است که چون ما از این سهمیه استفاده نکرده ایم متفقین ماحق دارند بما اعتراض کنند که معلوم میشود احتیاجات داخلی شما کمتر از میزان سهمیه ایست که ما برای شما تعیین کردیم و شاید سال دیگر سهمیه ای که در نظر میگیرند خیلی کمتر از میزان باشد که امسال در نظر گرفته اند. عوامل دیگری هم در ترقی قیمت ها مؤثر بوده است یکی نداشتن برنامه برای توزیع یکی جلوگیری از مرخص نمودن کالاهای متعلق به تجار و همینطور را که گذاشتن کالا های وزارت پیشه و هنر یا کالاهائی که وزارت دارائی وارد کشور کرده است بدیهی است وقتی بازار کشور از این کالا ها محروم شد قیمت خود بخود بالا میرود از این عرایضی که کردم نباید نتیجه گرفت که من مخالف استخدام مستشار از آمریکا هستم من مخالفتی با مستشار آمریکائی ندارم من عقیده مندم که با استخدام مستشار آمریکائی ممکن است خدمات شایانی باین کشور بشود چه از لحاظ مالی چه از لحاظ اقتصادی منتهی عرض بنده این است همانطور که آقای فرهودی ضمن بیاناتشان گفتند ما تمبایستی اختیار قانون گذاری برای مستشار قائل بشویم (صحیح است) ما معلم می خواهیم نه حاکم مسئله امنیت عمومی نیز از مسائلی است که در برنامه ذکر شده بنده در قسمت امنیت عمومی خیال میکنم تنها اجرای قانون کافی نیست برای تأمین امنیت عمومی ما احتیاج داریم که مسئولیت ها کاملاً روشن شود امروز برای تأمین و امنیت راه ها کاملاً معلوم نیست کس مسئولیت ادارات ژاندارمری و مسئولیت قوای ارتشی تا چه اندازه است غالباً ژاندارمری مسئولیت را از ارتش تقاضا میکند و حال آنکه قوای ارتش هم تأمین عمومی را از ژاندارمری انتظار دارد بنده عقیده مندم اگر

یک کمیسیون عالی برای تعیین تکلیف مسئولیت و حدود اختیارات این دو نیرو که امروز عهده دار امنیت عمومی در خارج شهر ها هستند تشکیل و اتخاذ تصمیم بشود از لحاظ امنیت عمومی کشور کاملاً مفید و مؤثر باشد در قسمت ارتش هم مطالب زیادی بود که آقایان فرمودند بنده هم معتقد بیک ارتش نیرومند و ملی هستم ولی متأسفانه عامل مؤثر تنظیم قوای ارتش یعنی انضباط که میبایستی در ارتش حکمفرما باشد امروز ازین رفته افراد ارتش به عقیده بنده نمی بایستی وارد احزاب بشوند و حزب تشکیل بدهند (صحیح است) به همان اندازه ای که بنده معتقدم در خارج از ارتش میبایستی اقدام به تشکیل احزاب کرد عقیده دارم که ارتش را باید کاملاً از جریان احزاب کنار گذاشت (صحیح است) عدم تشویق خادمین و بی مجازات ماندن مقصرین باز نشسته کردن افسران تحصیل کرده نگهداشتن مردمانی که به درد ارتش ملی و نیرومند نمی خورند اینها تمام عواملی است که بر بی انضباطی و بی ترتیبی ارتش ما کمک میکند بنده میخواستیم از آقای وزیر جنگ که شخصاً بایشان ارادت دارم ثمنی کنم که امور وزارت جنگ را کاملاً تحت نظر خودشان بگیرند و اجازه ندهند که مقاماتی غیر از وزیر مسئول یا ارکان وزیر مسئول در امور ارتش دخالت کنند بنده عقیده مندم یکی از علل این بی نظمی ها و بی ترتیبی ها همان لوٹ مسئولیت است وظایف رئیس ستاد معلوم نیست معلوم نیست فرماندهی با کیست ؟ اگر ما بتوانیم رئیس ستاد را در مقابل وزیر و تحت نظر او عملاً مسئول قرار بدهیم اگر وزیر جنگ هم همانطور که انتظار میرود در مقابل مجلس شورای ملی کاملاً از عهده توضیحات و مسئولیت خودش بر آید آنوقت است که ما می توانیم امیدوار باشیم که انشاء الله یک ارتش نیرومندی خواهیم داشت (صحیح است) اما راجع به تأمین امنیت قضائی بطوریکه در برنامه ذکر شده تنها اجرای قانون کافی نیست عقیده مندم که یکی از اشکالات کار ما این است که ما مقدار زیادی از قوانین ما صرفاً روی نظریات خصوصی و اغراض شخصی گذاشته است

بنده اشاره میکنم بقانونی که در سال ۱۳۱۰ برای مجازات کسانی که بر علیه امنیت عمومی اقدام میکنند گذشته است بموجب این قانون صرفاً داشتن عقیده سیاسی بدون اینکه صاحب عقیده اقدام عملی کرده باشد برخلاف تمام اصول مسلمه حقوقی جرم شناخته شده است.

فاطمی - یکی و دوتا نبود - صدها قانون بود.

دکتر عبده - بلی همین طور قوانین راجع بیانک ایران قانون مجازات و وزارت دارائی و صدها قانون دیگر که باید همه این ها ملغی بشود و ما امیدواریم هیئت دولت لوایح آنرا تهیه کند اما در قسمت داد گستری صحبت از استقلال قضائی خیلی خیلی پیچیده می شود بنده البته طرفدار استقلال قضائی هستم کسی که پانزده سال از عمر خودش را در داد گستری گذرانده باشد غیر از این نمیتواند فکر کند ولی اشکالی که بنظر بنده میرسد این است که متأسفانه کادر قضائی ما در این کشور کاملاً درست نیست و تعداد قضات صالح ما در این کشور شاید خیلی زیاد نباشد قوانینی که در ظرف این چند سال اخیر گذشت اجازه داد بایگانها و ثبات ها وارد این کادر قضائی بشوند و امروز وظایف مهم قضائی مملکت اکثرأ در دست اینها است و بنده خیال میکنم استقلال قضائی بجای خودش کاملاً درست باشد ولی باید قبل از تأمین استقلال قضائی فکر تهیه کادر صحیح قضائی برای تأمین امنیت قضائی این کشور باشیم (صحیح است) قسمتی که راجع بمطبوعات مذاکره شد بنده هم با آقایان هم عقیده هستم نمی بایستی روزنامه نویس را با دزد و جانی و چاقو کش پشت یک میز اتهام محاکمه کرد و خوشبختانه قانون اساسی ما هم کاملاً تکلیف را روشن کرده بموجب قانون اساسی محاکمه مطبوعات بما هیئت منصفه است حتی در قانونی که چند سال پیش گذشت تصریح شده است که عده از جرایم جرم مطبوعاتی نیست و اگر ما درست با حصائی که در این قانون شده است دقت کنیم می بینیم افزاد خیلی جرایم مطبوعاتی جزو جرایم غیر مطبوعاتی ذکر شده است بنده از آقای وزیر داد گستری استدعا می کنم که قانون مطبوعات را هر چه زودتر تهیه بکنند و به

مجلس بیاورند مضافاً باینکه بنده در روزنامه خواندم رئیس شعبه جنحه داد گاه فرمانداری نظامی باستناد قانون اساسی قرار عدم صلاحیت خودش را نسبت به این قبیل جرائم صادر کرده و گفته محاکمه مطبوعات باید با حضور هیئت منصفه بعمل آید و این خودش تنها دلیل بارزی است که هر چه زودتر باید تکلیف این موضوع روشن شود تا قضات ما در زحمت نباشند و قانون اساسی هم رعایت شود.

راجع به تجدید نظر در قانون تقسیمات کشور من عقیده مندم که این اقدام خیلی مفیدی است برای اینکه تقسیمات کشور ما از روی اصول نیست و مقتضیات طبیعی و اقتصادی نقاط مختلفه کشور ابداً رعایت نشده (صحیح است) و من معتقدم که تقسیمات کشور باید بر اساس احتیاجات و مقتضیات طبیعی و اقتصادی باشد و بالاخره نقاطی که دارای احتیاجات و مقتضیات اقتصادی واحدی هستند باید اینها را در حوزه یک استان یا یک شهرستان قرار بدهند.

راجع بواگذاری اختیار به معتمدین محل این هم یکی از اقدامات نافعی است که ما هم از هر دولتی که سر کار بیایند این انتظار را داریم. بالاخره آقایان ما هر چه بتوانیم تماس مأمورین دولت را با مردم کم کنیم این موضوع برفع مردم این کشور است (صحیح است) بنده همانطور که در مورد انحصارها این عقیده را دارم اگر واقعاً ما دارای مأمورین صحیح و سالمی بودیم انحصار در موقع جنگ یکی از بهترین و لازمترین چیز ها بود ولی متأسفانه چون اغلب مأمورین ما دارای صفات لازم برای اجرای وظیفه نیستند انحصارات را باید بحد اقل محدود کرد بهر اندازه که ما بتوانیم تماس مأمورین دولت را با مردم کم کنیم خدمتی برای این مردم انجام داده ایم (صحیح است) و این فکر که امروز در برنامه دولت پیدا شده کاملاً قابل توجه است و من امیدوارم که قانون اساسی چنانچه در مورد اعطای اختیار بانجمنهای ایالتی و ولایتی تصریح شده هر چه زودتر عملی شود راجع به برنامه های کشاورزی و صنعتی هم البته این امر مفیدی است فقط بنده یک عرض دارم و آن این است

که شنیده‌ام بعضی از مستشاران آمریکائی عقیده دارند که کارخانجات فعلی مادرست دخل و خرج نمیکنند و میبایستی از آنها صرف نظر کرد بنده عقیده مندم که سیاست اقتصادی هر مملکتی هر ملتی ایجاب میکند که موجبات تأمین و توسعه مؤسسات اقتصادی خودش را فراهم کند مخصوصاً در مواقع فوق العاده هر کشوری باید دارای کارخانجاتی باشد که در امور صنعتی برایش کار کند البته امور کشاورزی که جای خود دارد از این کارخانجات که به قیمت خون دل پیره‌زنان و بیوه زنان ما تهیه شده است صرف نظر کنیم گذشته از این که ضرر جبران ناپذیری بکشور ما خواهد خورد استقلال اقتصادی ما هم که بایستی در هر حال دیر یا زود تأمین شود تا بتوانیم در مواقع فوق العاده مثل موقع جنگ ما بحتاج صنعتی و ما بحتاج کشاورزی خود را تا اندازه‌ای که میتوانیم در داخله تهیه کنیم متزلزل خواهد شد (صحیح است) بنده معتقدم که بکارخانجات دست نباید زد و باید در تکمیل و توسعه آنها هم کوشید و یقین دارم که هر دولتی هم سر کار بیاید باید برای توسعه امور صنعتی ما اقدام عاجلی به عمل آورد در قسمت هفتم برنامه که راجع با استفاده کامل از جوانان تحصیل کرده نوشته شده است بنده اصولاً غیر مقتضی میدانم که مبارزه بین پیرو جوان در این مملکت شروع بشود یا اگر شروع شده ادامه پیدا کند بنظر من هر کس در هر مقام و هر مرحله از سن همین قدر که کاردان باشد باید کار بکند و اگر ما عقیده مندیم به تیپ جوان باید توجه بیشتری بشود برای این است که به قیمت مالیاتهای که مردم پرداخته‌اند به قیمت پولهای گزافی که برای اعزام محصل بخارج خرج شده که در کشور یکدسته دکتر یکدسته مهندس یکدسته جوانانیکه با جریبه علم و دانش و معرفت مجهزند تهیه شده و اسباب افتخار ما هستند بایستی در کشور ما از این جوانان استفاده بکنیم تصور نکنید که این جوانان اشتیاقی و علاقه به مقامات دولتی دارند بنده اطلاع دارم که در اکثر عدم توجه و عدم مراقبت و عدم تشویق قسمت مهمی از جوانان تحصیل کرده و دانشمندان فعال ما امروز از کارهای دولتی کناره گرفته‌اند

رو بعقب گذاشته‌ایم بنده معتقدم با رجال سابق با وجود مشارکت اکثر رجال سابق در این کابینه ما مثل گذشته قدمی بجلو نخواهیم گذاشت (صحیح است) من معتقدم که سکون و آرامش معنی ندارد سکون و آرامش در حکم مرگ است شما در مدت بیست سال در این کشور سکون و آرامش داشتید چه کردید؟ مشت شما در سوم شهریور باز شد معلوم شد ارتش ندارید سازمان ندارید هیچ چیز ندارید و در ظرف این دو سال و نیم هم همان روبه مشغول ادامه داده شده (صحیح است) باید این رویه تغییر بکنند (صحیح است) در اینجا روی سخن بنده با همکاران محترم یعنی نمایندگان دوره چهاردهم است توقعی که مردم از شما دارند غیر از انتظاری است که از دوره‌های گذشته داشتند بنده شخصاً در این مبارزات انتخاباتی شرکت داشتم و میدیدم که مردم تنها روزنه امید خود را نمایندگان دوره چهاردهم میدانند نه برای آنکه برویه سابق که عبارت از توقف و درج‌ازدن است ادامه بدهند بلکه برای اینکه قدمی بجلو بردارند و برای اینکه قدمی بجلو بردارند احتیاج بمردان تازه نفسی دارید و با عوامل سابق نمیتواند کار بکنند. حالا ممکن است بعضی ها بربخود ولی بنده با کمال صراحت و وضوح عرض میکنم اگر هم برمی خورد بر بخورد تا در این کشور تحول ایجاد نکنید جز سیر قهقهه‌رانی جز بدبختی و بیچارگی چیزی سهم و نصیب ما نخواهد شد ادامه این رویه یعنی سیاست باری بهر جهت این مردم را ناامید خواهد کرد و ناامیدی مردم خطراتی را ایجاب خواهد کرد برای حفظ حاکمیت ملی برای برقراری یکدولت صالح و فعال باهم همکاری کنیم سوء ظن بیکدیگر نداشته باشیم و گر نه این ملت ما امروز با عکس العمل شدیدی از خود بروز خواهد داد و آرزو مطمئن باشید که خشک و تر باهم خواهند سوخت در هر حال اگر این رویه تغییر نکند بنده میترسم که این دو سال هم بگذرد و ما این کرسی ها را ترک کنیم بدون اینکه قدمی در راه سعادت و خوشبختی این ملت برداشته باشیم و معنای نمایندگی ملت غیر این است (صحیح است)

نایب رئیس - آقای اقبال پیشنهادی تقدیم کردند که

قرائت میشود.

بنده پیشنهاد میکنم که جلسه بعنوان تنفس تا فردا صبح ختم شود. (صحیح است)

اقبال - عرض کنم موقع گذشته است و بطوریکه بنده میبینم همه آقایانی که اجازه خواسته‌اند میخوانند صحبت کنند این است که پیشنهاد کردم جلسه بعنوان تنفس تعطیل و فردا صبح تشکیل شود تا همه آقایان حرفهایشان را بزنند.

دکتر معظمی - بنده مخالفم همان دلیلی که آقای اقبال فرمودند که اشخاص باید حرفشان را بزنند الا آن ساعت شش است.

جمعی از نمایندگان - آقا ساعت ۸ است.

دکتر معظمی - بلی ساعت ۶ تشکیل شد (عده از نماینده - پنج و نیم تشکیل شد) بسیار خوب ما فقط الا آن دو ساعت و نیم است که داریم کار میکنیم

هاشمی - آخر فکر آقایان تند نویسا را بفرمائید سه ساعت صبح جلسه بوده دو ساعت و نیم هم حالا استخراج هم باید بکنند یا خیر؟

دکتر معظمی - و باید در هر حال تکلیف دولت هم معین شود بنابر این ممکن است یک ربع تنفس داده شود که آقایان رفع خستگی‌شان را بکنند.

نایب رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای اقبال بعنوان ختم جلسه برای فردا صبح موافقت قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد آقای نقابت بفرمائید.

نقابت - بنده از آقای اقبال خیلی متشکرم که آقای دکتر عبده ثابت کردند نمایندگان دوره چهاردهم برای کار مهیا می باشند یعنی حاضر هستند تا پاسی از شب گذشته بنشینند و تکلیف یک موضوعی را معین کنند بنده خیال میکنم در مذاکرات مربوط ببرنامه‌ها یعنی برنامه دولت یا مربوط ببودجه بهتر این است که آقایان نمایندگان محترم وظایف خودشان را تقسیم کنند و هر کدام در هر قسمتی که تخصص دارند قبول کنند و داوطلب بشوند که در آن موضوع بخصوص بحث و صحبت بکنند زیرا در غیر این

صورت ممکن است مسائلی که در مجلس گفته می شود و يك جنبه کلی و عمومی دارد و یادکر معایب است و یادکر مشکلات است در جلسات قبل اغلب آنها گفته شده و البته تمام این مسائل هم اهمیت دارد یعنی همه ارائه طریق و چاره جوئی برای رفع مشکلات مملکت است اگر ما بخواهیم معایب و مشکلات و موارد مبتلا به را تعداد کنیم بی حساب خواهد شد (صحیح است). زیرا در يك ادوار متوالی بنا بر این نبوده است که ما معایب را بگوئیم و تذکراتی بدهیم و اوضاع محلی و عمومی را روشن کنیم و تشریح کنیم اگر احیاناً صدائی هم بلند میشد و تذکری هم داده میشد برمیخورد و تولید اشکال میکرد مثلاً یکی از نمایندگان ادوار سابق اینجا صحبتی کرده بود که این طلاهایی که می آورند و در بانک ملی ذخیره میکنند چه عیبی دارد که مسکوکش کنند و انتشار بدهند پادشاه وقت در روز آن جلسه ای که همه آقایان بودند باو ایراد گرفت و گفت بتوجه که این حرفها را میزنی آن کسی که آورده است خودش هم میداند چکار بکند ملاحظه میفرمائید نمی شد يك مسائلی را گفت و توضیح داد پس اگر حالا هم ما بخواهیم ذکر معایب بکنیم و بیگذشته ارتباطش بدهیم خیلی خیلی زیاد خواهد شد و وقت آقایان را هم میگیرد (صحیح است) پس بهتر است همانطور که عرض کردم رؤس مسائل را تذکر بدهیم و يك فکری بدولت بدهیم زمینه بدهیم که دولت برود کار کند و ترتیبی برای آنها بدهد وقتی که این فکر برای ما پیداشد ما تصمیم گرفتیم که این کار را بکنیم و کردیم یعنی فراکسیون میهن که مرکب از ۲۰ نفر از آقایان نمایندگان میباشد چندین جلسه قبل از طرح برنامه دولت نشستیم و صحبت مفصل و ممتدی بین خودمان کردیم البته موافق زیاد بود مخالف هم زیاد بود مطالب هم زیاد بود دلایل بسیاری هم بود این مسائلی را که اینجا صحبت میکنیم ما در فراکسیون قبل از طرح برنامه مطرح کردیم و در پیش صحبت کردیم و آنچه دو طرف قضیه را گرفتیم و روی همه اش مذاکره کردیم جوانی پیری استعداد

اطلاق انفلاسیون کرد اما با يك اختلاف اختلاف هم این است که در کشورهایی که انفلاسیون بروز میکند پولشان بعد از جنگ قوه خرید ندارد مثل پول آلمان بعد از جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ اما مملکت ما غیر از آن است زیرا پول ما قوه خرید دارد چونکه پشتوانه طلا دارد و صد در صد طلا دارد بالاخره مقدار زیادی اسعار در خارج دارد پول دولت های معتبر را دارد حالا هم میتواند بخرد و خریده است بنا بر این از لحاظ ظاهر فقط ما دچار انفلاسیون هستیم یعنی مقدار پولمان زیاد تر است از مقدار کالا و تناسبی در بین نیست اما برای بعد از جنگ ممکن است انفلاسیون نداشته باشیم یعنی زمان را دخالت میدهیم در این امر حالا که ما زمان را دخالت میدهیم معتقدم که این وضع در يك زمانی که خواهد آمد که اصلاح خواهد شد نکته که قابل توجه است این است که باید دولت توجه کند که تا آن موقع این مریض تا وصول بآن زمان نمیرد و باید بطور حتم دولت آقای ساعد بمتفقین ما متحکره کند و بر حجم مال التجاره و بر مقدار جنسی که باید یکشور وارد شود بیفزایند و بوسایل مقتضی از حجم پول بکاهند تا این که این تناسب برقرار شود.

دکتر عبده - آلهائی را که دادند نگرفتند آقا.

نقابت - مسئله دادن و نگرفتن نیست حرفها را نباید براند آقا ما در مجلس بایستی هر وقت يك مسائلی را بحث و صحبت میکنیم لازم است آن چیزهایی را که تمایس پیدا میکند با سیاست خارجی ما در تحت يك اصول و يك پرنسیپی باشد ما روی يك قانون و يك قرارداد يك معاملاتی کرده ایم اینها تمام معتبر است تمام طرف اعتماد است نه تنها برای ما بلکه برای دنیا معتبر است.

دیگر از عیوبی که صحیح است مسئله سوء اداره است و سوء اداره مخلوق سوء فکر است و سوء فکر مخلوق بکرمایی است که ایجاد این فساد را کرده است تا يك مدتی روی این ادارات ما يك سرپوشی بود و مدتها آن زیر این سرپوش کسی خبر نداشت و کسی هم قدرت نداشت که خبر داشته

باشد حتی جرایم هم قدرت نداشتند که سؤالی بکنند و تذکری بدهند و چیزی بگویند اگر می گفتند بعنوان اشاعه اکاذیب و بعنوان تشویش اذهان عامه توقیف میشدند بدین جهت آزادی نبود عذر همه هم خواسته بود آن کسی هم که وکیل بود نمی گفت آن کسی هم که نبود نمی گفت و در زیر این سرپوش اگر يك فساد و سوء اداره بود که برای مرتکبین مملکت شده بود و امروز که آن سرپوش برداشته شده معلوم شد که زیر سرپوش چه خبر بود و ما می بینیم چه فساد در آن زیر حکمفرما است پیر میدزدد جوان میدزدد متمول میدزدد غیر متمول میدزدد اما در این کشاکش و سرقت ها یکمده مردمان پاک و شریفی هم هستند که اگر ناامید کفایت برای سیری عائله شان نمی کند مرد دزدی نیستند و نمیدزدند (صحیح است) باز هم خدمت میکنند (صحیح است) باز هم ابراز علاقه میکنند و باید اینها را پیدا کرد اگر آقایان میشناسند يك دانه دانه معرفی کنند حمایتشان کنند تشویقشان کنند چون اینها هم هستند و میشود از وجود آنها استفاده کرد يك تیپ را نباید گرفت و يك تیپ را بیرون کرد و همیشه باید این روحیه و این طرز و ترتیب و این جریان که برای اصلاح وضعیت يك انسان کامل در نظر گرفته میشود مراعات کرد و اصلاح را در نظر داشت مسئله دیگر راجع به انحصارها صحبت شد قضیه انحصار آقا يك قضیه ایست عرض کنم مثل قلیان آقای مرشد میماند اگر این قلیان ترك داشته باشد باد می کشد و وقتی که میکشید نفس میدهد و دود میدهد انحصار هم در يك مملکتی وقتی مفید است که تمام و مطلق باشد یعنی شامل تمام افراد يك جامعه باشد و اشتغال نداشته باشد کسی از این انحصار فرار نکند یعنی باد ندارد این دستگاه نفس ندهد اگر شما توانستید ایجاد انحصار کنید بکشید اما بعدش هم بفلان تاجر اجازه بدهید که قند را بکند ۵۰ تومان در بازار بفروشد نتیجه اش این میشود که از فلان اداره مالیه چندین هزار کوبن صرف میشود و با کوبن ها قند انحصاری خریدم میشود بقیه باؤل و بعد میبورد در بازار بقیه يك من ۵۰ تومان فروخته میشود این

مقرر است این همان رخنه است که عرض کردم از اینجا باد میدهد و قاجاق میشود و از این سوراخ فرار میکند (صحیح است) يك نکته دیگری هم که میخواستم توضیح بدهم این است که چرا ما نمیتوانیم این مقرر را ببندیم و دلیلش چیست برای این است که ما دو نوع مشتری در بازارمان داریم که یکیش در اختیار ما نیست و وضعیت هم وضعیت جنگ است در دنیا آن مشتری که در اختیار ما نیست مثلاً مشتری خارجی ما می رود در بازار و کفش را جفتی صد تومان میخرد تولید کننده هم باو میفروشد حالا شما نرخ دولتی و نرخ شهرداری هم تعیین کنید که از سی تومان بیشتر نفروشد شهرداری هم تعیین قیمت کرده او می گوید قبول ولی چون من مشتری در مقابل دارم میفروشم نتیجه این ترتیب چه میشود این انحصار باز يك سوراخی پیدا میکند و از اینجا فرار میکند و يك سوراخ و يك سرو کاری است که بین تولید کننده و اداره تعیین نرخ پیدا میشود آنوقت يك اختلاف و يك کش-مکش بین اداره و تولید کننده ایجاد می شود و ما ها هم نتیجه عملی از انحصار نمی گیریم قند انحصار است این است و وضعیتش چیز دیگر هم همین طور مثلاً راجع به گندم و قنیه سهمیه آرد برای خانه ها دکترا میلسپو پارسال سخت استاد گی کرد و در مجلس هم نظرم نیست یکی از آقایان نمایندگان که نمیدانم کی بود گفت این عمل دکترا میلسپو شبیه باین است که يك قسمت شهر آتش بگیرد و مانع شوند و نگذارند که این قسمت خاموش شود بلکه آن قسمت دیگر را هم آتش بزنند که همه یکسان بشود ولی نظر او این نبود بلکه نظرش این بود که ایجاد انحصار بتمام معنی بکند و استثناء قائل نشود و آن مقرر را به بندد و حالا در عمل هم میتواند آنرا به بندد و صاحب خانه ها هم این ايمان را بخرج نمیدهند و با هر وسیله با انومبیل و صندوق اتومبیل و هر وسیله شده می آورند حتی من دیدم که یکی از صاحب خانه ها دو چرخه سوار میشد از همین دو چرخه های پائی که يك خورجینی هم وسطش آویزان است با این خورجین می رفت پرمی کرد و بر میگشت مثل مورچه

وقتی که ایجاد نگرانی در افکار عمومی میشود آنوقت درست حالت مورچه پیدا میشود که آنوقت را باین وسایل جمع میکنند چون مضیقه است و معتقد است اگر تهیه نکند خواهد مرد ثانیاً معتقد است که دولتی نیست برای اوقات تهیه کند افراد عائله اش را بیش از افراد کشورش دوست میدارد، این افکار است که این وضع را ایجاد کرده است و حال آنکه باید طوری زندگانی کنیم و افکار طوری باشد که فداکاری در مقابل مملکت چندان اهمیتی نداشته باشد و بگوئیم اگر همه مردند ما هم می میریم و يك حالت تعاون و توافق و كمك باشخاص بین عموم ایجاد شود دیگر از معایب صحیحه ای که تذکر دادند مداخلات دولت در انتخابات بود و مسئله مداخله در انتخابات را مثال زدند این جمله را بنده میخواهم از موقع استفاده کنم و عرض کنم و يك عذری از مجلس چهاردهم بخوام بین کسانی که بمجلس ۱۴ لعنت میکنند و میگویند چرا آقایان چشمشان را هم گذاشته اند و اعتبارنامه های ناقص یا قریب بنقص را تصویب کرده اند . اکثریت نمایندگان این طور فکر کردند که اگر ما مجلس داشته باشیم و اعتبارنامه های بعضی از آنها ناقص باشد بهتر است یا اینکه اصلاً مجلس نداشته باشیم و بیائیم نسبت به اعتبارنامه این قدر دقت بکنیم که منتهی شود بعدم تشکیل یا تأخیر مجلس کدام بهتر است ؟ البته اگر اعتبارنامه هایی هم ناقص بود شاید ما چشم پوشی کردیم در مقابل خیر کثیر که وجود مجلس باشد گوار است اما حالا بیک موقعی رسیده ایم که دیگر این عذر را از ما نمی شنوند و می گویند حالا که مجلس شورای ملی اکثریت دارد کار را هم که در دست دارد از این بیعد دولت دیگر لطفاً مداخله در امر انتخابات نکنند مداخله در انتخابات هم يك عملی است غیر مشروع و این مداخله یعنی اعمال نفوذ غیر مشروع فرقی ندارد چه از طرف دولت باشد غیر مشروع است چه از طرف نمایندگان مجلس باشد غیر مشروع است بهر صورت فراموش نکنید که نمایندگان مجلس هم حق ندارند که پشت این تریبون تشریف بیاورند و بیک وسایلی اعمال نفوذ در انتخابات يك محل

بکنند بلکه باید آزاد بگذارند هر کسی را جامعه محل دلش خواست انتخاب بکند بکند ولی این قول را هم باید بدهیم که اگر وضعیت آنها آمد و روشن و معلوم شد که غیر قابل تحمل است و غیر قابل تصویب است و دوسیه خراب است قطعاً ردشان کنیم این مطلب را هم بایستی توجه بکنند . مسئله دیگر موضوع امنیت بود البته امنیت مملکت متزلزل و متشنج شده است در داخل شهر و در خارج شهر و این نکته باز مربوط است بهمان تشنجانی که ادامه پیدا کرده است تا حالا و مربوط است بوضع ارتش که باید خدمات بیشتری را برای امنیت کشور ایجاد کند و بایستی يك گارد ناسیونال که حافظ امنیت کشور باشد تشکیل شود بایستی آن بودجه ای که تهیه و تصویب میشود صرف قوای تأمینی مملکت بشود آنوقت ملاحظه فرمائید در خوزستان در يك محلی دزدی شده است دزد پیدا شده است ژاندارم نوشته است بارتش که بیائید بما كمك کنید برویم از این دزدان جلوگیری کنیم آنها هم در جواب گفته اند ما ماهی هفت قران و ده شاهی می گیریم و شما در ماه شصت تومان حقوق می گیرید کلوله اش را هم شما بخورید این جوابها مبادله شده است بین ژاندارمری و قشون البته این جواب صحیح و منطقی نیست آقایان توجه فرمائید که دیگر از این جوابها مبادله نشود و این پولهای گزافی که خرج میشود صرف امنیت محل بشود اما معایب غیر صحیح چند جمله بود که من تذکر نمیدهم و از آنها عبور میکنم یکی این بود که گفتند دکترا میلسپو در امور قضائی کشور مداخله کرده است و آن نامه مفصل او را هم آقای کاظمی قرائت کردند این مطلب آقا اشتباه شده است در سال ۱۳۰۶ تصویبنامه از هیئت دولت صادر شد که آنوقت وزیر دارائی آقای تقی زاده بودند که هرگاه بخواهند مأمور ذی حسابی را تعقیب و توقیف کنند باید که وزارت دارائی مطلع بشود و پیرونده او برسد از نظر فنی در صورتیکه قابل تعقیب بود اداره بازرسی دوسیه او را بدیوان کیفر ارجاع بکنند، این تصویبنامه دولت بود و بعضی از آقایان قضات هم تذکر دادند که این مخالف قانون است و تصویبنامه رافع مسئولیت قانونی

نیست این حرف صحیح اما این برای کیست ؟ برای کسی است که این جا قضاوت میکند بر طبق اصول ولی يك نفر مستشار خارجی وقتی که باشد و آمد اینجا و میگوید آقا مقرراتان را ترجمه کنید و بمن بدهید من جمله از این چیزهایی که ترجمه شده و باو داده شده همین تصویبنامه هیئت وزراء است او که نمی تواند فکر کند که هیئت وزراء بر خلاف قانون رفتار کرده است و بر طبق این تصویب نامه بوزارت عدلیه پیشنهاد میکند که آقا رسماً بیائید و روبرو به متحدی را تعقیب و اتخاذ کنید هر وقت خواستید شما يك ذی حسابی را توقیف کنید بمن اطلاع بدهید که يك کسی را جایش بگذارم و پول را هم دزد نبرد و بعد آن کسی را که میخواهید میگیریم میدهم بدست پاسبان که بپرند و تعقیبش کنند این حرف خیلی منطقی است اگر صندوق دار شما را پاسبان بخواهد ببرد شما باید يك کسی را جایش بگذارید صندوق را تحویل بدهد بعد برود (دکتر عبده - مضمون نامه غیر از این است) مضمون نامه را اینجا آقای طوسی خواندند مدتی هم صرف وقت کردیم حالا اگر غیر از این بخواهیم بفهمیم نمیدانم ولی من گمان میکنم که مقصود نویسنده همین بوده است و این يك کاغذی است که با خلوص نیت نوشته شده است این جا يك نکته هم راجع باستخدام بعضی ها گفتند که بنده نمی شناسم من جمله اسم سالومون برده شد که پیشکار دارائی خوزستان است این شخص اگر آشپز بوده اگر رمال بوده کارش را خوب بلد است و در مدنی که در خوزستان است در جمع آوری گندم و کارهایی که باو محول بوده است خوب اقدام کرده است . نکته دیگر که تذکر دادند این بود که گفتند يك وردستی هم این پیشکار مالیه دارد که عرب است این حرف یک قدری زننده است اولاً يك قسمتی از جنوب و ایلات و عشایر خوزستان عربی زبانند اما ایرانی هستند (صحیح است) همانطوری که در بعضی از نقاط کشور بعنوان اختلاف ترك و فارس بعضی حرف ها زده میشود که کاملاً مضر و بضر مملکت است در این جا هم عده اختلاف بین عرب و عجم را ایجاد کرده و بعضی تذکراتی میدهند که

ایجاد اختلال کرده است (صحیح است) بنده اطلاع دارم آن کسی که آنجا است غرب نیست پسر حاج آقا کاظم علوی تاجر اهل شوشتر و مقیم اهواز است، غرب ایرانی است، يك تذکر دیگری هم میخواهم بدهم که آن این است که اعراب خوزستان بقدری وطن پرستند و بقدری بمملکت علاقه دارند (صحیح است) که اگر یکی از بستگان ایشان از این طرف کارون بآن طرف شط برود شوهر کند یا زن بگیرد دیگر اسمش را هم نمی برند و میگویند وطن را ترك کرد همین اعراب در ۱۳۲۵ که اعلیحضرت سابق بخوزستان رفته بودند آمدند از شادگان در خود اهواز تمام با کلاه سلفیتر برای شرفیابی آمده بودند و گریه و زاری میکردند که آقا برنج گازی ما را از ما گرفتند و گفتند که نگارید و بجایش پنبه بکارید... چون اینها يك برنجی میکارند برنج قرمز است آنرا با آب میجوشانند و با خرما مخلوط می کنند نواله درست میکنند هم خودشان میخورند هم شترهاشان خلاصه گفتند که برنج نگارید ما هم نکلشیم پنبه گلشیم حالا پنبه ها قاسد شده خراب شده نه برنج داریم نه پنبه و برای تأدیه قرضمان که دولت بماداده باید محصول خرمایمان را بفروشیم و بابت پول پنبه بدهیم دیگر برای ماها چه میماند زدند دودستی نوی این کلاه سیلندر و شروع کردند بگریه کردن بنده آنها را آوردم نزد مرحوم آقای بیات که رئیس کل فلاح بودند در آنجا باز آن سن را تجدید کردند و ایشان هم دیدند که اینها گریه میکنند و ممکن است صدا بآن بشکله محاور برسد در آن سال آنها را معاف کردند معذالک باین وضع این اعراب ایرانی ایران را ترك نکردند (صحیح است) برای آنکه اینها ایرانی هستند در آنوقت کسی که ببرد آنها خورد کسیکه برای آنها اقدام کاری کرد کسی که به سال سلامتی خود و عائله اش را دروی آنها گذاشت آن کسی بود که پیشنهاد کرد در همان موقع برای علاقه مندی آنها که دربار مهابادی اجازه بدهد این املاک خوزستان را بین این عشایر تقسیم کنند تا اینها پادار شوند و علاقه مند شوند و در آنجا زراعت کنند شاه پسندید این پیشنهاد را و قانون تقسیم املاک خوزستان آمد

بمجلس شورای ملی و تصویب شد و ارجاع شد و اینها آنجا ماندند و تمام املاک آباد شد و آنها دارای ثروت و زندگانی شدند این شخص این خدمت را بآنها کرد هفتهزار خانه ساخت برای آنها....

چند نفر از نمایندگان - اسم به برید

نقابت - ربا میشود اگر اسمش را بگویم بابت تخت قابو کردند عشایر کسی هفت قرآن هم بانها داد (اسم به برید آقا) خوب حالا که میفرمائید اسم ببرم اسم میبرم این شخص آقای نیمسار سرلشکر معینی بود که پیاس خدمانی که در آنجا کرده است امروز يك حکم بازنشستگی در سن ۳۵ سالگی نوی جیش دارد و بیکار میگردد این حرف را رفتم رئیس ستاد گفتم آقای سر تیپ ریاضی گفتم که آقای سر تیپ ریاضی این دوسیه است این طرز کار است این طرز عمل است این شخص در رضائیه در حوزه مأموریت نظامیش دستگیر شده فرار نکرد در حال اسارت در حالتی که در دست دشمن اسیر شده بود در محالی که او را با اسارت میبردند فرار کرد در مقابل دشمنی که بعد دوست شدیم با آن دشمن بالاخره این شخص برای خدمات گرانبهائی که کرده است تمام اسباب و زندگانی خود و عائله اش را سارقین محلی زدند و بردند و غارت کردند و بعد هم دزدش پیدا شد گفتند که بلی ما آخر يك ادعای ما دادیم بر علیه شان رفته بمحکمه حالا چه کارش کنیم؟ يك عده هم هستند که دزد بودند و ما دیدیم و نمیتوانستیم کاریش بکنیم دیدیم محکمه تبرئه میکند آمدیم این راه بازنشستگی را برایش پیدا کردیم... مگر این شخص دزد بود؟

صدر قاضی - ولی در رضائیه اینطور نبود آقا آنجا را آتش زد.

نقابت - این است نتیجه خدمات نه ساله او در خوزستان؟ الان هر کس که برود بخوزستان هر عربی را که در بیابان به بیند اسم این مرد را نزد او بیاورید فوری دست خود را میبوسد و بچشم میگذازد (با اشاره دست به پیشانی) و او را احترام میکند. آیا این شخص دزد بود.

نظر باینکه بنا بود اشخاصی که خوب باشند معرفی کنیم این یکی از آن اشخاص بود که معرفی کردم. پس از فراغت از بیان معایب کلی صحیح و کلی ناصحیح حال باید نتیجه بگیریم که چه باید فکری کنیم؟ این يك قسمت البته نتیجه قضیه مذاکرات است. راجع بچاره جوئی قضایا به عقیده بنده اول مسئولیت مهم متوجه وزیر داد گستری است گفت که هر که نقش خویش می بیند در آب من خیال میکنم قوه قضائیه که يك رکنی است در مقابل دو رکنی دیگر يك قوه ایست که در مقابل دو قوه دیگر ملجأ و پناه است (صحیح است) این قوه ایست که مردم بآن قوه باید اتکاء بکنند (صحیح است) و باو پناه ببرند این قوه باید اصلاح بشود اصلاحش هم دوراه بیشتر ندارد آقای وزیر داد گستری آن هم خیلی ساده است اول آنکه صلاحیت های از دست رفته وزارت داد گستری بخودش برگردد و قوه مجریه را تحت سلطه بگیرد آمدند هی تیکه تیکه از پهلویش بردند يك دیوان محاکمات مالیه درست کردند و يك مقداری از صلاحیتش را گرفتند آمدند دیوان حرب را درست کردند يك قسمت عظیمش را آنجا بردند دیوان جزای عمال دولت درست کردند و در آنجا برخلاف اصول يك جریاناتی ایجاد کردند آخر آقا این معنی دارد که مدعی العموم دیوان جزا حق داشته باشد در تمام این کشور هر کس را که دلش خواست توقیف کند و از توقیفش هم نشود به هیچ کس استیناف داد مگر بوزیر داد گستری یعنی از يك عمل صد در صد قضائی ما استیناف بدهیم بقوه مجریه؟ چه معنی دارد؟ این برخلاف اصول است. مال هر کس را دلش خواست می تواند توقیف کند؟ يك وقتی مرحوم داور خدار حمتش کند يك قانونی آورد و نظرش هم این بود که می گفت جهاد باد زدی باید کرد و در نتیجه این قوانین و این عمل و بالاخره در نتیجه عقاید علمای حقوق دنیا معلوم شده است که مجازات سخت رافع جرم و گناه نیست (صحیح است) مجازات جلو گیری از جرم نمی کند اخافه می کند کمی اثر می کند ولی آن را رفع نمیکند این عقیده علمای حقوق دنیا است. بلکه تربیت

می خواهد پلیس دماغی می خواهد مذهب می خواهد. رفیع - ایمان می خواهد.

نقابت - بلی ایمان و روح پاک و تربیت حسابی میخواهد از برای اینکه اشخاص بخواهند در جامعه خدمت کنند که مفید بحال خودشان و جامعه باشند و مضر بحال رفیقشان و هم نوعشان نباشند (صحیح است) پس اول راه اصلاح که یکی از قدمهای اساسی است اصلاح قوه قضائیه است آقای وزیر داد گستری هم مورد علاقه دوطرفند آقای دکتر عبده هم که از تیپ جوان هستند گو یا آقای وزیر داد گستری دیگر ایرادی نداشته باشند ایشان موفق خواهند شد و شرطش ایمان و عمل است و برای اقدامات عملی ما يك قسمتی هم رفع زحمت از شما کرده ایم یعنی در اول دوره سیزدهم يك طرح قانونی این جا تهیه کردیم که این طرح متضمن اصلاحات کلی بود و راجع بقوانینی که در يك موارد خاصی وضع شده بود و بنظر مخصوصی تصویب شده بود این را تهیه کردیم نوشتیم دادیم ولی این جا متأسفانه وزرای داد گستری با ما مخالفت کردند و در کمیسیون داد گستری و دائماً مزاحم ما شدند و مخالفت کردند و فقط ما موفق شدیم و توانستیم يك ماده اش را از بین به بریم و آن راجع به شورای عالی قضائی یا کیوتین قضاة بود که استقلال قضاة ما را از بین میبرد ما آمدیم و آن را از بین بردیم اما بقیه امورش باقی است هنوز هست دیوان محاکمات هست دیوان کیفرش هست همه اینها هست و باید برای اینها فکر عاجلی کرد طرحش هم حاضر و موجود است و این نکته را هم می خواهم عرض کنم که خیلی قابل توجه است يك وقتی یکی از این جوراب فروشهای خیابان يك جفت جوراب فروخته بود بیک مأمور تأمینات او رفته بود بیوشد پاره شده بود آمده بود بصاحب مغازه گفته بود که جوراب را بگیر و پول مرابده صاحب مغازه بهش گفته بود این نخ کارخانه شاهی است که اینطور است خوب دیگر ما چه کار بکنیم ما هم پول داده ایم و خریده ایم این آدم فوری رفت و يك گزارش داد به اداره اش که این شخص بمقامات عالیه توهین کرده است و

میگوید که این پنج را بنور سبز نیز بهار تجویز دادند و این شخص را چهار ماه گرفتند و در حبس نگاهداشتند بعد از آنهم فرستادند به محکمه رئیس محکمه هم بدون تعیین وکیل حکم برائت را داد و نوشت مرخص کنید این شخص را مرخص نکردند آن حکم برائت را بهش عمل نکردند و آن قاضی را هم فوراً معزول کردند ملاحظه فرمودید و علاوه بر آن یکماده هم فوراً بعنوان اصلاح بعضی از مواد قانون دیوان کیفر سرعت آوردند و گذاراندند که اگر حکم برائت متهمی صادر شد مدعی العموم حق دارد آن شخص را در حبس نگاهدارد.

مهندس فریور - آنوقت هم شما وکیل بودید.

نقابت - بلی بنده خبر کمیسیون بودم جای شما هم بسیار خالی بود که می آمدید آنوقت در زمان پهلوی این جاپشت تربتون حرف میزدید و بختی میخوردید.

دکتر معاون - ما زبانمان را داشتیم آقا حرفمان را هم زدیم هیچ طور هم نشد بختی هم شما بخورید.

همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس

دکتر معاون - این حرفها چیست؟ ما حرفمان را زدیم گرفتند حبس مان هم کردند (زنگ رئیس)

نقابت - اجازه به فرمائید آقا اجازه بفرمائید معروف است که يك کسی رفته بود چرس بخورد رفت و خرید و خورد بعد با يك حالت پریشان آمد بیرون و گفت آقا این چرسی که دادید اثر نکرد گفت خوب اثرش همین که شما اجت آمده اید بیرون آقای دکتر میفرمایند هیچ طوری نشد آقا ما افتخار میکنیم که يك اشخاصی در این دورم آمده اند بمجلس که نوبی این مملکت حبس هم بوده اند صدمه هم خورده اند ولی آقا شما تنها حبس نبودید آن آقای اسکندری هم حبس بود ۳۵ نفر دیگر هم حبس بودند و من هم وکیل مدافع بودم در محکمه جنایی اما شما این حرف را هم بمن نمی توانید بزنید و بمن بگوئید که شما خبر کمیسیون بودید بلی من هم خوردم این سن هارا تماشا کردم از آقایان وزیر راه آقای وزیر کشاورزی هم حبس

بودند اینکه ایراد نشد عرض میکنم آقا تقیه در مذهب اسلام يك اصلی است

صدر قاضی - حرام است آقا

نقابت - آقا جان امروز هم جریان آزادی این آزادی که شما داده شده است این آزادی را که مانگر قتم با همان احساسات باک با همان نیروی ملی و احساسات ملی که آقای دکتر معاون داشته و دارند گرفته بودیم امروز چندین دستگاه کابینه و دولت بطور رزرو حاضر می داشتیم و وضعیت امروز گرفتار نبودیم متأسفانه باید بگوئیم مانگر قتم بلکه دنیا این آزادی را بماداد خدا بما داد آه مظلومی از هفت عرش الهی عبور کرد به هدف رسید و بما آزادی داده شد مسئله دیگری که خیلی قابل توجه است و تمام شد قضیه آبیاری و کشاورزی است آقا این مسئله را فراموش نکنید و سرسری نگیرید (صحیح است) مملکتی که نمیتواند صنعتی باشد مملکتی که این همه خالک وسیع دارد مملکتی که رودخانه کارون با آن باکی و صافی بدریای شور میریزد و بمافع نمی دهد در دو طرفش فرسخها اراضی شیرین و قابل زرع وجود دارد در این ملک که نباید گذاشت این آب بدریا بریزد و این زمینها خشک باشد و در کنار این آب مردم از گرسنگی بمیرند برای این کار تمام عشایر خوزستان از دولت عصبانی هستند بقدری عصبانی هستند مثل یکی از مواد محترقه که اگر مختصر جرقه بهشان برسد میترسد این ها فوق العاده عصبانیند و میگویند در ظرف این ۲۰ سال حکومت بسیاری ولایات مثل مازندران و طهران یا جاهای دیگر درست شد آباد شد اسفالت شد جاهای دیگر درست شد خرجها کردند چطور شد که صد دینار پول ما خرج نشده است يك وجب راه ساخته نشده است یکمدرسه دو کلاسه در خرمشهر ساخته نشد و تمام این عشایر با همان وضع عادی و طبیعی خودشان مانده اند الا اینکه آنوقت شخصی بود کسانی بودند از رؤسایشان که ایلجار میکردند و نهری را پاك میکردند آبیاری میکردند خدمتی میکردند حالا که کار درست آنها هم نیست و دست شهر داری است که از حیث بودجه بسیار عوایدش کم شده و وضعیت آنها بکلی خراب شده است (صحیح است) روزنامه مهر ایران راجع به بهداری و راجع به وضعیت خوزستان و خرم

خرم شهر شرح مبسوطی نوشته بطوریکه حقیقت امریش از آن چیزی است که در آن روزنامه نوشته شده و این مختصری است از آنچه که در آنجا مشهود است این يك حقیقتی است باید اعتراف کرد متأسفانه آنجا وسیله نیست هیچ چیز نیست يك مرد خبری پیدا شد يك مریضخانه ساخت و تقدیم دولت کرد پیشنهاد هم کرد که مریضخانه را میدهند تا بخرج دولت اصلاح شود و بکار بیفتد ولی چه شده است در آن ناحیه و تا وقتی که دولت آنجا را اداره نکند مال دولت است این مریضخانه در حدود سی چهل پنجاه تا مریض می آیند آنجا بسر میبرند چرا؟ برای اینکه آنجا کارخانه جات مهمی تأسیس شده است ژنرال موتور در آنجا کارخانه دارد تأسیس میکند که ۵۰ هزار تا عملة لازم دارد و در خرمشهر کابینه میکنند آنوقت باینها حقوق میدهند يك کیلو آرد میدهند يك سیر شکر میدهند يك قدری چائی میدهند در حدود ۷۰ - ۸۰ تومان حقوق می دهد و با این حقوق اینها آنجا میزنند کی میکنند آنوقت پرستار این مریضخانه میدهند ماهی چهل تومان پرستاری که با مریض سر و کلو دارد و باید اطلاع فنی داشته باشد با چهل تومان حقوق نمیتواند کار کند.

رئیس بهداری آنجا نلگراف میکند اجازه بدهید عملة روز مزد استخدام کنیم چنانچه دیگران استمخلم میکنند باو میگویند مقررات اجازه نمی دهد آنوقت در این مریضخانه آن کسی که میتواند خودش را بکنار ظرف آب برساند او با می شود و برای مریض دیگر خدمت میکند این وضع رقت بار مریضخانه آنجا است و حقیقتاً قابل تأسف است بالاخره نه پول دادند نه کمک کردند فقط کاری که شد بنده آمدم اینجا با کمک آقای دکتر غنی يك قدری دوا از ایشان گرفتیم فلان چیز از فلان جا با دوتا قیچی از ضلیب سرخ یکمقدار بتواز جاهای دیگر تهیه کردیم و فرستادیم آیا اینها کافی است؟ تنها دروازه ایران همین خرم شهر است تنها محلی که شما را اتصال میدهد با دنیا خرم شهر است.

صفوی - بوشهر هم هست.

نقابت - البته بوشهر شما هم هست آنجا را گذاشتم

برای شما اگر آنجا را بگویم چیزی برای شما نمی ماند که بگوئید (خنده نمایندگان) لهذا باتمام این امیدواری ها و با تمام این تذکرات ما ۲۰ رأی موافق تقدیم دولت خواهیم کرد بامید کار و خدمت.

نایب رئیس - اگر موافقت بفرمائید جلسه بعنوان تنفس تعطیل شود (صحیح است)

در این موقع (ساعت هشت و نیم بعد از ظهر) جلسه بعنوان تنفس تعطیل و یکساعت و سه ربع قبل از ظهر روز يك شنبه بیست و هفتم فروردین مجدداً بریاست آقای عامری نایب رئیس تشکیل گردید

نایب رئیس - چون جلسه بعنوان تنفس تعطیل شده بود صورت مجلس نیست. آقای طوسی

طوسی - تذکر بنده بمجلس شورای ملی راجع به مذاکراتی بود که در موضوع وضعیت گران چند روز قبل عرض کردم بنده استدعا کردم از مجلس شورای ملی که بهتر این است که يك دفتر مستقلی بمجلس شورای ملی مخصوص خودش داشته باشد که اعانه که میدهند جمع آوری شود بنده آنچه که دیدم وضعیت مجلس را موافق دیدم ولی این کار عملی نشده است در قسمت دوم آقای تجدد پیشنهاد کردند که کمیسیونی شش نفره از شعب تشکیل شود که در همین موضوع رسیدگی کنند این پیشنهاد هم طرف توجه مجلس واقع شد خواستم از مجلس تقاضا کنم و آقای رئیس هم امر بفرمایند که زودتر شعب تشکیل شده و این عده انتخاب شوند و بکارهایی که لازم است رسیدگی کنند و اقدام عاجل بکنند

نایب رئیس - از آقایان استدعا میشود که زودتر در ظرف امروز و فردا این موضوع را عملی فرمایند.

آقای مهندس فریور

مهندس فریور - عزایض بنده خیلی مختصر خواهد بود برای این که مذاکره در اطراف برنامه شده است انتقاد و عیب جوئی هم نسبت بمراحل مختلفه مخصوصاً مراحل اقتصادی و مالی زیاد شد بیشتر انتقاداتی که میشد در موضوعات اقتصادی بود و مخصوصاً متوجه بود رئیس هیئت مدیره و هیئت

اكتفا ميشود صرفاً با انتقاد بدون نسبت مسؤل و راه اصلاح بنظر بنده همین دو موضوع بود که مورد مذاکره بود در شورایی که بنظر بنده يك موضوعاتی بود که بیشتر باید درش صحبت شده باشد ولی نشد متأسفانه راجع باین موضوع بعد از این که اینقدر انتقاد شد راجع بمیسیون آمریکائی بنده مراجعه کردم به صورت مذاکرات مفصل مجلس در موقع استخدام دکتر میلیسپو این صورت مجلس تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱ است موقعی است که استخدام دکتر میلیسپو مطرح است که بنده متن ماده را می خوانم: رئیس کل دارائی تحت نظارت کلی وزیر دارائی تصدی مستقیم نسبت به کلیه اداره امور دارائی خواهد داشت مشارالیه با تصویب وزیر دارائی اختیار تام برای تهیه بودجه خواهد داشت و در صورتی که احتیاجی به تجدید سازمان باشد با تصویب وزیر دارائی در وزارت دارائی و سایر دوائر دولتی که بستگی مستقیم با وصول محاسبات و صرف وجوه عمومی دارند تجدید سازمان خواهد نمود و حق دارد پس از استشاره با وزیر دارائی و طبق قوانین استخدامی... الی آخر در این ماده بحث شده است آقایان که بحث کرده اند خصوصاً نسبت بموضوع تعیین مسئولیت آقای رئیس دارائی آقایان امیر تیمور، دهستانی و تهرانچی بودند و مخصوصاً ایراد کرده اند که مسئولیت وزیر در اینجا چگونه میشود آیا وزیر مسؤل است یا خیر باید قید شود بخیر کمیسیون جوابی که داده است عیناً می خوانم: از طرف دیگر مطابق قانون اساسی وزیر دارائی است که در مقابل مجلس مسؤل است باین جهت نمیشود دخالت وزیر دارائی را سلب کرد بنابراین با توضیحاتیکه در کمیسیون داده شده و این توضیحاتیکه در مجلس داده میشود و عبارت هم به عنوان تحت نظر تلقی میشود تصور میکنم که همهمه آقایان من باشد و چون مقصود آقایان تأمین شده است پیشنهاد خودشان را مسترد داشته اند این صورت مجلس را قانع کننده است و این جهت نظارت کلی هست بنده اینطور استدلال میکنم که آقایان وزیر دارائی هم در تمام موارد

هیئت بالا اجتماع عقیده ام این است که کاری برای این مملکت نمیتوانند بکنند این نظر موافقین است که برای اینکه مسئولیت متوجه مجلس نباشد بحران ادامه پیدا نکند ما این دولت را نگاه میداریم آقا چه بحرانی ادامه پیدا میکند بنده عرض می کنم تمام مدتی که این دولت سر کار خواهد بود و این مدت هم طولانی نخواهد بود بحران است با يك تفاوت که اگر بحرانی ایجاد شد بحران پنج روز ده روز پانزده روز طول میکشد در صورتیکه دولت ممکن است دو ماه یا سه ماه چهار ماه سر کار بماند و ممکن است باری هم از دوش مملکت بر ندارد در صورتیکه دولت این اوقات هر ثانیه اش و هر ساعتش شاید باندازه سالها ارزش داشته باشد از نظر گرفتاری هائی که ما در پیش داریم وقت از دست میرود آنوقت يك روز چشمان را باز میکنیم در مقابل سختی و فشار و شاید پیش آمد وقایع ناگواری را که کم و بیش ممکن است پیش بینی کرد. بیشتر مذاکرانی که اینجا شد روی اصلاحاتی شد که ممکن است بشود حالا این دولت میکند یا نمیکند مثلاً یکی از مسائل بسیار عمیقی که گفته شد بیدن آقای دکتر شفق بود که فرمودند مایخی اصلاحات احتیاج داریم و سر رشته اصلاحات داشتن پول است اول باید کشاورزی را ترقی داد پول تهیه کرد و آنوقت اقدام به اصلاحات کرد آقای اردلان هم در ضمن بیاناتی که فرمودند فرمودند که یکروز میخواستیم بودجه بهداری را بنویسیم رسیدیم به چهار صد میلیون حالا نمیدانم مقصودشان از این مبلغ تومان بود یا ریال این جا که رسیدیم دفتر را هم گذاردیم بنابراین این مؤید نظر آقای دکتر شفق بود که مابرای اصلاحات در درجه اول پول لازم داریم پول هم از راه کشاورزی بدست میآید بنده میخواستم عرض کنم که مجلس سیزده وظیفه که داشته است انجام داده ولی دولت در انجام وظیفه خودش کوتاهی کرده است قانون آبیاری را که مجلس سیزده تصویب کرده است آئین نامه این قانون بامضای یازده وزیر است که امضای آقای بیات و اردلان را هم بنده پایش دیدم ولی کجا اجرا شد کی اجرا شد چرا اجرا نکردند گفتید دکتر میلیسپو يك کاغذی

شما با کدام آب میخواهید زراعت کنید اینک عرض میکنم قانون بموقع خودش خوب وضع شده است و مجری نداشته است همین ها است که ملاحظه میفرمائید و مجری همین آقایان بوده اند بنده عقیده ام این است که برای قانون مجری خوب لازم است یادداشت به بنده نوشته است از طرف آقای نبوی که در نیشابور سه ماه است پنبه مردم را گرفته اند و پول نداده اند (همین اشفندی را می بینم از ندران هم همینطور است) بعضی از نمایندگان کرمان هم همینطور (بله بالاخره در همه جا این گرفتاری هست این زارع را دیگر دستش را قلم کشیدم پنبه بخوراند کاشت) (صحیح است) بنده دیگر بقیه اش را خجالت کشیدم عرض کنم بعد رفتند پیش ممبر لپ او گفته است خدین آقا ما از مصر پنبه می آوریم بنده خیلی مایل بودم که بدانم که آقای بیات و یا آقای اردلان که تشریف داشتند در وزارت دارائی چه کردند چه اقدامی کردند بنده میخواهم ببینم آقای فروهر شما که فردا میروید بوزارت دارائی چه میکنید و چهطور اقدام میکنید برنامه نوشتن و اصلاح امور مردم اینها ادبیات است و شعر است معنی ندارد آقای اردلان تشریف میاورید اینجا و میگویند بله واقعا دزد بگیری در این مملکت کار مشکلی شده است و من هر چه دو سیه فوستانم بالاخره تیر نه می کشند آقا قاضی که تحت نفوذ وزیر هدایم واقع میشود (صحیح است) و رأی خلاف میدهد یک دفعه که تحت نفوذ او واقع شد رأی خلاف نداده بعد هم میگویند من که باید رأی خلاف بدهم و تحت نفوذ واقع شوم برفع خودم واقع می شوم آقا از اصل کار خراب است به این مقامات بنده خیال میکنم که بیش از این در این موارد گفتگو بشود صبح گفته شد که قاچاقچی کبری توی این مملکت زیاد شده است آخر این را بنده می شود گفت خانه های رئیس الوزرائی ها تا روز گذشته کارشان این بود که از اینجا مستعارات می کشیدند بعضی هفته دو مرتبه می رفتند بمصر برای این کار و محترم می چلد روز قبل از مصر آمده بود و میگفتند در ظرف ۱۵ روز که من در مصر بودم اردلان بخلاف مجرای و فلان خلیج هائی که پیشکشی به بعضی نمایندگان

اینکه اگر بنده هم میخواستم عریض خود را عرض کنم يك مقداری وقت مجلس را میگیرم باین جهت پیشنهاد ختم مذاکرات را کردم.

جمعی از نمایندگان - کافی نیست آقا رأی بگیرید.
صفوی - بنده مخالفم آقا - برای اینکه در مذاکرات مخالف و موافق خیلی مطالب هست که روشن میشود هم برای دولت و برای مردم خیلی ضرورت دارد که نظریات مجلس شورای ملی را بدانند و دولت هم تذکرات آقایان نمایندگان که در موضوعهای مختلف میدهند یادداشت کنند که در صورتیکه رأی موافق به آنها داده شد عمل کنند و هر صورت بنده با کفایت مذاکرات مخالفم و عقیده ام این است که سایر آقایانی هم که اجازه گرفته اند مطالب خودشان را باید بگویند و البته سایرین مثل آقای مهندس فریور مطالب خودشان را بطور خلاصه بیان خواهند کرد بنابراین بنده تقاضا میکنم آقایان اجازه بفرمایند حالا که چند جلسه در اطراف برنامه صحبت شده آقایان دیگر هم صحبت های خودشان را بفرمایند.

نبوی - بنده هم مخالف نیستم که سایر آقایان هم مطالب خودشان را بفرمایند ولی چون معتقد هستم که هر چه باید گفته شود گفته شده حالا آقایان هم مخالف با کفایت مذاکرات هستند بنده هم عرضی ندارم و پس گرفته ام.

اردلان - دولت هم نظر دارد که باید صحبت شود برای اینکه آقایانی که صحبت کردند تنها بقاضی رقتند بایستی صحبت شود تا موضوع روشن شود.

نایب رئیس - آقای فرخ.

فرخ - در اطراف برنامه دولت بقدر کافی مذاکره شده است ولی البته مذاکرات از نظر تنقید و عیب جوئی و نکات و معایب را گفتن سهل است ولی باید در عین حال دید از چه راه و بچه ترتیب میتوان به نتیجه رسید آقای ساعدتقاضائی نکرده بودند برای پست نخست وزیری مجلس شورای ملی بالاتفاق قریب هفتاد و شش نفر از هشتاد و چهار نفر بایشان رأی دادند و اظهار تمایل کرد ایشان هم

اطاعت کردند و بامر اعلیحضرت شاهنشاهی قبول کردند و وزرائی را هم در نظر گرفتند يك عده از آقایان نمایندگان موافق نبودند ایشان مراجعه کردند بفرانکسیون ها که اگر فرانکسیونها هم نظری دارند نظرشان را بدهند بعضی نظر دادند و بعضی ندادند آقای دکتر شفق در يك جلسه که خدمتشان بودم راجع بیک شخصی صحبت میکردند که این شخص اثرینورا گریوم بود و میفرمودند که این شخص گندم را از جو تشخیص نمیدهد حالا بنده آقای مهندس فریور را میگذارم جای آقای ساعد و نمیدانم که ایشان چه امپرسیونی میکنند و چه کارهائی خواهند کرد آقای ساعد يك اشخاصی را وارد کابینه کرده اند این اشخاص مردمانی هستند که کاری اینها سابقه اینها عمل اینها کاملا نشان میدهد در ادواری که خدمت کرده اند بقدری که میسر بوده است خدمت کرده اند و وظایفی را انجام داده اند البته بنده هم با آقایان موافقم زیرا کثرت فشار و کثرت بیچارگی و فشار زندگانی مردم همه آقایان نمایندگان را تحت فشار قرار داده است و همین فشار ها موجب میشود که ما بیشتر در امور کریتیک کنیم ولی باید راه حل را هم پیدا کرد و دید آن دولتی را که مایمی خواهیم بیآوریم که این فکر را صد در صد اجرا کند از چه راه بکند در منزل آقای دکتر اعتبار یک عده از آقایان محترم بودند گویند آقای مهندس فریور تشریف نداشتند که بنده عرض کردم ولی کسی عرض بنده را گوش نداد بعد از دو ماه آقایان گفتند که فرسخ درست میگوید آن منظوری را که ما داریم آن منظور با این رویه انجام پذیر نیست شما يك اکثریتی را در مجلس معین کنید و رئیس الوزرا و سایر وزراء و پروگرام را هم معین کنید بدهید بدستش پرود عمل کنند این اکثریت با يك فرانکسیون نیست رئیس الوزرائی که می خواهید اکثریت پیدا کنند باید بفرستند فرانکسیون مناجسه کنند همان کسی که فرسخ میگویند فلاکسی خوب است و اکثر معطل میگوید خوب نیست (دکتر امینی را آقای مجلس کسی را معرفی بکرده است و جمعیل بکرده است) چرا آقا بنده

چندین جلسه بودم و دیدم بنده کسی را به آقای ساعد تحصیل نکردم (مهندس فریور - نباید زیر بار تحمیل رفت) بالاخره يك اشخاصی که سوابقی داشتند آنها را آوردند به مجلس معرفی کردند ما بایستی يك قدری از نقطه نظر عمل قضایا را دقت کنیم آقای مظفرزاده در فرمایشات روز قبلشان نسبت به آقای کاظمی فرمودند که ایشان معایب را فرمودند و گفتند من رأی موافق میدهم البته یکی از مسائل موافقت با دولت هدایت دولت است چون ممکن است بعضی نکات را دولت فراموش کرده باشد و البته آن تذکرات را یادداشت میکند و در نظر میگیرد که اصلاح بکنند. آقای دکتر عبده در مذاکرات دیروزشان فرمودند که يك عده از همین لیسانسیه ها و فضلا مجبور شدند که وزارتخانه را ترك کنند.

(مهندس فریور - همه ترك کردند رفته اند بقالی میکنند زراعت میکنند)

فرخ - برای این بوده است که حقوقشان مکفی نبوده است و بقالی بفروش پیشتر بوده است از آنطرف بودجه هم که دولت دارد از حدود آن بودجه که نمیتوان خارج شد اگر این موضوع را در نظر بگیرید تصدیق میفرمائید که وزیر عدلیه هم شاید آنقدر مسئول نیست برای اینکه شما يك بودجه ای به او داده اید يك قانون استیضاحی هم هست و اینها باید رعایت این قوانین را بکنند. اگر رعایت نکنند خود شما و بنده از آنها استیضاح خواهیم کرد سؤال خواهیم کرد که چرا قانون را اجرا نمی کنید بنابر این بایستی امور را از هر دو جهت تحت مطالعه قرار داده بنده از همین نظر که باید در تعیین امور مشورت به دولت داده شود در یکی دو موضوع تذکر می دهم بعقیده بنده در برابر دولت يك موضوع فراموش شده است و او اسم وزارت جنگ است وزارت جنگ امروزی ما وزارت جنگی نیست که بعد از کار مملکت بخورد بعقیده بنده بایستی از سر نو مملکت جدیدی بدهد و مقدار قوای تأمینیه مملکت را معلوم کند و از افسران تحصیل کرده مجرب و با ایمان استفاده کند و اشخاص فاضل را خارج بکند و يك اصل

و باید از شما هم انتظار داشته باشیم برای اینکه سوابق خدمت شما و عدالت خواهی شما و آزادی خواهی شما را شما راهدایت میکند و ما باید از شما این انتظار را داشته باشیم ولی راه وصول را هم صلاحیت شما از ما بیشتر هست باید آقا خودتان در نظر بگیرید. موضوع دیگری را که بنده می خواستم عرض کنم راجع بوزارت فرهنگ است و در وزارت فرهنگ در درجه اول آسایش معلم است که بدون وجود معلم در وزارت فرهنگ این کار را نمیشود کرد بنده هم مدتی افتخار خدمتگزاری این وزارتخانه را داشتم در ولایات حقوق معلم پانزده تومان بود در این تغییرات ماهی سی تومان شد و بعد هم شصت تومان شد ما معلم ماهی شصت تومان حقوق میدهم در صورتیکه یک نفر کارگر روزی شش تومان اجرت میگیرد با این حال چطور میتوانیم معلم خوب داشته باشیم پس اولین قدمی را که وزارت فرهنگ بر میدارد باید برای آسایش معلم و تأمین آسایش آنها قدم بردارد اگر این قدم را آقا برداشتید سایر قدمها را موفق میشوید این را هم میدانم که بمحض اینکه آقا این پیشنهاد را بکنید وزارت دارائی میگوید بودجه نداریم اینجا است که بایستی هیئت دولت با المشاوره الاهم فلاحهم را در نظر بگیرند و واقعا يك کمکی بوزارت فرهنگ بکنند زیرا که قدم اول برای اصلاحات وزارت فرهنگ است اگر ما فرهنگ نداشته باشیم چیزی نخواهیم داشت و دیگر موضوع برنامه است بنده خیلی خوشوقتم آقای دکتر غنی که يك کسی مثل جنابعالی در رأس فرهنگ هستید که اهل تحقیق و تطبیق و کثات و درس هستید در موقعی که مرحوم اعتماد الدوله که خداوند رحمتش فرماید وزیر فرهنگ بود خدمات مهمی بوزارت فرهنگ کرد منجمله شاید آقا هم بی اطلاع نباشند که با مشاوره دبیرهای ادبی و استادان بالاخره پروگرام علمی و ادبی سه سال که با هم بود سه سال و سه سال ایشان جدا کردند و این لازم بود چرا برای اینکه شعبه ادبی محتاج است بمعلومات صرف و نحو عرب و ادبیات عرب و غیر از این باشد نمیتوان وارد در فهم مسائل ادبی شد متأسفانه آقای

اسمعیل مرآت وزیر فرهنگ شد آنوقت این آقا سه خدمت بزرگ کرد در فرهنگ یکی در عتیقات و یکی در معارف و یکی هم در اوقاف در عتیقات که اما مزاده یحیی را از بیخ صاف کرد اوقاف را هم قانون آورد بفروشد فرهنگ را هم بر گرامی درست کرد که چون سایرین چنین کردند ما هم چنین میکتیم آمدند پروگرام را عوض کردند شاگرد ادبی که باید برود بشعبه لیسانس و باید صرف و نحو و تاریخ و جغرافیا و منطق و بدیع این شعب را به بیند حالا دو سال مثلثات و دسکریپتیف و هندسه فضائی میخواند البته این علوم در جای خودش خوب است ولی بدرد شاگرد ادبی نمیر خورد نتیجه این است شاگرد که میرود لیسانس میشود آن اطلاعات ادبی را نمیداند صرف و نحو نمیداند چیست سواد فارسی را ندارد لیسانسیه شده ولی صفت مشبهه را نمیداند چیست این است که بنده از آقای دکتر غنی وزیر فرهنگ تمنا میکنم امتحان امسال که گذشت در مدت تعطیل تابستان دبیرهای قسمت ادبیات و استادان دانش سرا را جمع کنید و شورای عالی فرهنگ را تشکیل بدهید و استانیستیک و صورت این معلمین را در قسمت ادبی ببخواید و به بینید واقعا این پروگرام آن منظور ادبی را تأمین میکند یا خیر اگر ملاحظه فرمودید نمیکند توجهی بفرمائید که این عیب مرتفع شود قسمت دوم عرض بنده راجع بقسمت اوقاف است کلمه اوقاف در وزارت فرهنگ قبل از آقا جزو تیر و واقع شده بود هیچ توجهی باو نیست مثل اینکه وزارت معارف و اوقاف سابق اوقافی در آن نیست البته بعرضتان رسیده است که در فارس يك مقداری از املاك وقف تبدیل به ملك شخصی شده است در تهران هم سرایت کرده است قاسم آباد يك ملكی است که صد و هفتاد سال است وقف است وزارت داد گستری حکم وقفیت داده اجرائیه صادر کرده تصرف وقف داده وزارت فرهنگ و اوقاف عمل وقف کرده چند روز قبل يك محکمه برای رعایت نظر يك امیر لشکر حکم ملکیت داده در هر صورت اگر اداره اوقاف جزو وزارت فرهنگ است باید

حفظ کرد حالا ممکن است آقایان متولیان با يك عده هم دست شوند و تمام موقوفات ملك بشود با این قیمتی که پیدا کرده است.

یکی از نمایندگان - ملك شده است

فرخ - خوب بعد از اینهم خواهد شد که تمام موقوفات ورقات ملك را وقف کنند تمنی میکنم آقای رئیس اوقاف را بخواهید که اینها نظارت کنند و رقبات را حفظ کنند و البته این مسئولیت مربوط به آقا نیست متوجه وزراء سابق فرهنگ است ولی تمنی میکنم که آقا در این باب رعایتی و دقتی بفرمایند موضوع دیگری که بنده خواستم عرض بکنم راجع با استفاده از جوانان تحصیل کرده است این موضوع بسیار خوب است ولی این را خواهش میکنم کاملاً توجه کنید شاگرد هائیکه از مدرس بیرون میآیند دو طبقه هستند یکمدهای هستند که میتوانند شغلشان را در خارج پیدا کنند مانند طبیب مهندس يك دسته دیگر هستند که دولت باید از وجود آنها استفاده کند مانند کتر بیطار با اصطلاح اروپائی ها اثر نیر چرا؟ برای اینکه رعایای ما هنوز متوجه نیستند که برای ضبط اغنام و احشامشان مراجعه کنند اخیراً بنده شنیده‌ام که يك عده‌ای که دیپلمه بودند از وزارت کشاورزی اینهارا بیرون کرده‌اند اگر شما الآن طاعون گاوی که در سمت غرب هست چنانکه همیشه از آنجا سرایت میکند یا از سمت هرات یا از سمت جنوب شما که این دیپلمه هارا خارج کرده‌اید و اینها هم میروند هر کدام کار دیگری پیدا میکنند آنوقت شما دیگر بیطار ندارید شما که اینهارا بکلی خارج کرده‌اید اینها که میروند در خارج کار پیدا میکنند اینها را باید دولت از وجودشان استفاده کند چون کمتر کسی می‌رود بفکر بیطاری بیفتد این عده‌ای که هستند تشویق کنید تا مایوس بشوند قسمت دیگری که خواستم عرض کنم و آن يك قسمت خوبی است در برنامه دولت این قسمت تعقیب و مجازات آنهاست که از مقام خود بضرر دولت و ملت استفاده کرده‌اند این را بنده خواهش میکنم که همان آفتابه دزد باشد رئیس الوزراء دزد و وزیر دزد را هم تعقیب کنید

از بالا شروع کنید آن مقامات بالاتر که حالا بنده اسم نمی‌برم و باید محکمه و مقامات صلاحیت دار تعقیب کنند آن قسمت ها را تحت تعقیب قرار دهید و کابینه خودتان را نیکنام کنید يك عرض مختصر دیگری داشتم و آن يك پیشنهادی است که در این باب تقدیم مقام ریاست میکنم و اگر توضیحی لازم شد بعرض آقایان نمایندگان خواهم رسانید.

پیشنهاد آقای فرخ بشرح زیر خوانده شد:

اینجانب پیشنهاد میکنم ماده زیر به برنامه دولت اضافه شود.

ماده - دولت موظف است که حساب وزارت خواربار را از دو الی سه ماه دقیقاً رسیدگی کند و نتیجه قطعی آنرا به عرض مجلس شورای ملی ابرساند.

فراقی - در پایان مذاکره برنامه باید مذاکره شود

نایب رئیس - اینجا يك مذاکره راجع به تحمیل شد چون بنده میترسم از طرف آقایان نمایندگان و تماشاجیها يك سوء تفاهمی بشود بنده خواستم برای رفع این سوء تفاهم توضیحی داده باشم آنچه که بنده اطلاع داشتم هیچکس نه مجلس شورای ملی نه فراکسیونها نه منفردین نظری نداشته‌اند که وزیری بکابینه تحمیل کنند از ابتدای امر چیزی که مورد توجه آقایان نمایندگان بود این بود که باوضع فعلی کشور يك اشخاص . جدی . فعال بصیر دانائی وارد کار شوند که هم باری از دوش مردم بردارند و هم مجلس با اینها تشریک مساعی بکند شاید کشتی شکسته مملکت را به ورطه نجات برسانند بنابراین هیچکدام از آقایان نظری نداشته‌اند فقط از نقطه نظر همکاری و تشریک مساعی با دولت گفتند که با دولت همکاری کنیم و ممکن است يك صورتی بدهی داده شود که آقای ساعد بتواند از آن صورتهای استفاده کند و مخصوصاً گفته شد که بهیچوجه نظری نخواهد بود که حتماً از توی این صورتهای وزرائی انتخاب بکنند حتی بعضی از آقایان از دادن صورتهای امتناع کردند بنده این موضوع را لازم دانستم که توضیح بدهم که کسی تحمیل بدولت نکرده است. (نمایندگان گاهی صحیح است)

نایب رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده تصدیق میکنم که هم مجلس خسته است و هم آقایان وزراء و هم آقایان تماشاجیها باتی جهت خیلی خیلی مختصر عرایض خودم را عرض میکنم و آنچه را که میخواستم عرض کنم چون آقایان مذاکره کرده‌اند صرف نظر میکنم و فقط میپردازم به آن قسمتهائیکه مذاکره نشده است اولاً آقای اردلان و هم آقای آقا سید ضیاءالدین فرمودند که در این مدت گذشته اشخاص میترسیدند حرف بزنند و هم میترسیدند که گزارش بدهند میخواهم عرض بکنم که اینجور نبود یکمده ای بودند که نمیترسیدند و در مواقع خودش حرفهای خودشانرا زدند بنده خودم مخصوصاً راجع به دادگستری گفته‌ام چون عرایض بنده بیشتر در دادگستری است همان روزیکه قانون اساسی را آوردند و همان روزیکه فرمودید هیچکس جرئت نداشت حرف بزند بنده در دو جلسه در این مجلس صحبت کرده‌ام و برای اینکه مختصر میخواهم حرف بزنم بنده يك قسمتش را از اداره بایگانی مجلس گرفته‌ام اینجا عرض میکنم بعد از آنکه رئیس به بنده اجازه میدهد (بنده در جلسه قبل راجع به بلایحه تقدیمی آقای وزیر عدلیه که بعقیده خودم راجع به تغییر قانون اساسی است در اینجا عرضی کردم اگر چه از طرف آقای وزیر عدلیه و از طرف آقای رئیس جوابی به بنده داده نشد ولی آقای مؤید احمدی جوابی به بنده دادند که بعقیده خودم بی لطفی بود (کازرونی - صحیح است) برای اینکه بنده اعتراض کردم باینکه قانون اساسی را کمیسیون عدلیه حق ندارد تفسیر کند (کازرونی - صحیح است) آقا به بنده جواب دادند که ما قانون محاکمه وزراء را گذرانیدیم ما اعتراضی نداریم البته کمیسیون عدلیه از طرف مجلس شورای ملی مأموریت دارد يك قوانین قضائی را که وزیر عدلیه بمجلس پیشنهاد میکند برای آزمایش موقتی بتصویب برساند بدست وزیر عدلیه بدهد که در موقع اجراء اگر عیوبی چیزی هست معلوم شود بعد برای تصویب قطعی بمجلس شورای ملی بیاید بنده در این خصوص ابداً حرفی ندارم هیچ

اعتراضی ندارم ولی این مربوط بقانون اساسی نیست اینجا یا بعقیده آقای وزیر عدلیه برای تفسیر آورده‌اند یا بعقیده بنده برای تغییر قانون اساسی است بنده عین ماده قانون اساسی را اینجا الان قرائت میکنم. دواصل است که برای تغییر است یکی اصل هشتم و یکم میگوید «هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمیتوان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید» اصل هشتم و دوم خیلی واضح میکند می‌گوید «تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمیشود مگر برضای خود او» یعنی نمیشود این حاکم عدلیه را از صندلی تمیز هم برش داشت بشعبه دیگر تمیز فرستاد حالا چون اصل موضوع مطرح نیست موضوع را میگذارم بموقع خودش و نظر خودم را در آنجا عرض میکنم و برخلاف من آقایانیکه عقیده دارند فرمایشات خودشانرا میکنند بعد اکثریت آقایان هر چه رأی دادند مطاع و متبع است ولی بنده يك عرضی دارم و آن این است که اصلاً آقای وزیر عدلیه قانونی را که بمجلس پیشنهاد کردند خودشان بعنوان تفسیر قانون اساسی پیشنهاد کردند تفسیر قانون اساسی هم بموجب خود همان قانون اساسی میگوید اختصاصاً بمجلس شورای ملی است در ذیل اصل بیست و هفتم میگوید اختصاصاً بمجلس شورای ملی است. بنده گمان میکنم اگر تفسیر يك ماده قانون اساسی را یک روزی دولت لازم بداد و بی‌آورد بمجلس شورای ملی این مانعی دارد که ما بدون هیچ دلیل وجهه و سببی يك کاری که برخلاف قوانین عادی و قانون اساسی است بکنیم که قانون اساسی بگوید اینجا محرمه برود کمیسیون عدلیه تصویب بشود؟؛ برای چه؟؛ بچه مناسب است؟ بچه دلیل؟ حالا عقیده بنده غلط است حالا بنده نمیگویم تغییر قانون اساسی است تغییر نیست تفسیر است. غیر از تفسیر که معنای دیگر تفسیر نیست تفسیر است خودشان نوشته‌اند تفسیر ولی چون تفسیر است باید بیاید بمجلس شورای ملی و اینجا بنده در آخر عرضم از مقام ریاست هم تقاضا میکنم که چون اینجا اصلاً برخلاف نظامنامه

داخلی مجلس بکمیسون عدلیه رفته امر بفرمایند اداره تقنینیه از کمیسون عدلیه مسترد کند) موارد زیادی هم دارد که اگر بخواهم عرض کنم اسباب دردسر میشود بنده را و قتیکه یکی از حضرت اجل ها مورد تهدید قرار داده بود جواب بهش دادم چون من در زندگانی يك مرتبه میبیم از هیچ مقامی نمیترسم و در عین حال بتمام مقامات و نظامات احترام میگذارم همین آقای دکتر میلیسپو که استخدام ایشان مورد بحث است بنده با بقی ایشان در ایران موافق بودم در هیئتی که ریاست مرحوم مستوفی الممالک بود در آنجا سه چهار نفر بودند که با ایشان موافق بودیم بنده بودم آقای علاء بود آقای حاج مخبر السلطنه بود و یکی دو نفر دیگر یکمده ای هم مخالف بودند ولی با موافقت ما تواستند که این کترات را درست کنند و حتی در شب آخر یادم هست که مرحوم داور آمد بمنزل و گفتند موافقت بکن این کار را اگر نکنی تو را در کابینه دعوت نمیکنند گفتیم نکنند حالا شاید دیگران هم بودند که نترسیدند اما موضوع عرض بنده بیشتر راجع بقضیه دادگستری است بنده هم وزیر دادگستری بودم هم محبوس واقع شدم عرض کنم این دادگستری که فعلاً آمده اند صورت داده اند و اسمش را دادگستری گذارده اند و فعلاً ما داریم این دادگستری بعقیده بنده اگر نباشد بمراتب بهتر است (نمایندگان - صحیح است) بنده لازم نیست که توضیح زیاده تری بدهم الان در وزارت دادگستری معمول فعلی این است که هر موضوعی که از آفتابه دوز تجاوز کرد و تا موضوع رسید بدو هزار تومان بیلا فوراً یا آن دادستان مربوطه یا جا کم محکمه تلفن میزند بوزیر که نظر مبارک چیست که باید تبرئه کرد یا او را محکوم کرد.

ساسان - فعلاً معکوس است بالاتر حکم میکند که این کار را بکنند یا نکنند.

فاطمی - بنده عقیده ام این است که وزراء دادگستری باید رابط باشند بین قوه قضائیه و قوه مقننه هیچ کار دیگری نباید داشته باشند (نمایندگان - صحیح است) این عقیده

کلی بنده است عرض کنم این عدلیه دنیا پسندی را که آوردند برای مادرست کردند البته بنده روز اولش قضا بایش را استنباط کردم آنوقتی که خودم استنباط کردم وارد شدم در عمارت برلیان دیدم قوه قضائیه را در درجه سوم قرار داده اند اعتراض کردم آقای معاون الدوله غفاری گفتند که دستور در بار است گفتیم باید یا عوض کنید یا اینکه همه شان را بر میدارم و میروم فردا هم رفتم در هیئت دولت گفتم که بنده نمیتوانم هر روز این دعوا را داشته باشم بنده و قتیکه دیدم آقای حاج سید نصر الله رئیس تمیز و سایر قضات زیر دست نایب سرهنگ شهربانی دو عمارت موزه ایستاده اند دو سه نفر از آقایان که شاید یکیش همین آقای میرزا محمد رضای وجدانی بود قهر کردند و آمدند ولی متأسفانه آقای حاج سید نصر الله قهر نکرد در صورتیکه همینطور که بنده دولت را گناهکار میدانم بعضی از قضات را هم گناهکار میدانم بنده عقیده ام این است که آقای حاج سید نصر الله رئیس دیوان کشور که مقامش با مقام نخست وزیر یا رئیس مجلس یکی است بایک تفاوت که به آقای نخست وزیر هر وقت رأی ندادیم و هر وقت اظهار عدم اعتماد کردیم رئیس الوزراء نیست ولی او را قانون اساسی مقامش را معین کرده اگر آن روزیکه آقای نیرالملک را از عدلیه بر داشتند که چرا آقای منصور تبرئه شده است و بایشان گفتند بروید رئیس دیوان کشور بشوید ایشان قبول نمیکرد یا در روزیکه ایشان را بردند زیر دست فلان سرهنگ شهربانی یا امنیه که جزء ضباط عدلیه است ایشانرا نگاه میداشتند اگر قبول نمیکرد هیچ اتفاقی نمی افتاد (نمایندگان - صحیح است) البته بودند اشخاصیکه تحت تأثیر واقع شدند مثل اینکه شعبه تمیز را روی يك چیزهایی منعزل کردند پس آن قضاتی که شجاعت کردند و تحت تأثیر واقع نشدند هیچ اتفاقی بر ایشان پیش نیامد بهر حال اساس وزارت دادگستری یعنی آن نظری که بنده دارم راجع بدادگستری که اساس آن علاوه بر سایر قسمتها جا کم مختلط است که دیروز هم اینجا صحبت شد که يك محکمه جدیدی هم برایش درست بکنیم بنده با دیوان کیفر کارکنان دولت

مخالفم با دیوان دارائی مخالفم با هر محکمه ای که غیر از خود وزارت دادگستری و محاکم عمومی باشد مخالفم (نمایندگان - صحیح است) چرا؟ برای اینکه بنده عرض کردم يك تاجر را میبرند در يك محکمه دیگر محاکمه میکنند و آن يك نفر مستخدم و نوکر دولت را میبرند در يك جای دیگر این برای يك مقصود هائی بود ولی امروز فایده ندارد محاکم باید یکی باشد یکی دیگر مسئله قوانین خصوصی است دیروز یکی از آقایان ذکر کرد که قوانین ما اساسی دارد مثلاً همین قانون اساسی معروف است در بین و کلای دادگستری بقانون دکتر افشار خود مرحوم داور بردش در عدلیه و داور بایک دستوری داد که فلان کار را بکن گفت نمیکنم و حکم تغییر مأموریتش را داد گفت بموجب قانون اساسی نمیتوانی بکنی دیگر قانونهائی که معروف است قانون حاج رحیم آقا قانون فلان قانون فلان اینها را آقای وزیر وادگستری باید بیاورد و از بین ببرد بنده عرض نمیکنم که فردا که تشریف بردند این پیشنهاد قانون اساسی را بیاورند و تغییرش بدهند خیر تشریف ببرند آنجا خودشان بهتر از من میشناسند آن قضاتی را که بایک تلفن نایب سرهنگ که میگفت حضرت اجل فرموده اند چنین و چنان بکنید و هزار دلیل غیر موجه برای آن موضوع درست میکرد اینها را بگذارید کنار آن خوبها را بیاورید آنهاییکه در آن عصر شجاعت کرده اند آنهارا تشویق بکنید و بکارهای خوب بگمارید آنوقتی و قتیکه فراغت پیدا کردید باید این قانون اساسی به قوت خود بر گردد والا تا وقتی که قاضی مستقل نباشد کاری نمیتواند بکند باید استقلال کامل بهش داد بنده استدعایم راجع بدادگستری از آقا این است يك موضوع دیگر که اینجا هیچ گفته نشد این تجاوزانی است که شده يك گزارش است اینجا توی روزنامه نوشته شده بامضاء سرتیپ علائی راجع بنظام وظیفه بنده يك قسمتش را مجبورم بخوانم گزارشی است که بستاد ارتش میدهد محرمانه: (خنده نمایندگان)

(در هر مرتبه که سر بازان جمع آوری میشدند مدت دو سه ماه آنها را در کاروانسراهای بم و کرمان به حال اسف آوری

نگاهداری و بعد از آنکه عده مریض میشدند از بقیه هر چه که ممکن باشد اخاذی کرده مرخص مینمودند و این کار را در عرض سال چند مرتبه تکرار مینمایند

هاشمی - بنده باید بگویم صحیح است و صحیح هم هست

فاطمی - موارد از این بدتر هم دارد چون نمیخواهم

زیاد دردسر بدهم برای اطلاع آقای وزیر جنک عرض میکنم

زیرا بنده از سایر جاها اطلاع ندارم ولی در ناحیه خودم

اطلاع دارم که رؤسای حوزه یا منطقه قسمتهای معین دارد

مثلاً يك بلوک پنجهزار تومان است آنجا ده هزار تومان

آنجا سه هزار تومان چند ماه قبل نمیدانم چطور شد که

قدری وضعیت بهتر شد نمیدانم در نتیجه مراقبت رئیسی که

داشت بود یا يك جهات دیگری داشت دومرتبه صد در صد

بدتر شده است این را باید يك توجه کاملی مبذول فرمائید

که علاج اساسی بشود. یکی هم موضوع مسئله کشاورزی

است که مهم است مسئله کشاورزی را هر چه باید بگوئید

گفتند ولی اینکه گفته نشد موضوع دفع آفات نباتی و

حیوانی است ما همه چیز را بکشاورزی مصالحه میکنیم

مشروط بر اینکه برای مامتخصصین دفع آفات نباتی و حیوانی

بیاورند بنده اطلاع دارم که در اغلب نقاط يك آفاتی وارد

میشود ولی بواسطه جهالت و بی اطلاعی اقدامی نمی شود

مثلاً بنده خودم را عرض میکنم که مورد ابتلای خود بنده

است بنده خودم با برادرهایم چهار هزار درخت پسته داریم

این درختها گل میکنند و پسته هم میدهد ولی سالها است

که بواسطه شته ای که دارد میریزد ولی ما نمیدانیم چکار

بکنیم بنده یادم هست موقعیکه آقای فرخ رئیس کشاورزی

بودند در این موضوع يك مقالاتی در شفق سرخ نوشتم و از

آنروز بدولت تذکر دادم کشاورزی مطبوعه میخواهد چه

بکند مطبوعه باین طول و عرض برای چه بنده با این فرم

مدلهائی که درست میکنند با تمام اینها مخالفم يك کاری

بکنید که بدر مردم بخورد امروز امریکائیها در این مملکت

هستند باید از وجود آنها استفاده کنند بنده شنیده ام که

اینها يك ماشینهای آورده اند در نقاط همدان و سایر جاها

استفاده از آب میکنند چون عرض کردم در سابق وسایل نبود. رویه ای نبود که بخواهند از نقطه نظر عمران و آبادی اقدام بکنند برای اینکه در تمام این مدت مراقب بودم آقا کدام سد بسته شد؟ تمام حرف بود عمل نبود کوچکترین چیزی ما ندیدیم باید این حشو و زواید را بریزید دور آنچه چیزی که بدرد مملکت میخورد اقدام کنید الا آن وزارت کشاورزی چندین ملک از وزارت دارائی اجاره کرده است ولی بنده با آقایان قول میدهم که وزارت کشاورزی بقدر يك مالك عادی که میتواند از ملکش استفاده کند وزارت کشاورزی نتوانست استفاده کند در صورتیکه هزار جور وسایل هم در دست داشته کامیوهای متعدد، کودهای شیمیائی این است که با اندازه يك مالك عادی نتوانسته اند استفاده کنند این است که بنده معتقدم بایستی این رویه را عوض کرد بنده سایر قسمتها را عرض نمیکنم فقط میپردازم بیک قسمت به آقای هژیر و وزارت کشور که باید یک قدری شجاعت داشته باشید حالا که موقع ترس نیست شجاعت کنید ترسید باید این اصول هرج و مرج برداشته شود این اصول دموکراسی نیست معاون حرف وزیر را نمیشنود مدیر کلی حرف او را نمیشنود. حاکم حرف همه را نمیشنود حالا بنده يك موضوعی را نمیخواهم عرض بکنم شاید جنبه غرض شخصی باشد در همین روزنامه اصفهان است که یکی از حکام لغات فرهنگستان را ملفی کرده است بدستور خود بنده خودم طرفدار لغات فرهنگستان نیستم ولی هر کاری يك مقرراتی دارد این حاکم برداشته است يك متجذباتی داده است. بدارات و لغات فرهنگستان را ملفی کرده است این دموکراسی نیست این لجاجت است این خوب نیست باید توجه کنید يك کسیکه یک قدری لجاجت کرد يك کسیکه برخلاف رویه اش رفتار کرد منفصلش کنید رئیس مجلس ملت يك موضوع دیگر که خواستم عرض کنم موضوع انتخابات است که شنیده ام انتخابات بعضی جاها با نفوذ و غیره و هنوز مانده است حالا دیگر

بفرمائید هر جا که انتخاباتش مانده است زودتر شروع کنند بنده دیگر عرایض خودم را خاتمه میدهم.

نایب رئیس - آقای دولت آبادی

دولت آبادی - بنده نه بنام موافق و نه بنام مخالف اسم نوشته ام ولی مذاکراتی که پیش آمد با در نظر گرفتن وضعیت مملکت ایجاب کرد که بنده صحبت بکنم و بنام موافقین دولت هم صحبت بکنم با تمام شرایطی که در موافقت جمع است البته میتوانم بملت تبریک بگویم که در مجلس يك آزادی و يك وضعیتی پیش آمده است که همه کس و همه آقایان نمایندگان میتوانند منویات خودشان را روی مصالح مملکت با کمال آزادی بگویند و مورد توجه و دقت قرار بگیرد و امیدوارم از این آزادی نتایج بزرگی عاید مملکت شود اما چرا من بنام موافق صحبت میکنم اتفاقاً در خارج از مجلس جلسات عدیده با دوستان عزیز خودم دیدم که بنام مخالفت با دولت صحبت کرده اند مباحثه کردند من با آنها گفتم که اوضاع رقت بار مملکت ایجاب میکند که بهجرات و باین جریان زود تر خاتمه داده شود منی که بنام موافق با دولت صحبت میکنم تصدیق میکنم که این کابینه کابینه آینده آل نیست و خود آنها هم همچو ادعائی ندارند

یکی از نمایندگان - مقدمه ایته آل است

دولت آبادی - ولی نباید فراموش کرد که اوضاع مملکت اجازه نمیدهد که موجودی را ببریم و بجای او موجود دیگری نداشته باشیم بگذاریم این نکته را باید توجه کرد بنده به رفقای خودم گفتم که اگر شما در نظر دارید که کابینه دیگری بیاید من هم موافقم و آقای ساعد هم موافق است ولی باید بگوئید که رئیس الوزراء کیست و وزرایش کی است اگر خواستید دخالت بکنید با رفقای دیگر هم صحبت بکنید دست و پا بکنید برای او اکثریت تحصیل کنید اگر ادله مثبتی دارید که اینها بروند و دیگری بیاید روی فضایل و مناقب آنها صحبت بکنید و رفقای خودتان را حاضر بکنید و بعد از آن بگوئید که آقای ساعد و کابینه آقای ساعد بروند کابینه حسن بیاید کابینه حسین بیاید ولی

فکر کنیم که موقعیت رقت بار مملکت اجازه نمیدهد که بیشتر از این مملکت را معطل کنیم دوستان بنده که میفرمایند بحران نیست خواهش میکنم که پایشان را از تهران بیرون بگذارند به بینند بحران هست یا نیست (یکی از نمایندگان دو سال است بحران هست) بالاخره این فکر هم بکنیم که مجلس بایک نظر اجمالی بمملکت بایستی راضی شود که مملکت را دوچار بلا تکلیفی نگذارد چرا؟ بنده میخواهم من باب مثال برای استحضار خاطر نمایندگان محترم عرض کنم که هیئت دولت روز شنبه دیروز اینجا بودند بنده اطلاع دارم که در دفتر نخست وزیری يك کمیسیونی بود برای رسیدگی بوضعیت خواربار مملکت ولی دولت در آن روز نتوانست برسد چه روزی بود؟ روزی بود که باید برای مملکت يك تصمیم قطعی بگیرند نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که يك روز از وقت مملکت گذشت روزیکه بایستی در آن روز بهاره کاری شده باشد روزیکه باید نقشه برای مملکت که تهدید بقحطی میشود تهیه کرد.

اردلان - اینطور نیست باران آمد.

دولت آبادی - امیدوارم اینطور باشد البته من هم بدین لیستم اینهارا میگویم که پیش بینی بشود آقایانیکه با دولت مخالفت فرموده اند و روی اجزاء صحبت کرده اند البته حق دارند صحبت بکنند و البته بجا و بموقع است ولی بعد از آنکه نسبت به آقای ساعد رأی داده شده است و ایشان کابینه را تشکیل دادند اینکه میگویند مطلقاً بایشان نظر داده نشده است من منکر نظر داده شده است لا اقل نظر فراکسیون این را نمیشود مجلس منکر شود در صورتیکه از روز اول باین نظر مخالف بودم و آقایان عرض کردم يك نکته دیگر که قابل توجه است که آقایان تصور میکنند که اگر کابینه آقای ساعد بدکار کرد فردا با هر روز دیگر هر وقت که وظایف خودشان را انجام نداد یا کابینه ایشان خوب کار نکرد نمیتواند دولتشان را استیضاح کنند بگویند بروید خوب کار نکرده اید من که بنام موافق دولت بنجاص صحبت میکنم اگر کوچکترین قصوری را از فرد فرد آقایان وزراء با وضعیت رقت بار فعلی امروز ببینم شخصاً از آنها استیضاح

خواهم کرد ولی قصاص قبل از جنایت نخواهم کردم بگویم آنها را بگذارید بروند کار بکنند يك موضوع دیگری که در کار ماست و خیلی بدهم هست و باید آن اصلاح شود این است که ما دفع الوقت زیاد داریم و این بدی در تمام شئون زندگی ما پیدا کرده است همان رفقای من که من با آنها صحبت کردم که يك افرادی را نامزد بکنید برای شغل ریاست وزرائی که اگر فردا دولت مشغول کار شد مانعی ندارد که از همان فردا شروع کند و روی آن نظریات خودشان را ایجاد کنند ولی متأسفانه این طرز نمیشود این کار را نمیکند میگذارند در يك موقعی که باید این کار را بکنیم دیگر کسی را نداریم در جلسات خصوصی مجلس با کمال تأسف و تأثر ابراز داشتم که این بدبختی مملکت است که وقتی که صحبت در وزراء میشود ما باید بین سهیلی و ساعد مراغه صحبت بکنیم چرا نباید در مملکت کسی دیگر را نداشته باشیم.

مهندس فریور - صحبت سهیلی هیچ نبود.

دولت آبادی - آنروز را عرض کردم جای بسی تأسف و تأثر است که ما ۳۰ سال قبل از این که قافله های فضل و دانش را که باروفا فرستادیم در همین مملکت بیش از سی نفر از رجال و مردمان بزرگ بودند که ما میتوانستیم آزادانه و با اعتماد کامل بفضیلت و تقوای ایشان بین آنها دولت هائی انتخاب بکنیم.

یکی از نمایندگان - حالا هم هستند.

دولت آبادی - اگر هم هستند من منکر لیستم کابینه هنوز مهیا و معرفی نشده چنانچه در همان جلسه بنده با کمال شدت وحدت و با کمال علاقه قلبی ابراز داشتم که باید دست جوانان فاضل و تحصیل کرده را گرفت و آورد روی کار و امروز هم منکر این عقیده نیستم و شاید هم تا حدی گله مند باشم از نظر تحصیل که چرا استفاده از جوانهای ما در کابینه نشده است من با رفقای خودم مخصوصاً در همین مجلس با آقای رئیس الوزراء صحبت و مذاکره کرده ام که در معاونت و پست های مؤثر و مهم از وجود جوانان استفاده نمایند.

مهندس فریور - بخدا نخواهند کرد.

دولت آبادی - اما از این موضوع که بگذریم من دلیل خودم را بر موافقت تشکیل این کابینه و شروع آنها بکار گفتم که چیست بنده عقیده دارم که بهتر اینست که قضایا را از هم تجزیه کنیم بجای تذکرات که لازم است داده شود والبته باید هم داده شود والبته لازم است که مجلس راهنمائی دولت باشد ولی باید سعی کرد که آنها را طبقه بندی کرد البته بیدرمان زیاد است مشکلات فراوان است ولی باید سعی کرد که طبقه بندی کرد **آلاهم فالاهم** را در هر کاری در نظر گرفت بنده عقیده ام اینست که امروز موقع فلسفه اجتماعی در مملکت نیست امروز باید فکرتان کرد برای مملکت امروز باید فکراساسی کرد بنده در چهار ماه پیش از این که آقای دکتر میلسپو را در اصفهان ملاقات کردم بایشان تذکری دادم گفتم آقای دکتر میلسپو حتماً طبق قانون جدیدی که آورده اند درست یا نادرست بایستی از املاک مزروعی مالیاتی وصول کرد و شروع بکنید به ممیزی تا فرصت دارید این ممیزی املاک را شروع بکنید ضمناً یک میزانی بدست شما میآید که میزان عایدی املاک چیست زیرا که بنده دو سال قبل از نزدیک مشاهده میکردم روزگار بد این مملکت را با پریشانها و درد های بیدرمانی که دارد بجای پنجهزار نفر . شش هزار نفر مأمورین غله بفرستید میزان استعدادی هر محل را پیش بینی کنند وضعیات طبیعی سال حکم میکند که آن سال خوب است یا متوسط است یا بد است بآن میزان از آنها بکسبید اینقدر مردم را تحت شکنجه مأمورین قرار ندهید الا آن هم باید تذکر بدهیم که از آقای وزیر دارائی و هیئت دولت تمنا میکنم برای این که قدم عملی برداشته شده باشد و اوقات کمیسیونها بهدر نرود پیشنهاد میکنم و تمنی میکنم کمیسیونهایی که مورد اعتماد باشد تا وقت نگذشته است تشکیل دهند چون الا آن در بعضی نقاط مملکت ضبط غله شروع شده است یا لا اقل حصاد شروع شده است باید کمیسیونها را معین کنند و به تمام نقاط مملکت اعزام دارند و میزان متوسط ضبط محصول را معین کنند و هر کجا که کسر دارد از جاهایی که انشاء الله زیاد دارد آن کسری را

تقدیم میکنم: از اتومبیلهایی که زیر پای مأمورین و رؤسای ادارت و مأمورین وزارت جنگ هست تعداد زیادی از آنها بیهوده و بدون فایده زیر پای آنها است من پیشنهاد میکنم در هیئت دولت صحبت کنند پنجاه تا از این کامیونها و اتومبیلها را بگیرند و پست های سیدار بهداری برای مبارزه با مالاریا به فرستند و از مصارف بیهوده که در وزارت بهداری و جاهای دیگر میشود بزنند و صرف این کار کنند و مردم سالم تهیه کنند و مخصوصاً تمنا دارم نسبت باین موضوع بخصوص توجه بیشتری بکنند راجع به فرهنگ و اصلاحات داد گستری تمام موضوع هائی بود که آقایان دیگر مخصوصاً آقای فاطمی متذکر شدند که نقص قوه قضائیه از کجا است استقلال قوه قضائی با بودن محاکم اختصاصی معنی ندارد راجع به فرهنگ هم امیدوارم موردی پیش بیاید که بنده مفصلاً صحبت کنم و افکار و عقاید خود را از نقطه نظر نمایندگی بگویم ولی یک موضوع دیگری را هم که نمیخواهم فراموش شود و باید بگویم این است که در موضوع پنبه و صحبت هائی که آقای مهندس فریور دوست عزیز بنده فرمودند بنده هم علاقمند بودم و تلگرافاتی از نقاط مختلف مملکت داشتم که خواستم روی آن اقدام شود تلگرافاتی از کرگان و ساری و سایر نقاط مازندران و اصفهان داشتم در این موضوع در اولین فرصتی که دست داد بنده از آقای وزیر کشاورزی وقت گرفتم و رفتم بوزارت کشاورزی دو ساعت تمام راجع به موضوع پنبه با حضور رئیس اداره پنبه صحبت کردیم مشکلات خیلی زیاد است ده میلیون پنبه در نواحی مختلف مملکت زیر نظر وزارت کشاورزی است و هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است و یک مقداری هم در حال تلف و در دست تصنیع افتاده است پول هم بمردم داده نشده است در این موضوع چنانکه به آقای وزیر کشاورزی هم گفتم من معتقدم که بایستی دو اداره داشت یعنی کشاورزی دو اقدام باید بکنند یکی از نظر جمع آوری محصول و یکی هم از نظر بهبود زراعت پنبه که یکی از مایحتاج اساسی ماست البته این کاریک برنامه وسیع زراعتی میخواهد که بایستی روی آن اقدام کنند و فعلاً اقدامی که

مؤثر بوده است و ایشان کرده اند (دولت نکرده است) خدمت آقایان نمایندگان لازم است عرض کنم که یک مقداری پول برای پرداخت به صاحبان پنبه فرستاده شده است و یک مشکل دیگری هم که در کار پنبه بود این بود که مقداری پنبه در شمال مانده بود که وسائل باربری نبود اخیراً موفق شده اند که وسائل بیشتری برای حمل پنبه از باربری شمال استفاده کنند و امیدوارم تا حدی این مشکل رفع شود. موضوع دیگری که این جا صحبت شد و بنده ناچارم توضیحاتی عرض کنم که رفع ابهام شده باشد راجع به ایالات است آقای آقا سید ضیاء الدین بیاناتی فرمودند و متأسفانه خودشان تشریف ندارند که بشنوند ولی بخود ایشان در خارج گفتم ایشان تجویز کردند یا فتوی دادند که ایالات اگر مسلح باشند خوبست بنده بایشان مثل سایر آقایان نمایندگان که ارادت دارم ارادت دارم ولی مرید متعبد هیچکس نیستم مرید با اراده هستم و تسلیم منطق هستم حرف خوب ایشان خوب است حرف بدایشان بد است تصدیق میکنم که در بدن افراد ایالات و عشایر بهترین خون پاک ایرانی موجود است ایالات و عشایر بدون تردید با خون فرزندان رشید خودشان در مواقع عیدیه برای مملکت فداکاری کرده اند و از آزادی مملکت دفاع کرده اند تصدیق میکنم که با ایالات بدرقتاری شده است و آنها را اذیت کرده اند و مالشان را برده اند (صحیح است) وقتی که بنده سیمای آقای اسعد را می بینم هنوز آثار آزار و شکنجه های دوره حبس را در سیمای ایشان مطالعه میکنم و همچنین سایر آقایان (بکنفر از نمایندگان - آقای قبادیان راهم بفرمائید) بنده راجع بهمه گفتم اما با تمام این وضعیات مجبور نخواهیم بود که اسلحه دست آنها بدهیم بنده با حکومت ملوک الطوائفی مخالفم و این ترتیب مخالف بالاستقلال مملکت است (صحیح است) ایشان در اظهار این عقیده بی لطفی کرده اند بای مطالعه فرمودند این را بنده تصدیق میکنم و باز هم تصریح میکنم به ایالات و عشایر باید املاکشان را پس داد بلکه با ضعاف مضاعف آنچه غرامت آنها متحمل شده اند بایستی مملکت بآنها بدهد و آنها را در آسایش و رفاه قرار بدهد

من باز تکرار میکنم که ایلات و عشایر مایه امید قطعی و قلبی این مملکت هستند و بایستی همانطور که پیشنهاد شد شورای عالی عشایری تشکیل شود بایستی با آنها همدردی کرد بر جراحات گذشته آنها مرهم گذاشت و التیام داد و از آنها باید تشویق کرد ولی در عین حال تنها و فقط اسلحه باید در دست دولت باشد تسلیح عشایر موضوعی ندارد و نباید اسلحه در دست آنها باشد و تقاضائی که بنده در خاتمه عرایض دارم این است که اگر چه خود بنده گفتم زیاد دارم ولی تاحدی که لازم بوده است مطالب گفته شده است اگر آقایان وجود بحران را قائل هستند باختصار بگویند و زودتر مذاکرات کافی شود که تکلیف دولت معلوم شود.

وزیر مشاور (آقای بیات) - آقای نخست وزیر در این دوسه روزه که در اطراف برنامه مذاکره میشد اینطور نظر داشتند که از طرف دولت کمتر صحبت شود و آقایان موافق و مخالف هر نظر اصلاحی که دارند اظهار بفرمایند که حقیقه برای دولت اطلاعاتی بدست بیاید که شاید بتواند از آنها استفاده کند و بموقع اجرا و عمل بگذارد و بهمین جهت بود که آقایان رفقای مادر صحبت کمتر وارد شدند و البته مذاکرات و فرصت را به آقایان نمایندگان دادیم که آنچه نظر دارند بفرمایند ولی بنده برای این که یک قسمت مذاکرات در اطراف وزرای دارائی این مدت و همچنین راجع به میسیون امریکائی شد لازم دانستم که در جواب اظهاراتی که شد مختصری عرض کنم. آقایان مستحضر هستند که بنده در دوره سیزدهم بسمت نمایندگی مفتخر و در مجلس بودم البته موقعی که میسیون امریکائی از طرف دولت پیشنهاد شد که برای خدمات مالی استخدام بشوند یک نظر سیاسی اساسی در این قسمت بود که همانطور که بعضی از آقایان هم اظهار داشتند از همان نقطه نظر سیاسی هم دولت و هم مجلس شورای ملی صلاح دیدند که برای اصلاح اوضاع مالیه مملکت و وضع اقتصادی مستشارانی از دولت امریکا خواسته شود و استخدام شود البته در این موقع بواسطه این که جنگ بود و وضعیانی که بود بالاخره موفق شدیم که آقای دکتر مهلیسپوزا برای

این خدمت استخدام کنیم و بایشان اجازه داد شد که هشت نفر نه نفر را همراه خودشان برای معاونت در کارهای خودشان استخدام کنند و بیاورند ایشان بایران آمدند و روی همان سابقه که داشتند در ایران با یک حسن نظری که از طرف مجلس شورای ملی شد ایشان مشغول کار شدند البته بعد از چندی از طرف دولت وقت از بنده تقاضا شد که بنده وارد خدمت وزارت دارائی بشوم در صورتیکه خود بنده مایل نبودم که از طرف مجلس کناره گیری کنم ولی بر حسب تقاضای بعضی از دوستان مجبور شدم ولی باز هم از نقطه نظر صلاح مملکت و از نقطه نظر اینکه بلکه بتوانم این نظر سیاسی که هست تصویب بکنیم و بتوانیم از این مستخدمینی که استخدام کرده ایم استفاده کامل کنیم و خدماتی را که انتظار داریم بطور خوبی انجام دهند بنده از این جهت این خدمت را قبول کردم و در وزارت دارائی مشغول شدم البته در قسمت وزارت دارائی و اموری که مربوط بوزارت دارائی بود از جمع آوری و چیزهای دیگر البته قدری بهتر شد ولی نمیشود گفت که آن اصلاحاتی که در نظر بود کاملاً اجرا شد با اینکه قضایای تثبیت و قضایای خواربار طرف اهمیت و طرف توجه دولت واقع شده بود و اجناس روز بروز ترقی میکرد دولت در نظر گرفت این قسمت را هم بدکتر میلسپو واگذار کند و ایشان برای اینکار اختیاراتی خواستند که آن اختیارات را دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرد و در مجلس شورای ملی هم آن اختیارات برای دکتر میلسپو تصویب شد. در قسمت قرارداد و استخدام اولیه البته همانطور که مذاکره میشود یک اختیاراتی در قانون استخدام بایشان داده شده که آن اختیارات در تحت نظر وزیر دارائی و با تصویب وزیر دارائی است ولی در قسمت اختیارات اخیر البته این اختیارات بشخص دکتر میلسپو داده شده حتی اگر بآن اختیارات توجه بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که نظر دولت و نظر دیگران در این اختیارات مداخلتی ندارد اختیاراتی است شخصی که ایشان میتوانند نسبت بامور تثبیت قیمت ها و

خواربار و نسبت بسایر چیزهایی که در آن اختیارات هست خودشان شخصاً تصمیم بگیرند و آئین نامه هائی بنویسند و بموقع اجرا بگذارند (مهندس فریور - پس وزیر دارائی لازم نیست) البته در قسمت امور وزارت دارائی که در تحت نظر وزیر دارائی بوده است تا مدتی که بنده بودم با شور و مشورت بنده انجام میشد و در این امور هیچ اختلاف نظری در اوائل امر بین بنده و ایشان نبود و امور مالی جریانات طبیعی خودش را داشت و ملاحظه میفرمائید بودجه پارسال هم که تنظیم شد بهمان ترتیب که تصویب شد جمع و خرج آن انجام شد یعنی آنچه که باید پرداخته شود پرداخته شد و آنچه که باید وصول بشود وصول شد و وضعیت مالی ما هم آنطور که اینجا اظهار شد در بحران نبود پارسال بطور عادی جمع و خرج مملکت بعمل آمد و احتیاج به هیچ نوع کمک و قرض خارجی پیدا نکرده است ولی البته در قسمت تثبیت قیمت ها و خواربار بطوری که عرض کردم اختیارات را مجلس شورای ملی باو داده است و دولت و هر وزیری که سر کار باشد فرق نمی کند چه بنده باشم چه آقای اردلان و چه آقای فروهر تفاوتی در این قسمت نیست آن اختیارات را ایشان دارند دولت هم موظف است تا موقعی که آن اختیارات به حال خودش باقی است اطاعت قانون را بکند یعنی هر وزیر دارائی یا هر دولتی که باشد تا وقتی که این قانون بقوت خودش باقی است مطابق آن قانون با میسیون امریکائی و دکتر میلسپو رفتار کند و ما نمیتوانیم با بودن آن قانون و اینکه مجری قانون هستیم برخلاف قانون رفتار و عملی کنیم. البته مشکلات مملکت هم زیاد است و اینهم یک چیزی نیست که بشود منکر شد دنیا در حال جنگ است اوضاع اقتصادی در همه جا سخت است و وضعیت همه جا مشکلات فراوان دارد از حیث حمل و نقل و تهیه اجناس در همه جا یک مشکلات زیادی هست و تا وقتی هم که این جنگ هست تاحدی این مشکلات خواهد بود ولی در قسمت تثبیت قیمت ها و غیره نظریات امریکائیها با مقتضیات مملکت ما تا یک حدی اختلاف دارد فرض بفرمائید در همین قسمت انحصار در جاهای دیگر با

امریکا طرز عمل انحصاری طرز منظم و مرتبی است و بهمان ترتیب مرتب عمل میکنند و پیش میروند ولی در مملکت ما امروز آن مقتضیات موجود نیست و البته طرز عملی که در امریکا هست در مملکت ما قابل اجرا نیست و در این امورات اینکه ملاحظه میفرمائید خوب پیشرفت نکرده ایم و یک نکس هائی پیدا شده است و یک عیبهای پیدا شده است یک اندازه آن از این جهت است که عرض کردم برای اینکه در آنجاها اگر قبول کنند که باید انحصار باشد کاملاً بمعنای انحصار عمل میشود بازار سیاه دیگر وجود ندارد ترتیب تقسیم هم از هر جهت و سائلش فراهم است ولی این کار در اینجا يك تئوری است زیرا نه وسائل کافی داریم و نه اسباب کارش را البته نمیتوانیم آنطور که باید عمل کنیم و آنوقت يك مشکلاتی پیش می آید. بنده تا زمانی که در مالیه بودم همانطور که عرض کردم مطابق قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته است نسبت به میسیون امریکائی عمل میکردم حتی در بعضی قسمتها اختلاف نظری اگر پیدا میکردیم رفع میشد ولی يك اختلاف نظری در اواخر بادکتر میلسپو بنده پیدا کردم در آن روزهای آخری که در وزارت دارائی بودم راجع به قیمت دخانیات که بنده نظر دادم که نباید قیمت بالا برود و ایشان برخلاف نظر بنده قیمت را بالا بردند و برخلاف نظر بنده خودشان دستور دادند و قیمت را بالا بردند بنده هم اعتراضی بایشان نوشتم و جوابی هم داده شد و بعد هم مطابق قرارداد ایشان بایشان نوشتم اگر این قسمت را رعایت نکنید و اصلاح نکنید من مجبور هستم مطابق آن ماده از قرارداد شما که تکلیف این قسمت را معلوم کرده است امر را به مجلس مراجعه کنم این بود که بعد مجلس خواست بنده از کار وزارت دارائی برکنار شدم و مجلس هم دوره اش تمام شد و سابقه این قضیه در وزارت دارائی هست و اینطور نبوده است که آنچه آنها بخواهند ما اجرا کنیم یا تسلیم محض باشیم ما آنچه را که قانون معین کرده بود البته طبق قانون با آنها رفتار میکردیم و همانطور عمل میشد حالا يك موضوعی است که بایستی تحت نظر بیاید و این قضیه يك موضوع مهمی

این بوده است که امروز لازم است در این مملکت يك اصلاحاتی کرد و شخص آقای نخست وزیر حقیقه يك آدم وطن پرست و صالحی هستند و هیچوقت راضی نبوده اند که برای ریاست وزرائی يك جزئی اقدامی بقدر سرسوزنی بفرمایند از طرف مجلس شورای ملی بایشان اظهار تمایل شد و ایشان هم البته بما ها اظهار تمایلی فرمودند که با ایشان همکاری کنیم و ما هم از نقطه نظر ارادت و ایمان و عقیده ای که بایشان داشتیم و از نظر اینکه امروز بر هر فردی لازم است که در مملکت هر چه از عهده اش بر می آید خدمت کند حاضر شدیم که با ایشان همکاری و کمک کنیم البته ایشان هم انتظار از مجلس شورای ملی دارند هم آقای نخست وزیر و هم هیئت دولت در این موقع سختی که ایشان این مسئولیت را قبول کرده اند بایشان باز نهایت صمیمیت همفکری و کار بکنند بلکه انشاء الله ما هم موفق شویم برای این مملکت در این موقع خدمتی بکنیم و اگر انشاء الله مجلس شورای ملی این موافقت را بفرمایند این مساعدت را بفرمایند کمک بایشان بکنند امیدوار هستیم که بتوانیم يك خدماتی بکنیم از آن طرف هم همانطور که اظهار شد اختیار بدست مجلس شورای ملی است و هر ساعتی که خدای نخواسته آقایان نمایندگان دیدند که يك اقدامی برخلاف مصالح مملکت کردند آن ساعت میتوانند نسبت بآن وزیر یا آن دولت یا شخص نخست وزیر هر نظری دارند اظهار بفرمایند ولی البته حکومت کردن قبل از عمل مقتضی نیست و امروز هم بنده عقیده ندارم که يك نماینده محترمی که مسئولیت امور مملکت را دارد امروز بگوید که من ناظر میشوم بنظر بنده هیچ مقتضی نیست امروز باید هر کس که يك مسئولیتی را در مملکت به عهده میگیرد بایستی حقیقه عقیده و آن نظریه خودش را اظهار بکند اگر واقعاً بودن این دولت را صلاح میدانند و میدانند که باید کار کنند و صلاح است روی کار باشد کمک کند و موافقت کند و اگر صلاح میدانند البته يك دولت دیگری را در نظر بگیرند که بتواند کار بکند والا يك دولت ضعیفی را درست کردن يك عده ممتنع شدن يك عده مخالف شدن يك عده موافق

شدن بعقیده بنده با مصالح امروز مملکت مقتضی نیست (صحیح است) این نظریه بنده بود و امیدوار هستم که مجلس شورای ملی با این دولت یا هر دولتی که امروز آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی در نظر میگیرند يك صورت واحدی را در نظر بگیرند و با آن دولت با وحدت نظر و يك جهتی مشغول کار شوند که این گرفتاری ها و این مشکلات و تمام این قسمتها را که آقایان اظهار فرمودند و ما هم تصدیق داریم که باید اصلاح شود اصلاح شود و اصلاح تمام این امور فقط و فقط منوط بوحدت دولت و مجلس شورای ملی است و اگر انشاء الله موفق باین قسمت شدیم ممکن است موفق باصلاحات هم بشویم و الا ممکن نیست که موفق بهیچ اصلاحی بشویم (صحیح است).

نخست وزیر (آقای ساعد) - آقایان نمایندگان محترم: البته بحث در اطراف برنامه خیلی از حقایق را برای ما روشن کرد و خیلی متشکریم از مذاکرات و تذکرات و اظهار آقایان نمایندگان محترم و انتقادات و اشاراتی که فرمودند با احترام تلقی میشود و در قبول نظریات و رفع نواقص سعی و کوشش خواهیم کرد به خیلی نکات آقایان اینجا اشاره فرمودند و یکی یکی میخوانستم تشریح کنم ولی از آن طرف هم میخوانم زیاد مزاحم آقایان نشوم. اینجا اشاراتی شد که چرا قانون تعلیمات عمومی اجرایش در برنامه ذکر نشده است قانون تعلیمات عمومی از وقتی که قانون شد برای هر دولتی اجرایش واجب و لازم است اجرای قانون که دیگر ذکر آن لازم نیست ما نیامدیم اینجا که قانون را نقض کنیم ما آمده ایم قانون را اجرا کنیم. راجع به ارتش ایران این جا صحبت شد که چرا در برنامه ذکر آن نشده است راجع به ارتش این جا نوشته ایم (استقرار امنیت عمومی) استقرار امنیت عمومی را بدون ارتش که نمیشود انجام داد (صحیح است) راجع به تشکیلات ارتش این دولتی که امروز سر کار آمده است اول مرام او این است که تشکیلات ارتش را بر اساس محکم و صحیحی قرار بدهد. بنده خودم استاندار بودم در رضائیه دهات رضائیه را رافتم و گشتم مخصوصاً بچه های آن دهات را جمع کردم و دقت کردم در چند دهه از سی نفر بچه که آنجا

بودند اغلب را ناخوش دیدم باشکم های بالا آمده آن دهات با اصطلاح آنجاها دهات عجم بود که در آن دهات مخصوصاً حساب کردم از سی نفر شانزده نفر هفده نفر ناخوش بودند ولی از دهات کرد نشین از سی نفر پنج نفر شش نفر ناخوش بودند اینهم نبود مگر این که کردها بیشتر به آئین اسلام معتقد بودند. (آصف - احسنت) و در خانواده هاشان بیشتر رعایت قوانین اسلامی را میکنند مخصوصاً برداشتم گزارش دادم اگر پادشاه وقت سرباز میخواست سرباز را باید از طفولیت تربیت کرد سربازی که تراخم دارد و مالاریا دارد این در بیست سالگی برای مملکت سرباز نمیشود (صحیح است) در قدیم یونانیها پادشاهان مارا متهم کرده و میکفتند پادشاهان ایران هر کس که بچه دارد از آنها میخرند و هر خانواده که بچه زیاد داشت بآنها پول میدادند و طفل آنها را میگرفتند برای سربازی و در حقیقت پول خون آن بچه ها را میدادند ولی حقیقت امر این جور نبود پادشاهان قدیم ایران سرباز را از گهواره تربیت میکردند. بنده نمیخواهم این جا در این برنامه یکی یکی و ماده به ماده دفاع کنم ولی لازم است بعضی توضیحات داده شود. در خصوص امنیت عمومی و قضائی و استقلال قضائی این جا صحبت هائی شد و آقایان موافقین هم جوابهائی دادند بنده وارد جزئیات نمیشوم آقای وزیر دادگستری که برای این کار معین شده اند بنده بایشان عقیده دارم و ایمان دارم و امیدوارم تمام منظورات نمایندگان محترم را بجا بیاورند و عملی بفرمایند. صحبت خواربار و وسائل تأمین خواربار شدم معتقدم که این دولت میتواند این کارها را انجام دهد. آقایان میدانند که بنده داوطلب این مقام نبودم از آن طرف وقتی از طرف مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان محترم به بنده اظهار تمایل شد بنده خدمتگذار مملکت هستم من سرباز هستم و از زیر خدمت به محبت نمیتوانم شانه خود را خالی کنم (صحیح است) در تأمین خواربار بزرگترین وجدی ترین مساعی دولت برای تأمین خواربار بکار خواهد رفت. در قسمت سعی در تعدیل و تنزل قیمت ها تعدیل قیمتها اگر نشود بنده معتقدم که اساس تمام تشکیلات

ما بهم خواهد خورد آقایان نمایندگان میدانند که امروز از وزیر گرفته تا آن منشی آخر شما به آنها فقط حقوق ده روز معاششان را میدهند اگر نتوانید فعلاً لا اقل مخارج بیست روز آنها را بدهید که با قناعت بتوانند زندگی کنند شما نمیتوانید هیچ کاری را انجام دهید. این است که این جا نوشته شده است تأمین حداقل زندگانی برای افراد. این جا ایراد گرفته شد که از کارگرو بیمه کارگر صحبتی نشده است آقایان نمایندگان میدانند که در مجلس گذشته قانون بیمه کارگران از تصویب مجلس گذشت و عرض کردم ما برای اجرای قانون آمده ایم نه برای نقض قانون و در این مملکت تا وضعیت کارگر و برزگر اصلاح نشود هیچ کاری اصلاح نخواهد شد و اینها اگر درست نشود و بهتر نشود نمیشود کار مملکت را اصلاح کرد زیرا آنها هستند که ما را بزرگ کرده اند و به این جا رسانده اند در تاریخ است که هر ایرانی اجدادش دهقان بوده است (صحیح است) در خصوص تقسیمات کشور بنده خودم چون والی بودم استاندار بودم این را بخوبی قبول دارم که باید در تقسیمات کشور تجدید نظر بشود و اهالی محل را هم باید در امور محلی شرکت داد که مخصوصاً اهالی محل درد خودشان را خودشان دوا کنند البته کسانی که از مرکز میروند آنطور که باید به دردهای هر محل آشنا نیستند اهالی محل خودشان بکارهایشان بیشتر علاقمند هستند راجع به تنظیم برنامه چند ساله در این قسمت هم ایرادی به ما نیست ما میخواهیم برنامه ای تنظیم کنیم که هر دولتی آمد از روی آن برنامه اقدام کند همینطور در قسمت تجدید نظر در وضع مأمورین دولت چون این دردهائی است که خودم مأمور دولت بودم حس کردم نوشته ام چون آقایانی که در کار نبودند هم دیده اند ولی وضعیت را بنده از نزدیک دیدم موضوع دیگر استفاده کامل از جوانان تحصیل کرده است و این را ایراد گرفتند چرا خودم که بیستم جوانان را میآورم شاید عرضی هم ندارم و بنده هم معتقدم که از وجود جوانان تحصیل کرده بهتر میتوان استفاده کرد ولی اینها هم يك روزی جوان بوده اند و

اینها موهایشان را سر خدمت سفید کرده اند این را باید گفت که ایرانی اصلاً شایسته است (صحیح است) چرا؟ چون ایرانی در وجود هر ایرانی تاریخ دوهزار و پانصد سال مؤثر است ایرانی نجابت دارد شرافت دارد ایرانی را اگر تشویق بکند بزرگترین کار را برای شما میکند از آنطرف آنها را میشناسم و بد رستی آنها ایمان دارم و پاکدامن هستند و پاکدامنی در این محیط یکی از بزرگترین صفات آنهاست و در این وزراء این صفت بحد کامل هست چون میتوانم با وجود این وزراء اقلاً نگذارم در بیت المال شامزدی شود (یکی از نمایندگان کان - همین هم کافی است برای ما) بنده بشما اطمینان میدهم که من خودم و یافرد فرد همقطارانم اگر نتوانستیم باری که بردوش گرفته ایم بمنزل مقصود برسانیم دولت و مجلس و ملت را معطل نمیکنیم و بار دوش مجلس مقدس هم نمیشویم و هر وقت هم اگر بخواهند يك دولتی تشکیل بدهند اول کسی که با شما همکاری خواهد کرد خود بنده خواهم بود در تشکیل دولت جدید و دولت نو و همقطاران بنده حاضر هستند هر دقیقه و هر آن این باری را که بدوش گرفته اند بزمین گذارند. راجع به مستشاران آمریکائی آقای وزیر مشاور توضیحاتی دادند و بیش از آن نمیتوانم در اطراف آن صحبت کنم ولی این موردی است که مورد توجه تمام ماهاست و ما نمیتوانیم در این موضوع بی علاقه باشیم و اگر يك خطائی دیدیم سکوت اختیار کنیم. بنده بشخص دکتر میلیسپو شخصاً معتقد هستم که نیت پاک دارد و میخواهد خدمت بکند. اگر اشتباهاتی کرده است او را متوجه میکنیم و از او میخواهیم که اصلاح کند و درست کند زیرا دولت و مجلس يك وظایف و وضعیاتی را در جلو دارند و در مقابل ملت آنها را باید انجام دهند. ما نمیتوانیم به بینیم که وضعیت مملکت اینطور باشد و ما بدون علاقه و نظارت نخواهیم کارها را همینطور بگذاریم راجع به موضوع آزادی جواب آقای کشاورز را در موضوع آزادی دادم همانطور که عرض شد آزادی يك چیز مطلق است و چیزی نیست که تازه روی کار آمده باشد و یا ما نخواهیم او را شروع کنیم. راجع به آزادی مطبوعات مطبوعات

رکن چهارم مشروطیت است در باره آزادی مطبوعات خیلی صحبت شده است بنده شخصاً آزادی مطبوعات را محدود به حیثیت مردم میدانم یعنی تا وقتی که حیثیت مردم و آزادی افراد محفوظ است آنها آزاد هستند. دولت علاقه مفرطی بجرائد دارد زیرا آنها حقایق را میگویند و ما همیشه میتوانیم به آنها عقیده داشته باشیم زیرا هر چه آنها مینویسند کمک های مهمی برای ما خواهد بود. در ضمن مذاکرات موضوع کشاورزی بیان شد کشاورزی از مهمترین چیزها است. امسال اگر بتوانیم در قسمت کشاورزی بهبودی حاصل کنیم نه در حرف بلکه در عمل اگر بهبودی حاصل نشود وضعیات ما خیلی بد خواهد شد و این را البته مطابق نظریات مجلس شورای ملی و نمایندگان که امیدواریم کمک بفرمایند هر کمکی و نظری بفرمایند محترم شمرده خواهد شد. اینجا صحبت شد که ما وفق بدهیم روابط اقتصادی خودمان را با متفقین و روی این عمل ما این کار را در نظر گرفته ایم و بقول مرحوم فروغی يك احتیاجاتی دارند آنها احتیاجاتشان البته رفع خواهد شد و ما هم باید با آنها مذاکره کنیم و احتیاجات آنها را رفع کنیم و آنها هم همکاری و تشریک مساعی کنند که احتیاجات ما هم رفع بشود و کمیسیون مخصوصی برای این کار تشکیل خواهد شد که در موقع خود با آنها و همچنین آنها بموقع خودش از مملکت ما و از ما و ما هم از وجود آنها استفاده کنیم. راجع به موضوع عشایر که گفته شد این موضوع هم مورد توجه دولت است عشایر را ما نمی توانیم همینطور بگذاریم و از طرف هیچکس اعتنائی بآنها نشود و بخودی خود باشد و همانطور که این جا تذکر داده شده است در وزارت کشور و در دفتر نخست وزیری مخصوصاً يك کمیسیونی و يك شعبه ای برای عشایر دایر خواهد شد و نمایندگان عشایر را جمع میکنیم و مطابق میل و مقتضیات عمومی با آنها رفتار خواهد شد (صحیح است) و ما میخواهیم هر چه از عشایر گرفته شده سعی کنیم تمام آنها را بآنها برگردانیم اما همانطور که گفتیم باید عشایر کمال ایمان و اطمینان را بنسبت داشته باشند (صحیح است) در خصوص نظام وظیفه

خیلی صحبت شد (من از نمایندگان محترم معذرت میخواهم که نه حرارت جوانان مجلس را دارم و نه فصاحت پیران را و اگر ساده صحبت می کنم علت این است که لهجه من آذری است ولی چون زبان ما شیرین است خواه با لهجه آذری و خواه بشیوه دیگری که با فارسی مخلوط میشود صحبت شود باز هم شیرین میباشد راجع به نظام وظیفه این جا صحبت شد و خیلی هم شکایات شده است بنده خاطر دارم وقتی که در روسیه بودم روزی که قرار شد جوانان بروند بنظام وظیفه اشخاصی که رد میشدند متشبث میشدند که بروند بنظام وظیفه آنها را که رد میشدند از دکتورها کاغذ میآوردند که ما قابل خدمت سربازی هستیم چون که میدانند سربازی افتخار است و از طرفی هم سرباز خانه آنها يك مدرسه اکابر است. سرباز خانه های آنها سینما دارد. سرباز خانه های آنها کتابخانه دارد و صاحب منصبان خیلی تربیت شده درس میدهند درس اخلاق میدهند درس شجاعت میدهند سربازخانه های آنها يك جای محترمی است اشخاص مجرم را از سربازی دور میکنند سرباز باید منزّه باشد از هر حیث. این اصل را باید در ایران هم در نظر گرفت که سرباز خودش باید بیاید سربازی کند در این خصوص البته آقای وزیر جنگ در اصلاح ارتش ما باید يك رویه جدید و يك اصول جدیدی اتخاذ کنند که سربازان ما اصلاح شوند. در اینجا درباره عدم اجرای برنامه از طرف دولت مذاکره شد بنده اطمینان دارم که این هیئت میتواند برنامه را بخوبی اجرا کند. شما بنده را در مقابل عملیات ۲۲ ساله قرار داده اید در صورتی که بنده دو سال قبل آدمم در آن موقع وضعیت مملکت درهم و برهم بود ولی امروز وضعیات ما از لحاظ سیاسی بهتر شده است و وضعیات دیگر هم اصلاح پذیر است اگر همین جوانان که میخواهند زمل امور را در دست بگیرند اگر همین پیران با آنها کمک کنند میتوانند این کارها را بکنند و این پیران هم اشخاصی نیستند که از کمک جوانان شانه خالی کنند و نظریات آنها را رد کنند البته جوانان تحصیل کرده حرارت دارند و يك پیشنهادی جدید دارند

که این پیشنهاد ها باید بتوسط همان جوانها بموقع اجراء گذارده شود. شما میدانید بیشتر کارهای وزارتخانه ها بدست جوانان است معاونین وزارتخانه ها جوانان هستند شما میدانید که وقت باقی نمی ماند برای وزراء که کار خودشان را انجام بدهند زیرا بیشتر وقت آنها صرف حضور در جلسات و کارهای دیگر میشود و بطور کلی کار وزارتخانه ها دست جوانان خوب و تحصیل کرده است سعی بکنید که در تمام موارد ورشته ها در تمام وزارتخانه ها قانون بگذارید که تا يك حدی تا يك مقامی بتواند هر کس برود بالا تر یعنی دیگر قدمت خدمت نباشد فقط بدکتر اولیسان باشد آنوقت تا چند سال دیگر تمام ادارات ما تحصیل کرده خواهند شد موضوع دیگر این است که البته آقایان میدانند که رکن قانون اساسی و رکن مشروطیت ما شخص اعلی حضرت و شخص شاه است و برای آن تمام اختیاراتی قائل شده ایم. (صحیح است) شاه ما جوان است حساس و وطن پرست بنده دوسال در حضور ایشان وقایعی دیدم که واقعا از مختصر وضعیات نامطلوب ایشان متأثر میشدند. شاه ما خوب است اگر شاه ما خوب شد ما مؤثر هستیم در وجود شاه. ما دو مظهر داریم یکی شاه مملکت است و یکی پرچم مملکت بنده در خارجه دیدم ترتیب احترام پرچم را شاه زانو میزد و او را میبوسید و ولیعهد مملکت هم همچنین زانو میزد و او را میبوسید. البته پرچم يك چوبی است بایک تیکه پارچه ولی سمبلی است که باید محترم شمرده شود. همینطور هم در اینجا شاه مملکت مظهر شجاعت ماست مظهر استقلال مظهر وحدت ما است او هر چه باشد باید همیشه احترامش گذاشت و نباید قلب او را جریحه دار بکنیم شاهی که حقوق مجلس را حقوق ملت را رعایت میکند بایستی کاملاً احترام بکنیم (صحیح است) از نمایندگان محترم از جرائد از مطبوعات و از مدیران جرائد این اصل را بنده خواستارم. همینطور که عرض کردم بنده طالب مقام نخست وزیری نبودم از یکسال باینطرف چندین بار در این باب به بنده تذکراتی داده میشد و بنده هم بدلیل و بر این اشکالات خود را بعرض میرساندم ولی بعداً

چون تمایلات مجلس مقدس به بنده ابراز شد خودم را ذبح نمودم از قبول مسئولیت و اجرای وظایف ملی و وطنی خود شانه خالی کنم و خود و دولت حاضر را بمجلس معرفی نمودم ولی قبلاً دوسرته در مقابل نظرها و اشارتهای مجلس سر تعظیم فرو آوردم و از این لحاظ بود که همواره این آرزو را دارم که با میل و اراده مجلس مقدس ملی و بانكاء کامل به تمایلات مجلس مملکت را اداره و همکاری و صمیمیت کامل بین دولت و مجلس برقرار نمایم. بنده با ایمان پاك و آرزوهای بی آلائش مقدرات کشور را بدست گرفته در وجود هر ایرانی تاریخ دوهزاروپانصد سال ونجات و شرافت ملی را منعکس می بینم و معتقدم که هر ایرانی که عضو دولت باشد با تقویت نمایندگان و مجلس شورای ملی بهر کار خدمتی که از آن عظیم تر نباشد قادر خواهد بود. اوضاع امروز دنیا ایران را در موقعیت باریکی قرار داده و مختصر انحراف از وحدت ملی و یگانگی تأثیرات عمیقی در آینده ما خواهد داشت و این را هم می توانم عرض نمایم همینکه ایرانی تشویق و ترغیب شد کارهای بزرگی از دستش بر می آید. میخواهم مختصر بکنم و نمیخواهم زیاده تر از این مزاحم آقایان بشوم و با اعتقاد و اعتماد باین اصل و با امید توجه نمایندگان محترم خود و دولت را بحکمیت عادلانه مجلس مقدس ملی میسپارم (صحیح است).

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

طوسی - سه پیشنهاد رسیده است راجع کفایت مذاکرات از آقای سیف پور فاطمی و فرهودی و نبوی (بعضی از نمایندگان - بخوانید).

نایب رئیس - پیشنهاد آقای نبوی.

چون مذاکرات بعد کافی بعمل آمده است پیشنهاد میکنم بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود.

نایب رئیس - آقای نبوی.

نبوی - اگر قائل شویم که مذاکره در برنامه واجب است تازه واجب کفائی است و بقدر کفایت هم در این موضوع صحبت شده است و لازم نیست که آقایان همان الفاظ را که

سایر آقایان گفته اند آن را دوسرته تکرار نمایند نتیجه ای از آن حاصل نخواهد شد و این را قبلاً هم عرض کردم استدعا میکنم که بکفایت مذاکرات رأی گرفته شود.

صفوی - مجلس شورای ملی باید بر دبار باشد و آقایان محترم توجه کرده اند که معایب و معضلات مملکت گفته شد اینجا و يك روز دیگر هم اگر صحبت شود مانعی ندارد زیرا آنها دوسرته است که نمایندگان میتوانند کاملاً صحبت کنند یکی در موقع برنامه و یکی هم در موقع بودجه کشور. توجه بفرمائید آقایان در اطراف برنامه نیم ساعت سه ربع دوساعت حرف زدند يك مشکلاتی را گفتند و دولت هم توجه کرد و آقای نخست وزیر هم الا آن یادداشت کردند و بموقع اجراء میگذارند شاید بنده ناچیز هم يك مطالب و تذکراتی داشته باشم که از نظر حوزه انتخابیه ام و مردم مؤثر باشد. همکار محترم بنده آقای آصف يك توضیحاتی برای مردم کردستان فرمودند راجع بصحبه راجع بدوا و بهداری و غیره اینجا توجه بفرمائید من استدعا میکنم از همکاران محترم اگر حالا هم خسته شده اند مثل دیروز عصر تشریف بیاورند و تذکرات لازمه را بفرمایند (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - رأی رأی. **نایب رئیس** - رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات بموجب پیشنهاد سه نفر از آقایان آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

رحیمیان - بنده يك کله دارم از نمایندگان که در موقعی که خودشان صحبت میکنند تا خودشان صحبت نکرده اند مذاکرات کافی نیست ولی خودشان که مذاکرات کردند مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق تقاضا کردند که به موجب ماده ۵۸ اظهاراتی دارند که بفرمایند.

روحی - سابقه ندارد.

نایب رئیس - ماده ۵۸ نظامنامه.

ماده ۵۸ - وقتی که مباحثات لایحه بطور کلی ختم شد باید مواد آن لایحه يك يك مباحثه شود. رئیس در این

خصوص از مجلس رأی میخواهد اگر در باب مباحثات ماده بماده رأی داده نشد رئیس رد لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده بماده قبول شد شروع بمباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجعه مذاکرات بعمل می آید پس از آن در خصوص شور ثانی مجلس رأی میدهد در شور ثانوی در خصوص هر يك از مواد لایحه و اصلاحات راجعه رأی گرفته میشود بعد از این ترتیبات يك رأی قطعی در کلیه لایحه داده میشود ولی قبل از دادن این رأی هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در رد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید.

بعضی از نمایندگان - این که لایحه نیست آقا؟

دکتر مصدق السلطنه - فرق نمیکند برنامه يك لایحه ای است که دولت آورده است.

یکی از نمایندگان - این لایحه نیست.

دکتر مصدق السلطنه - پس این چیست؟ دو ماده دارد الف دارد و ب دارد و چهار بند دارد بنده میخواهم رأی بدهم دلیل رأی خودم را باید بگویم.

اردلان - بعد از کفایت مذاکرات نمیشود صحبت کرد. **صفوی** - مجلس بکفایت مذاکرات رأی داده است.

دکتر مصدق السلطنه - ... اجازه بدهید میگویم اجازه نمیفرمائید بگویم و از حدود توضیح هم خارج نمیشوم.

امیر تیمور - بنده اخطار نظامنامه دارم.

دکتر مصدق السلطنه - ... بنده بعنوان مخالف عرضی دارم و مقصودم این بود که اگر دولت بعزایض توجه کند جزء موافقین دولت باشم.

دکتر عابدی - اجازه بفرمائید بنده مثل سایر آقایان نسبت بایشان ارادت دارم ولی از ایشان انتظار دارم که مقررات و آئین نامه را بیش از هر کس رعایت بفرمایند در همین ماده استدلالی آقای دکتر کاملاً مشهود است که منظور لایحه است و برنامه غیر از لایحه است برنامه صرفاً عبارت است از پرگرامی که دولت میدهد موادی هم ندارد.

و به کمیسیون مراجعه نمیشود بنا براین این ماده شامل آن نیست.

دکتر مصدق - بنده میخواهم دو کلمه راجع به نان این شهر صحبت کنم این مجلس برای آسایش مردم است قانون برای آسایش مردم است بنده باید این حرف را بزنم. **عده ای از نمایندگان** (با همهمه) - آقا برخلاف نظامنامه است این ماده هم که قرائت شد مربوط به شور کلیات آخر لوایح است و این برنامه لایحه نیست.

صفوی - آقا در بوشهر بودم مردم از گرسنگی میمیرند و چون مجلس رأی بکفایت مذاکرات داد بنده نتوانستم بدبختی های بوشهر را بعرض آقایان برسانم.

بعضی از نمایندگان (با همهمه) - (خطاب با آقای دکتر مصدق) بفرمائید آقا توضیح بدهید. (زنك متمد رئیس)

بعضی از نمایندگان - آقا اینکه نمیشود برخلاف نظامنامه است مجلس رأی بکفایت مذاکرات داده است. **امیر تیمور** - بنده اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - آقای امیر تیمور بفرمائید.

امیر تیمور - بنده از اشخاصی هستم که همیشه خیلی رغبت داشته و دارم که بیانات آقای دکتر مصدق را استماع کنم ولی سوابقی در مجلس است همانطور که آقای دکتر عبده هم توضیح دادند وقتی مجلس بکفایت مذاکرات رأی داد دیگر نمیشود راجع به برنامه صحبت کرد و بایستی رأی اعتماد بدولت داده شود و بعلاوه برنامه را نمیتوان يك لایحه قانونی تلقی کرد و ماده ۵۸ را که آقای دکتر مصدق تذکر دادند نسبت به برنامه مورد ندارد. بموجب سوابق موجوده که در موقع رأی به پروگرام دولت مرحوم آقای فروغی و دولت آقای سهیلی و آقای قوام السلطنه عمل شده است وقتی رأی بکفایت مذاکرات داده شد دیگر نمیشود در برنامه صحبت کرد و باید رأی اعتماد داده شود.

دکتر مصدق - من فقط توضیح میدهم و از حدود توضیح هم بخارج نمیشوم.

بواسطه آزادی ورود جنس قاچاق از بین میرود و کرایه هم تنزل میکند.

من متأسفم که اختیارات دکتر میلیسپو که مقصود از آن اصلاحات و رفاهیت جامعه بود نتیجه معکوسی داد و سد بزرگی برای اصلاحات و رفع حوائج مردم شد. مجلس از خود سلب اختیار نمود و ما را در تحت قیمی گذاشت که خود محتاج قیم است من یقین دارم که مسامحه دولت در آزادی ورود جنس بشهر یکی از کارهایی است که برای مملکت مضر و برخلاف سیاست است و هرگونه خسارتی که باین مردم برسد مسئول آن دولت سهیلی و ساعد است و بزم متأسفم که این دولت نخواست منافع عموم را در نظر بگیرد و نظریات جامعه را محترم بشمارد.

من از دولت سؤال میکنم که مردم برای قانون یا قانون برای مردم است! هر روز وزیو و مستشاره از خلاف قانون میکنند ولی امروز که لازم است برای حفظ جان مردم اقداماتی کند احترام قانون را بهانه قرار میدهند تا هر چه جنس موجود است از مملکت برود بنا براین من باین کابینه رأی نمیدهم و این کابینه را هم قابل دوام نمیدانم، باید این کابینه ها بیایند و بروند تا اشخاصی که میخواهند برای جامعه کار کنند داخل در کار بشوند.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید.

دشقی - چون اعلام رأی شده است بفرمائید آقایان بیایند رأی بگیرید.

نخست وزیر - اجازه میفرمائید؟

دشقی - آقای نخست وزیر حالا نمیتوانید صحبت کنید

رفیع - مانعی ندارد دولت میتواند هر موقع که بخواهد صحبت کند.

نخست وزیر - حالا که مجلس شورای ملی به کفایت مذاکرات رأی داد بنده میخواستم تقاضای تعیین مقدرات را تقاضا بکنم.

بعضی از نمایندگان - رأی.

طوسی - اجازه بفرمائید راجع بهمین است خواستم خاطر آقایان را تذکر بدهم.

نایب رئیس - يك پیشنهاداتی رسیده است.

بعضی از نمایندگان - اعلام رأی شده است دیگر نمیشود.

اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۶۴ ورقه سفید

و ۸ ورقه کبود و ۲ ورقه سفید بی امضاء شماره شد

نایب رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۵ ورقه

سفید ۶۴ ورقه کبود ۸ دوازده نفر هم متمنع بوده اند بنابراین با ۶۴ رأی به کابینه آقای ساعد رأی اعتماد داده شد.

نخست وزیر - از ابراز لطف و اعتماد نمایندگان محترم متشکرم آنهاییکه رأی اعتماد دادند مصالح عالیه کشور را در نظر گرفتند و آنهاییکه رأی ندادند از آتیه کشورگرانی ها داشته اند و رأی شان محترم و مستحسن است در این موقع که با توجهات مخصوصه اعلیحضرت همایونی و بانكاء مجلس مقدس ملی زمام امور را بدست میگیرم از نمایندگان محترم اجازه میخواهم از این کرسی خطابه پیام دوستانه و صمیمانه به پیشوایان و ارشهای مظهر متحدین خود بفرستم به پیشوای ارتش سرخ و فرماندهان آن که با سرعت برق آسا خاک مقدس

اسامی موافقین: آقایان: تولیت - بهبهانی - کاظم جلیلی - سنندجی - امیر ابراهیمی - نقابت - ظفری - مرآت اسفندیاری - رفیع صدر قاضی - گرگانی - ذوالفقاری - قبادیان - دکتر طاهری - یمن اسفندیاری - گبو - آصف - فرهودی - اردلان - روحی - مهدی فاطمی دهستانی - دکتر شفق - جواد مسعودی - منصف - صفوی - افخمی - فولادوند - تیمورتاش - نجومی - مجدضیائی - آشتیانی - مقدم - خلیل دشقی - بدیهیه الدین طباطبائی - ذوالقدر - دکتر آقایان - صادق بوشهری - خاکباز - رضا حکمت - ملک مدنی - طوسی - فرخ - همدانزبئی - هاشمی تجدد - نبوی - دولت آبادی - اخوان - امیر تیمور - حسین تهرانی - ملایری - فرود - افشار صادقی - مؤید ثابتی - بیات - فتوحی - امامی - سبب پور فاطمی - سلطانی - مخبر فرمند - نمازی - بهادری - صدریه - اسامی مخالفین: آقایان: ایرج اسکندری - ساسان خواجه نصیری - خلعت پری - دکتر کشاورز - شهاب فردوسی - فداکار - پروین گنابادی - کام بخش.

وطن خود را از لوٹ وجود دشمن پاک میکنند و بعالم و عالمیان درس آزادی و وطن پرستی و فداکاری میدهند و بنام آزادی حقوق و استقلال عموم ملل را محترم میشمارند این فیروزیهای ارتش سرخ که پایه آن در استالینگراد (شهر قهرمان) گذاشته شد از صمیم قلب تبریک گفته پیشوای ملت و ارتش شوروی را با احساسات پاک تقدیر و تکریم میکنم (صحیح است) پیشوای دولت بریتانیای کبیر که با جدیت خستگی ناپذیر سازمان فتح نهائی را فراهم ساخته مورد احترام و تکریم ملت ایران فیروزیهای ارتش هشتم و پنجم در تاریخ جنگ عالم بی نظیر بوده و پیروزیهای پی در پی ارتش امپراطوری را از این کرسی خطابه تبریک میگویی و موفقیتهای بیشتر و سریعتری را خواهانم.

پیشوای معظم دولت امریکا که مورد احترام عموم عالمیان است پرچم آزادی را باهتزاز در آورده و احترام بحقوق و آزادی و حاکمیت عموم دول را بشارت میدهد مورد احترام و تکریم ما ایرانیان بوده و پیام دوستانه و صمیمانه خود را باین پیشوای دولت و ملت دوست ممالک متحده آمریکا و ارتش مظفر ایشان میفرستم.

شهامت و مقاومت ملت چین در مقابل دشمن قوی مورد تقدیر و تکریم ما است و به پرچم آزادی دولت و ملت چین سلام دوستانه میفرستم.

به برادران و همسایگان هم پیمان خود دولت و ملت ترکیه و دولت و ملت افغانستان و دولت و ملت عراق پیام صمیمانه و دوستانه میفرستم و عموم متحدین مان را که برای آزادی و رفع ظلم و اجحاف و تعدی در عالم جنگ میکنند و علم استقلال و آزادی را برای حفظ حقوق مسلمة خود بلند کرده اند با احترام و محبت پیام دوستانه میفرستم (صحیح است احسن)

۵- تقدیم لایحه سه دوازدهم از طرف آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی - لایحه سه دوازدهم را تقدیم میکنم و خواهش میکنم که به کمیسیون ارجاع شود و ضمناً متذکر میشوم که حقوق ادارات را تا لایحه تصویب نشود نمیتوانیم

بپردازیم و یک قسمت مهمی است که قابل توجه مجلس شورای ملی است و بایستی بعرض برسانم این است که ما اعتبار کافی از برای تهیه خواربار و جمع آوری بقیه محصول در دست نداریم. امیدوار هستم که کمیسیون را آقایان محترم زودتر تشکیل بدهند و در اطراف این موضوع زودتر بررسی شود و اقدام بفرمایند که برای جلسه آتی این موضوع جزء دستور بشود (صحیح است)

سید ضیاءالدین - راجع بفرمایش آقای وزیر مالیه خواستم عرض کنم ممکن است برای یک مرتبه مجلس شورای ملی یک دوازدهم را تصویب کند ولی باید بدانید که مجلس نمیتواند هر ماه یک دوازدهم بودجه را تصویب کند باید اگر اعتبار مجلس را میخواهید باولین وسیله و کمترین زمانی بودجه کل را تقدیم مجلس شورای ملی بنمائید والا نباید انتظار داشته باشند که مجلس در آتی غیر از این لایحه لایحه دیگری در این باب تصویب کند.

نایب رئیس - آقای آصف

آصف - بنده خواستم این را عرض بکنم جناب نخست وزیر در ضمن بیاناتشان قبل از اینکه رأی اعتماد داده شود یک بیاناتی مبنی بر وطن پرستی اگر ادا فرمودند که قابل تصدیق همه است. بنده خیلی خوشوقتم از اینکه ما واقعاً ثابت کردیم که ملت ایران آزاد است و نمایندگان ایران میتوانند این هفته در اطراف برنامه دولت مذاکره کنند این بهترین افتخار ملت ایران است که نمایندگان آن ملت آزاد هستند و میتوانند صحبت کنند (صحیح است) و بنده حقیقه خیلی خوشبختم که در این دوره مشغول خدمت گذاری هستم. آقای نخست وزیر در ضمن بیاناتشان یک قدر دانی از اکراد نمودند و بنده هم بنام اکراد از ایشان تشکر میکنم و امیدوارم با همان خون پاک که داریم با هم میهنان خودمان تا آخرین دقیقه نسبت بمیهن خودمان خادم باشیم و دولت حاضر هم برخلاف دولت های گذشته با اکراد رأفت داشته باشد و قلوب جریحه دار آنها را التیام بدهد یعنی مرحمی روی آن قلوب جریحه دار آنها که نمک پاشیده اند بگذارد چون آنها که نمک پاشیدند رفتند شما باید مرحم بگذارید. ولی یک

مطلبی را خواستم تذکر بدهم آقایان وزراء و آقای نخست وزیر وقتی هم که تشریف میبرند پشت میزشان اول خدا دوم ملت سوم مجلس شورای ملی را در نظر بگیرند.

اردلان - بنده اجازه میخواهم یک موضوع مهمی است که میخواهم عرض کنم چون نماینده محترم کردستان احساسات اکراد را بعرض مجلس شورای ملی رساندند بنده هم چون نژاد آکردهم خواستم عرض کنم که کرد نژاد پاک ایرانی است.

همه نمایندگان - همه یکی هستند

اردلان - عرض کنم که فرقی بین لردو کرد و بختیاری نیست و همه یکی هستند و همه ایرانی هستند و زبانهای حقیقی آنها هم همان زبان ایرانی است و نظر آقا هم همین بوده است.

۶- تقدیم طرح مربوط باجرای سوگند آقایان وزیران

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده است بامضای چندین نفر قرائت میشود.

ریاست محترم مجلس شورای ملی

ماده واحده ذیل را با قید دوفوریت پیشنهاد و تصویب آنرا درخواست داریم. ماده واحده - نخست وزیر و افراد وزراء مکلفند بلافاصله بعد از رأی اعتماد مطابق قسمنامه ذیل در مجلس شورای ملی قسم یاد کنند: امضاء کننده ذیل (که کبی و چه مقامی دارد ذکر شده) خداوند را بشهادت میطلبم و بقرآن مجید قسم یاد میکنم تکالیفی را که بمن رجوع شده است مطابق قوانین مصوبه مجلس و مطابق قانون اساسی با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهم و نسبت بسا علیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفتخ خود صدیق و راستگو باشم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران.

نایب رئیس - آقای سید ضیاءالدین.

سید ضیاءالدین - آقایان نمایندگان محترم بهتر میدانند که هر کاری یک تشریفاتی دارد مشروطیت هم یک تشریفاتی

دارد و کلای ملت وقتی که می آیند بمجلس شورای ملی ملزم هستند قسم بخورند که بقانون اساسی و شهریار معظم و بملت و حقوق ملت ایران خدمت بکنند و خیانت نکنند. و کلا چیزی در دستشان نیست جز زبانشان و قوه اجراییه در دستشان نیست آنها فقط حرف میزنند در اغلب ادارات دولتی هم قسم میخورند و جای تأسف است که در عرض این چهل سال مشروطیت ایران آن تشریفات بسیار ساده ای که در هر اداره معمول است نسبت بمظاهر قوه مجریه یعنی وزراء رعایت نشود باین جهت یک طرحی شد همانطور که ملاحظه فرمودید و عده ای هم از آقایان امضاء فرمودند و بنده معتقد هستم مادام که همه ما با علاقه مند بقانون اساسی هستیم و همانطور که آقای نخست وزیر در بیانات خودشان اشاره فرمودند احترام مقام سلطنت را هم وظیفه خود میدانیم در عین حال انتظار داریم مظاهر قوه مجریه یعنی هیئت وزراء یک وثیقه اخلاقی و ایمانی بما بدهند که در وظائف خودشان که نه بشاه و نه بملت و نه بحقوق مملکت ایران خیانت بکنند و گمان میکنم مخالفی نباشد (صحیح است) اگر توضیح بنده کافی نیست توضیح بیشتری عرض کنم (صحیح است) بعد از فرمایش آقای وزیر مشاور عرض میکنم (نه بفرمائید) گمان میکنم که آقای وزیر مشاور میخواهند بفرمایند که در انگلستان معمول است که وزراء در پیشگاه پادشاه قسم میخورند و از این جهت میخواهند بمن اعتراض بکنند اگر این است

جمعی از نمایندگان - خیر اینطور نیست.

سید ضیاءالدین - ۰۰۰ که میخواهم توضیحی عرض کنم که چهل سال قوه مجریه در توجه باین وظیفه غفلت کرد و عدم صلاحیت خودش را بواسطه غفلت در وظایفی که ملزم بود اعتراف کرد از آن گذشته با تمام احترامی که بشاه جوان معصوم خودمان داریم و حفظ حقوق و حیثیت و مقام ایشان را محترم می شماریم یک چیزی را نباید از نظر دور بداریم که در این مملکت و در این کرسی سلطنتی بودند قسم خوردند و نمیدانم ناچه اندازه مطابق تعهداتی که در پیش خدا و خلق کرده بودند بواسطه خودشان عمل کردند این را خود آقایان

بمهر میدانند. بنا بر این امروز تعیین محل ایفاء این وظیفه بعقیده بنده فقط بنظر آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی است هر چه آقایان نمایندگان تصویب بفرمایند و صلاح بدانند همان خواهد بود. (صحیح است)

وزیر مشاور (آقای عدل) - بنده میخواستیم يك نکته را عرض بکنیم اتفاقاً يك تبادل افکاری بین فکر دولت و آقای آقا سید ضیاءالدین بوده است و خود هیئت دولت يك قانونی تهیه کرده بود والا آن هم حاضر است که بعد از تعیین تکلیف خودش تقدیم مجلس بکند و راجع بمحل قسم هم راست است يك اختلافانی بود ولی نه بآن اندازه که ایشان فرمودند نظر ما این بود که قسم در پیشگاه اعلیحضرت همایونی با حضور هیئت رئیسه مجلس و دیوان عالی تمیز خورده شود حالا البته هر طور که مجلس شورای ملی صلاح بداند همانطور عمل خواهد شد (صحیح است)

نایب رئیس - آقای دکتر کشاورز

دکتر کشاورز - معمول مجلس شورای ملی این است که وقتی يك پیشنهادی میشود يك موافق از آن دفاع میکند و يك مخالف هم صحبت میکند. استدعا میکنم آقایان اجازه بفرمایند بنده هم عریضی که دارم عرض کنم شاید به عقل ناقص بنده هم چیزی برسد. بنده در مخالفت با قسم خوردن آقایان اتخاذ سند میکنم از گفته آقای سید ضیاءالدین که فرمودند اینجا قسم خوردند و آن قسم را تاچه اندازه محترم شمردند نمیدانم. پس منظورشان این است که صرف حفظ ظاهر کار را اصلاح نمیکند و اشخاص را مقید نمیکند (باینکه آقایان گرسنه شان است و میخواهند بروند) اجازه میخواهم این را عرض کنم این قسمی را که ما اینجا خوردیم و قبلاً از ما هم آقایان نمایندگان دوره های سابق یاد کرده اند بعد از قسم بکلام الله مجید گفته میشود: مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده است مهمل نکن با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام داده و نسبت به اعلیحضرت متبوع و مأمور منعم خود صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننماییم و هیچ منظوری نداشته باشیم چیز

بعد از دوسه ماه آن شخص برود پی کارش. قسم یاد کردن و تشریفاتی را که برای قسم یاد کردن قائل شده اند نباید کوچک کرد و پائین آورد حالا بسته است بنظر آقایان که هر طور صلاح میدانند عمل نمایند.

بعضی از نمایندگان - بماند برای جلسه دیگر.

[۷- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

نایب رئیس - هفت هشت ده نفر از آقایان اجازه

خواسته اند که در این موضوع صحبت کنند و پیشنهاد ختم جلسه هم رسیده است اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم طرح پیشنهادی آقایان.

[مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد]

نایب رئیس مجلس شورای ملی - امیر تیمور

فوائد و مصالح دولت و ملت ایران پس قانون اساسی در صفحه ۵۷ اصل نهم متمم قانون اساسی میگوید: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید قسم هم خورده بودند که این را اجرا کنند و اجرا نکردند (صحیح است) بنده بیشتر وارد نمیشوم برای اینکه مبدا توهین بشود. اما از نظر قانونی (البته آقای عدل بهتر مسبوقند) این عمل صحیح نیست دلیلش چیست؟ دلیلش این است که معمولاً قسم را اشخاصی میخورند که در مقابل يك مقام معینی مسئول نیستند نمایندگان مجلس شورای ملی قسم میخورند چرا؟ برای اینکه نمایندگان جز در مقابل افکار ملت مسئولیتی ندارند و در واقع در مقابل مقامی مسئول نیستند. قاضی قسم میخورد برای اینکه قانون اساسی قاضی را مستقل داشته و در مقابل هیچ مقامی مسئول نیست. این است که قانون گذار خواسته است او را اخلاقاً مقید و موظف بکند. اما و نهائی که ممکن است یکماه و نیم دیگر در مقابل استیضاح بکنند و کیل از کارشان منفصل شوند... بعضی از نمایندگان گفت - اینطور نیست تا اکثریت رأی ندهد از کار برکنار نمیشوند (البته این که عرض کردم در مقابل استیضاح يك و کیل مقصودم باموافقت اکثریت بود. مورد ندارد که این آقایان قسم بخورند....)

بعضی از نمایندگان - چرا؟ این حرف صحیح

نیست.

دکتر کشاورز - بنده دلیلش را اول عرض کردم و همین آقایانیکه حالا میفرمایند چرا اول که از نظر قانونی عرض کردم فرمودند صحیح است. کسانی که مسئول هستند در مقابل يك مقامی مثل آقایان وزراء که در مقابل مجلس شورای ملی مسئول میباشند دیگر لازم نیست این تعهد را بپردازند بخصوص که قانون اساسی هم برای قسم یاد کردن تشریفاتی قائل شده است. قسم یاد کردن را نباید تقدیر مبتذل کرد و پائین آورد که کسی را وادار به قسم خوردن نمایند و

تصمیم قانونی

دائر بابر از رأی اعتماد یکایینه آقای محمد ساعد نخست وزیر

مجلس شورای ملی در جلسه یکشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۲۳ پس از طرح برنامه به کابینه آقای محمد ساعد نخست وزیر با کثرت ۶۴ رأی از ۸۵ نفر عده حاضر رأی اعتماد داده است .

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد صادق طباطبائی

متن برنامه دولت آقای محمد ساعد نخست وزیر

الف - در سیاست خارجی :

همکاری کامل با متحدین خود بر اساس رعایت حقوق و منافع متقابل و تحکیم روابط دوستانه با دولت های دوست و همسایه .

ب - در سیاست داخلی :

۱ - استقرار امنیت عمومی و قضائی بوسیله تأمین اجرای کامل قانون در تمام شئون کشور و جهد در اینکه قانون در سراسر کشور اجرا تا عموم افراد کشور از عدالت واقعی برخوردار و آسایش عمومی برقرار شود .

۲ - تهیه وسائل تأمین خواربار و حوائج ضروری مردم و سعی در تعدیل قیمت ها .

۳ - تأمین حداقل مایحتاج زندگانی برای افراد کارگر و برزگر از حیث غذا و لباس و مسکن و بهداشت و تعلیمات مربوط بمشاغل هر يك از طبقات مذکور .

۴ - تجدید نظر در قانون تقسیمات کشور و شهرداریها و اصلاح تشکیلات اداری مملکت با توجه باینکه اهالی در اداره امور محلی خود بیشتر شرکت داشته باشند .

۵ - تنظیم برنامه های چند ساله در امور مربوط بکشاورزی و صنعتی و بازرگانی و بهداشت و فرهنگ و تقدیم آن به مجلس شورای ملی .

۶ - تجدید نظر در وضع مأمورین دولت و تأمین زندگی آبرومند آنها تا بتوانند با کمال فراغت خاطر انجام وظیفه نمایند با تشویق کامل خدمتگذاران صدیق و درست کار و تعقیب و مجازات آنها تا آنکه از مقام خود بر ضرر دولت و ملت سوء استفاده مینمایند .

۷ - استفاده کامل از جوانان تحصیل کرده که شایستگی علمی و عملی و اخلاقی آنها در اموری که بر عهده داشتند بامتحان رسیده است .